



فخر اسلام

انما فتحنا لك فتعأمينا غنائم جنگی عملیات محرم از یک میلیارد دلار بر آورده

جمهوری اسلامی

یا اجرای سوزین سر حله عملیات محرم

لواء اسلام ناعس ده کله

ایران دفاع از آزادی
لقه در آس

برای ما
شخصدا

به دنیا اعلام میکنم

جریات حمله و حمله
سعودی

حمله جنگنده ها

تاریخچه نهایی
الله أكبر
بانی مائده طاهره

تجدید میثاق

بسم الله الرحمن الرحيم
هزارمین شماره روزنامه جمهوری اسلامی در حالی منتشر می شود که شرایط حاکم بر جهان با روزی که نخستین شماره روزنامه در صحنه مطبوعات ایران ظاهر شد، تفاوت کلی دارد. از آن زمان تاکنون در تمامی شئون این انقلاب از جمله در مطبوعات، تغییراتی را شاهد بوده ایم. راهی که این روزنامه با شعار «حفظ آرمان شهیدان» گشود و در آن به تنهایی گام نهاد، اکنون پرهرو شده و خوشحالیم که در این مسیر، اکنون دیگر تنها نیستیم. راهی که اکنون راه اصلی محسوب می شود و به برکت خون هزاران شهید، موانع عمده آن از میان برداشته شده است. روزنامه جمهوری اسلامی در زمانی پا به عرصه مطبوعات گذاشت که مطبوعات در تیول گروهکهای چپ و مهرهای سرسپرده رژیم ستم شاهی و عناصر بی خط و بی هدفی بود که در مسیر باد، حرکت می کردند، شاید اکنون برای عده ای باور کردنی نباشد، لکن با ورق زدن روزنامه های آن دوران، می شود باین نکته رسید که دست اندرکاران مطبوعات با اصرار شهبانگیزی، سعی در گل آلود کردن آب و آرواره جلوه دادن ماهیت این انقلاب و مسخ هویت اسلامی آن بودند. اینگونه است که اهمیت وجودی روزنامه جمهوری اسلامی را میتوان احساس کرد و نقش موضع تهاجمی آن را برای دفاع از آرمانهای انقلاب اسلامی به مثابه

آرمان توده های میلیونی مردمی که زندگیشان را ومالشان را و همه چیزشان را در راه تثبیت این نهضت سرمایه گذاری کردند، مورد ارزیابی قرار داد. این نکته پذیرفتنی است که بسایسی در بررسی های خود دچار مطلق نگری شویم. لکن تردیدی نیست که روزنامه جمهوری اسلامی نخستین روزنامه ای بود که مقابله با توطئه های دشمنان زخم خورده این انقلاب را به صورت جدی آغاز و دنبال کرد و در این مبارزه هیچگاه از اصول خود تخطی نکرد. شاید نخستین شماره های این روزنامه بهترین گواه برای اثبات این مدعا باشد که روزنامه جمهوری اسلامی، موضع گیری در برابر «نزیه ها» و ملی گرایان و «ابن الوقت ها» را یکی از حیاتی ترین رسالت های خود تلقی می کرده است. مبارزه با فرصت طلبانی که هرگز بصورت جدی در مبارزات ضد طاغوتی حضور نداشتند لکن پس از پیروزی انقلاب برای حوشه چینی، فرصت را غنیمت شمرده بودند. متن زیر در حقیقت سرمقاله نخستین شماره روزنامه ایست که هزارمین شماره آن امروز در برابر

شماست. اگرچه از آن زمان تاکنون وقایع بسیاری رخ داده اند و این ملت حوادث بی شماری را پشت سر گذارده و صحنه سیاسی ایران با تفاوت ها و دگرگونی های چشمگیری توأم بوده است، لکن این متن همچنان نشان میدهد که ما از کدامین پنجره به جهان نگاه میکنیم. چه کسی بایستی گواهی دهد که ما بر مواضع خود مردانه ایستادیم و قامت در برابر حوادث و حادثه آفرینی ها خم نکردیم؟ قطعاً مردمی که با تماس های مستقیم و حمایت های بیدریغ خود ما را در این راه «دلگرمی» بخشیدند و گاه پیشاپیش همه، راه را برای حوادث آیسند هموار ساخته و موانع را از میان برداشته اند، بهترین کسانی هستند که ارزیابی آنان در این زمینه ارزش و اعتبار یک روزنامه را مشخص میکند. ما همچنان معتقدیم که کلمات در روزنامه، همچون فشنگ هائی هستند که از اسلحه روزنامه نگار هم میتوانند به قلب ضدانقلاب و هم به قلب انقلاب شلیک گردند، و خطر یک روزنامه نگار که بیک ایدئولوژی متکی بر فطرت و برخاسته از آن متکی نباشد، کمتر از مسلسل هائی که قلب انقلاب را نشانه رفته اند، نیست. اکنون سرمقاله نخستین شماره روزنامه جمهوری اسلامی را که نزد ما بعنوان «میثاق با امت اسلامی» محسوب میشود، عیناً تکرار میکنیم. باشد که امت اسلامی انتشار مجدد آنرا بعنوان «تجدید میثاق» تلقی نمایند.

ما از کدامین پنجره به جهان نگاه می کنیم

قلم شمشیری بر علیه جباران ساخت در حالیکه در ریشه قضایا ما جز «تهی» چیزی نداشته باشیم. ما این تکیه گاه را فطرت انسانی که بوجودش باور داریم می گیریم. چه چیزی نفرت از ظلم را در طول هزاران سال تاریخ بشری بعنوان خصیصه ای انسانی و تغییر ناپذیر نگه میدارد، تا آن حد که از خواندن یک شعر کنده شده بر سفالهای سومری که از دردها و رنجهای یک برده حکایت دارد، همانجور برآشفته و خشمگین و اندوهناک میگردیم که از شعر یک شاعر متعهد انسان دوست امروزی که از دردها و رنجهای انسانهای در بند سخن می گوید. برای این اساس و با اتکا به چنین تکیه گاه محکم شعار: «کونالظالم خصما و للمظلوم عونا» را شعار خود و شعار روزنامه انتخاب می کنیم. «دشمن ظالم و یار ستم دیده باشید». این وصیت امام علی (ع) در واپسین روز زندگی بفرزندانش است و گویی وصیتی است برای تمام بشریت.

از پنجره ای که ما از آن بجهان می نگریم، هستی را بشکلی می یابیم که از شرایط رستگاری و فلاح در آن، خصم آشتی ناپذیر ظالم و یار مظلوم بودن است. شعار بالا را در محیط روزنامه نگاری بیاوریم، خبرهایی از گنبد سرازیر گشته است، یا گزارشهایی از کارخانه ها آمده و یا اخبار سخن از رابطه بحرانی یک کشور کوچک آفریقائی در مقابل جهانخواران میگوید: موضع ما کاملاً مشخص است. تشخیص ظالم براساس ملاکهای مکتبی خودمان و حمله بان آنچنانکه ایدئولوژی ما میگوید شناخت مظلوم براساس همان ملاکها و کمک بدو.

مساله را محدودتر بکنیم. آیا مثلاً در مقابل دو خبر رسیده از آمریکا که یکی از آنها از قوانین رفاهی و یا فلان مسابقه ورزشی آنها سخن می گوید و دیگری از دردهای سیاهوستان زیر بار ستم جامعه آمریکائی کدامین برای ما مهمتر است. گزینش ما چگونه باید باشد. از آن پنجره ای که ما می نگریم نسل مغضوب سیاهوستان آمریکائی همانقدر در قلب ما رحمت و حب بر می انگیزد که حکایت از سرگرمیها و خبرهای جامعه مصرفی آمریکا بفضی.

ما هر لحظه در گزینش خبر و احیاناً تفسیر آن در میان دو قطب قرار داریم. دیدگاه ما در صحنه تاریخ و سیاست میگوید که «باید» گزینش بشکلی باشد که واقعیت مظلومیت آن سیاهوستان و یا کارگر آمریکائی را در معرض دید و قضاوت مردم خود قرار دهیم. این ندای وجدان انسانی است و این همان ندای اسلامی واقعی در زمینه کار ماست. ما صرفاً یک واقعیت نگار نمی خواهیم باقی بمانیم و عقیده داریم که هیچکس نمی تواند باقی بماند در عین حال از واقعیتها گریزی نداریم. ما واقعیت را سکوی پرشی محسوب می کنیم که از روی آن بسمت آرمانهای بیان شده در اسلام و برخاسته از فطرت انسانی خود پرواز را می آغازیم.

بقیه در صفحه ۱۷



می گیرد. آن چهارچوبی که در دیدگاه ما، واقعیات بیرون در آن معنای خود را پیدا می کنند، چهارچوبی است برخاسته از آرمان وجودی هراسان، انسانی که

به ندای فطرت خود بعنوان مهمترین عامل شناخت خدا و جهان و ارزشها پاسخ مثبت داده باشد. ما در صحنه سیاست و تفسیرهای سیاسی و مهمتر از آن در گزینش اخبار تکیه گاهی باید داشته باشیم و «باید» و «نباید» و «خوبها» و «بدها» را براساس معیاری بایستی انتخاب نمائیم چگونه میتوان بدون

این تکیه گاه ارزشی در مورد خوب و یا بد بودن سرمایه داری غربی قضاوت نکرد و چگونه میتوان از

بسم الله الرحمن الرحيم
گرچه یک روزنامه، مشی خود را بیشتر در عمل می نمایاند تا حرف، ولی در این آشفته بازار مطبوعات ایران سخن از موضع راندن بی ثمر نیست. اولین سخن آنکه یک روزنامه نمی تواند بیطرف باشد و اصولاً سخن از بیطرفی در حوزه های علوم انسانی و نیز روزنامه نگاری یا از عوامفریبی سرچشمه می گیرد و یا از جهل. یک روزنامه نگار حتی در انتخاب یک کلمه، گزینشی انجام می دهد که رنگ و بوی ایدئولوژیک بمعنای وسیع آنرا دارد.

تنها شاید زبان و علائم ریاضیات باشد که این بار سنگین انسانی را بدوش نمی کشد. کلمات همیشه در یک جمله از موقعیت ها سخن می گویند و اگر نکته سنج باشیم موقعیت و قرار گاهی را که نویسنده و گوینده در آن قرار دارد افشا می کنند هر کس از درون پنجره ای خاص به صحنه واقعات می نگرد و جهان را بگونه ای می یابد. ما کاری نداریم که آیا انتخاب این پنجره تا چه حد اختیاری و یا مشروط است ولی این باور را داریم که از پنجره جهان بینی اسلامی دورنمایی را که فراروی خود می یابیم منظره و مزایای عظیم تری را از تمامی پنجره های دیگر جلوی پای ما می گسترد. ما نه تنها اعتقاد داریم که از این نجدین (وهدینا نه نجدین) جهان را آنچنانکه هست دریافت می کنیم بلکه بر این باوریم که ایدئولوژی ما، یعنی سیستم و نظام «باید» و «نباید» ما نه از هوی و هوس که نازل شده از سوی خدای عزیز و تواناست. بزبانی دیگر ما از پنجره جهان بینی اسلام انقلابی به جهان می نگریم و با تمسک به ایدئولوژی اسلام انقلابی عمل می کنیم.

انقلاب را به اسلام اضافه کردیم از این جهت که چه بسا روزنهائی تنگ به جهان به نام اسلام گشودند که جز صحنه های کوچک از آن نتوان دید و شاید هم هر آنچه از این روزنه ها دیده شود جز تصویر بازگانه از جهان نباشد.

مگر نظام شاهنشاهی برای حفظ و حراست خود چیزی بنام اسلام اختراع نکرده بود که آثارش را در خوابناشدن جبار بزرگ و یا برنامه های مردم فریبانه رادیو و تلویزیون و مطبوعات ظاهر می گردید؟

وقتی سخن از اسلام انقلابی به میان می آوریم، در حقیقت اشارت بدان برداشت مبارک و طاهری از اسلام داریم که به خلق مستضعف دلیر امت ما، آن توان را بخشید که ماشین حکومتی نظام شاهنشاهی را با یورش سهمگین خود خورد کند. این اسلام، اسلام موسی بن جعفر هاست نه اسلام هارون الرشیدها. میدانیم بر حسب آنکه هر پنجره در کدامین موقعیت خاصی قرار داشته باشد، منظره بیرون را بیک نوع قاب

امام امت در دیدار با هیئت تحریریه و کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی در تیرماه ۱۳۵۸:

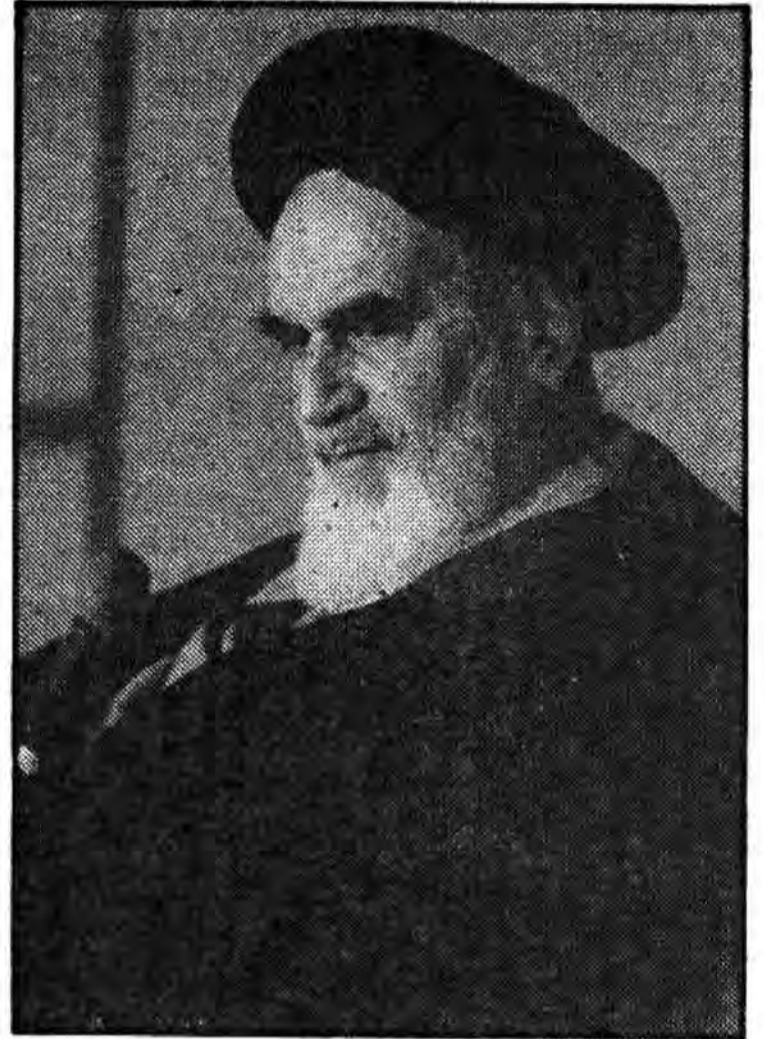
ملت با اسلام و سعادت اسلامی و جمهوری اسلامی موافقت



پدرش تکذیب کرد و از خودش تعریف که البته اینهم دروغ بود. انشالله ما امیدواریم که دیگر لیستی در کار نباشد که یکی لیست بدهد که شما ملزم باشید. بلکه اشخاص صالح لیست بدهند که ملت را هدایت کنند که اینها افراد خوبی هستند. اما نه اینکه ملت را ملزم کنند که اینها را انتخاب کنید یا اصلاً بملت کار نداشته باشد و خودش تعیین کند و بمجلس ببرد. چنانچه خیلی وقتها ایستاد بود و اینها دیگر انشالله پیش نمی آید.

وقتیکه یک مجلس اسلامی بهمت همه ملت تهیه شد. این مسائل که حالا یک قدری هرج و مرج است و یک قدری از آزادی سوءاستفاده می کنند. اینها محدود خواهد شد و مجلس اینها را اصلاح خواهد کرد. می بینیم حالا که صحبت قانون اساسی است، طرح های زیادی می آید که بسیاری انقلاب آمیز است و

فرهنگش و نیروی خودش و مردمش بدبین است. خودش را از دست داده است و بجای یک انسان شرقی، یک آدم غربی شده است. مصیبت اینست که سالهای طولانی میخواهد تا این غرب ردها بحال طبیعی برگردند. نه بحال یک انسان مترقی، بحال انسانی که هیچ نیست و تازه میخواهد از سر شروع کند. این خیلی طولانیست که باین گروه آموزش داده شود که اینها از این حالت غربزدگی برگردند. این مشکلی است که از همه مشکلات ما زهادتر است. لکن مسائلی که ما به حرف چرچیل رانیم: ما به این نکته افتادیم که پیروزی از آن کسی است که ملت با اوست و ملت با اسلام و سعادت اسلامی و جمهوری اسلامی موافقت. بنابراین ما هیچ حوفی از این ریشه هائیکه حالا دارند عداوت می کنند نداریم. منتهی اگر



دارد منصرف کنند و در مسائل اصلی خودشان تصرف کنند. باین جهت بنظر من می آید که باید اقلاً شماها که از زمانیکه چشم باز کرده اند ریز مشکل وزیر بار انحرافات بوده اید، دو سه ماه دیگر هم تحمل کنید و اذهانتان متوجه با مشکلات اصلی باشد که قدم بقدم پیش برود. باید انسان هر وقت راجع بمسئله ای که مربوط بهمان زمانست توجه کند و این مسائل دست دوم کم کم حل خواهد شد. انشاءالله کم کم هم ترتیب روزنامهها حل خواهد شد و هم سایر مسائلی که هست حل خواهد شد.

لکن این نکته را هر آن میگویم چون دردیست که باید گفت و نباید ترسید که نگوئید چرا مدام این را تکرار می کنی؟ ما باید اینها بگوئیم پکنفر که سرش درد می کند، برای اینکه تکرار نشود بایست بگوئیم دلم درد می کند؟ نخیر سرم دردمی کند طبیعتی که می آید باید به او گفت سرم دردمی کند. حالا اگر یک طبیب دیگر بیاید باید به او بگوئیم دلم دردمی کند؟ نه، ما الان سرمان درد می کند. هر کس را می بینیم باید این ناله را به او برسانیم. هر کس را می بینیم باید به او بگوئیم که الان وقت اینست که راجع به طرح موجود و راجع به وکلا و اشخاصیکه می خواهیم انتخاب کنیم و خیره مسئله هستند نظر بدهیم. بایست چشممان را باز کنیم که مبادا اشخاص ناباب وارد شوند و لااقل اشکال تولید کنند. و لااقل نتوانند کاری بکنند، اشکال و هیاهو و بساط برای ما درست کنند.

امیدوارم که همه مسائل باتوجه به خدا باحفظ این انقلابیکه در خود روحیه اش که روحیه را بیک روحیه صحیح اسلامی تبدیل کرد، انشاء... مسائل با قدرت ایمان حل شود و انشاء... حل می شود. «والسلام علیکم و رحمة... و بر کاتب»

همت همه افشار ملت تعیین. بشود تا اینکه قانون اساسی بررسی شود و اگر نقایصی دارد مرتفع شود و اگر چیزی بایستی کم و زیاد شود، تعیین شود و بعد هم بدست ملت بدهند که ملت نگاه کند و رای بدهد که آری یا نه.

آنوقت یک پایه اساسی مملکت ما درست شده است و آن پایه قانون اساسی است. دو پایه دیگر مانده است: یکی مجلس شورا است که بایستی ملت و کلا را تعیین کنند و وکلا هم همانطور که عرض کردم بایستی ملی باشند. و کلائی که مردم در بلاد خودشان شناخته اند که اینها مردم صالح و اسلامی هستند، گرایش به شرق و غرب و مکاتب فاسد ندارند. تا آنکه مجلسی داشته باشیم و رئیس جمهور هم انشاءالله تعیین شود و مملکت ما یک دولت مستقر رسمی با قانون اساسی و با جهاتی که اساس مطلب است، داشته باشد.

بعد بیائیم به مطبوعات و رادیو و تلویزیون بپردازیم میدانیم مطبوعات صحیح نیستند و در رادیو و تلویزیون اشکال هست. در وزارت خانهها اشکال هست. در بازار خیلی اشکال هست، در همه جا اشکال زیاد است. اما اگر بخواهیم الان ذنبال اشکالات فرعی برویم ممکنست نقشه باشد که دهن ما را بطرف دیگری برگردانند و نتیجه ای که ما الان می خواهیم بگیریم، دیگران بگیرند، یعنی آنها در قانون اساسی طرح بدهند. من همیشه با اشخاص مختلف از علمای بلاد و اشخاصیکه باینجا آمده اند گفته ام که نشینید که دشمنان شما طرح بدهند، بلکه خودتان طرح بدهید. خودتان صحبت کنید. نیاید پیش من صحبت کنید بلکه خودتان بنویسید و بآنجا که بررسی میشود، بدهید. میترسم الان که وقت نتیجه گرفتن از این نهضت است و ما باید جدیدت کنیم که اساس را درست کنیم، بخواهند ذهن ما را باین مشکلاتیکه وجود

*** در طول ۲۵۰۰ سال رژیم شاهنشاهی نیروی انسانی را به باد ندادند. منحرف کردند یعنی انسانی که بایستی متکی خودش، ملتش و عقایدش باشد اینرا متحول کردند به نیروئیکه متکی به غربست و خودش را از دست داده است.**
*** انحراف و غربزدگی نه اینکه نیروئی را ما از دست داده ایم بلکه نیروی متضاد نیروئیکه باید ماداشته باشیم بجای آن نیرو نشسته است.**
*** پیروزی از آن کسی است که ملت با اوست، ملت با اسلام و سعادت اسلامی و جمهوری اسلامی موافق است.**

بسیار مخالف ایجاد کردند. است. در همین چند روزیکه صحبت قانون اساسی است. هجوم باینجا ریادت می شود که مشکلات را میگوید و منم قبول دارم که مشکلات هست. و منم این سفارشی که شما می گنم بهمه شان عرض کرده ام که ما یک مسائل اصلی داریم که الان بان مبتلا هستیم و آن اینکه تدوین قانون اساسی شده و منتشر کرده اند و باید نظر داده شود. الان وقتیکه که ما همه قوایمان را در این مسئله مصرف کنیم که طرح بدهیم. اشکالاتیکه راجع به قانون اساسی داریم ارائه کنیم و به مجلس بدهیم تا بعدها خیرگان بیایند و نظر بدهند و بالاتر از اینکه قوا را در انتخاب اشخاص صالح صرف کنیم. اشخاصی که غربی نباشند که ما را بسمت غرب بکشاند و شرقی نباشند که ما را به سمت شرق بکشاند. بلکه بصراط مستقیم اسلام باشند. مسلم باشند، عالم به اوضاع وقت، عالم به اسلام و امین باشند. چنین اشخاصی با

خوفی باشد برای ایست که شلوع می کنند، ناراحت می کند، دولت و ملت را ناراحت می کند و گرنه اینها مشکلی نیست که بگوئیم نمیشود حل کرد. چیریکه می خواهم عرض کنم اینست که اصل این قضایا و اصلاح این قضایا بنظر من آسانست و آن وقتی است که ما مجلسی داشته باشیم. اگر مجلس شورا آنطوریکه ما بخواهیم، ملی و اسلامی باشد همه این مطبوعات و رادیو و تلویزیون اصلاح خواهد شد. همه این ادارات تصفیه خواهد شد. یعنی ملت بایست بسوسیه اشخاصیکه می فرستد باید تصدیق کند. انشالله در این دوره برخلاف دوره هائیکه از زمان رضاشاه مجلس میرفتند حالا دیگر آنطورها نخواهد شد که بقول محمدرضا لیست را از سفارتخانهها بفرستند و ما مامور اجرا باشیم. ایشان خودشان این مطلب را بصراحت گفتند. منتها میخواست تعریف خودش را بکند که حالا دیگر ایستاد بیست. از

انگلستان آمد و راجع به وضع خودشان و راجع به گرفتاریها راجع به شکستها صحبت کرد. که ما کجا را از دست داده ایم و تکلیف ما چه خواهد شد. خیلی طولانی صحبت کرد و شکایت اینکه ما از بین رفتیم و آخرش یک کلمه گفت که «لکن پیروزی از آن کسی است که ملت با اوست» و وحدتش هم درست بود و پیروزی هم مال اینها شد که نفثها ما را بردند. منم حالا عرض میکنم الان که بعد از انقلابست و در همه انقلابات آشفته گی های فراوان هست، ما هم مبتلا به آشفته گی هستیم. مضافاً براینکه اگر نگوئیم در طول ۲۵۰۰ سال رژیم شاهنشاهی لکن تقدیری را که مشاهده کردیم در طول پنجاه و چند سال رژیم پهلوی کوشش شده است که مملکت ما را از هر جهت عقب بزنند.

از جهت نیروی انسانی که از همه بالاترست که الان باید شما در سی و پنج میلیون جمعیت بگردید تا چند نفر پیدا کنید که دولت تشکیل بدهند، پکنفر را پیدا کنید که رئیس جمهور شود. باید شمع بردارید و همه جا را بگردید. اینها نیروی انسانی را به باد ندادند، منحرف کردند. یقوت است که نیروی انسانی را بباد داده شده، یقوت یک نیروی مقابل نیروی انسانی درست کرده اید. یعنی انسانیکه بایستی متکی خودش، ملتش و عقایدش باشد. اینرا متحول کرده اند به نیروئیکه متکی به غربست به نیروئیکه خودش را از دست داده است. بسخیالیش خودش هیچ نیست و هر چه هست خارجیا هستند.

انحراف و غربزدگی نه اینکه نیروئی را ما از دست داده ایم بلکه نیروی متضاد نیروئیکه باید ما داشته باشیم بجای آن نیروی نشسته است. درست یک انسان که باید متکی به خودش و فرهنگش و رژیم خودش باشد، به آدمی متحول کرده اند که نسبت به

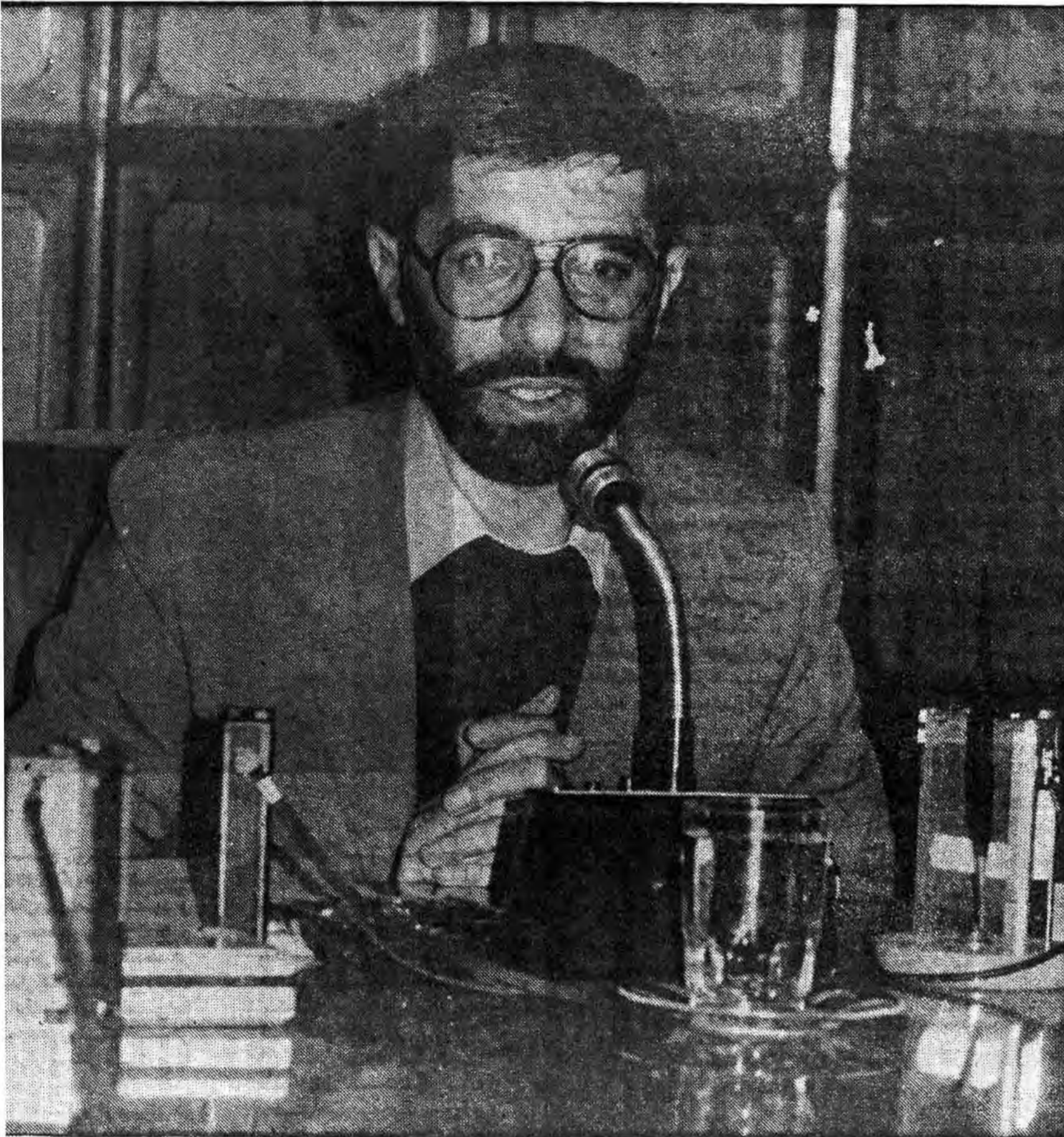
صبح روز پنجشنبه (۵/۵/۶۱) گروهی از تحریریه کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی بحضور رهبر انقلاب، امام خمینی شرفیاب شدند. در این دیدار که مدت سی دقیقه بطول انجامید، امام خمینی با رهنمودهای روشنگر خویش بسیاری از مسائل مهم روز را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. از آنجا که بسیاری از مسائل در قالب جدیدی مطرح شده و میتوان برای همه آنها که برای آینده روشنتر در تلاشند تا اولین سنگ بنای ایران اسلامی، مستقل و آزاد را با آگاهی و بینش عمیقتری بنیان بهند، بکار آید. متن فرمایشات امام را عیناً نقل می کنیم. ابتدا سردبیر با توجه به مسئله مطبوعات و سیاستهای فرهنگی رژیم گذشته مطالبی بیان داشت و اضافه کرد:

میخواستم اینرا بگویم که ما از رهنمودهای شما غیر از جنبه پنددهندگی، جنبه بشارت هم همیشه دریافت کرده ایم. ما حس کردیم که خصوصیاتیکه در سخنان شما هست دو بعد واقعاً متفاوت دارد: یکی بیم دهندگی و دیگری بشارت. ما هم بهمین دلیل ناامید نیستیم. بدین معنی که حس توطئهها و دشواریها بالاخره ما پیش خواهیم رفت. بالاخره اگر خواست خدائی این باشد که جمهوری اسلامی در اینجا تحقق پیدا کند، این موضوع با تمام ابعادش محقق خواهد شد. ولی با اینوصف ما احتیاج به راهنمایی و اراده رهنمودهای امام و رهبران داریم. آنکام امام با چهره امیدوار فرمایشات خود را چنین آغاز کرد:

بسم الله الرحمن الرحیم
قبلاً یک قصای عرض کنم که شاید شما هیچکدام یادتان نیست. در این جنگی عمومی دوم که هیتر پیش برد و فرانسه وحیلی جاها را گرفت و بشواری حمله برد، چرچیل آن سیاستمدار انگلیسی در مجلس

نخست وزیر در مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی:

روزنامه جمهوری اسلامی با خونهای شهداء پیوند خورده و در مقابل آن متعهد بوده است



* روزنامه جمهوری اسلامی اولین تجربه مسلمانان بود.
 * با اینکه روزنامه انقلاب اسلامی در حدود ۱۸ میلیون تومان از مردم گرفته بود، ما توانستیم با سرمایه‌های حدود ۳۰۰ هزار تومان اولین شماره روزنامه را منتشر کنیم.
 * ما میخواستیم با تأسیس روزنامه‌های اسلامی با روزنامه‌های انحرافی مقابله کنیم.
 * اولین شماره صفر روزنامه مصادف با اولین روز ورود من به شورای انقلاب بود و در آنروز ۱۰ عدد روزنامه برداشتم و به شورای انقلاب بردم و اولین کسی که روزنامه را از دستم گرفت بنی‌صدر بود.
 * پس از چاپ مقاله «رجعت بسوی فطرت الهی خویش» گروهی از منافقین در سطح تهران دست به راهپیمائی زدند و وقتی از یک تظاهر کننده پرسیدم که راهپیمائی برای چیست، گفت بخاطر اعتراض به روزنامه ارتجاعی جمهوری اسلامی است که رجوی را با بازرگان یکی دانسته است.
 * مقاله «رجعت بسوی فطرت الهی خویش» ضربه سختی به منافقین وارد ساخت.
 * لیبرالیزم و منافقین ائتلاف بزرگی با هم داشتند.

شعارها را می‌دادند ب ائتلاف کردند، یب لیبرالیزم و منافقین آف بزرگی باهم داشتند. ال روزنامه خاطرات زیر داشتیم. بدنیت که در با یکی از برادرانی که شد خاطرهای نقل کنم. شهیدمان زینان پناه ب شروع جنگ تحمیلی علیه ایران به سپاه، و آموزش نظامی دید و شد که به جبهه برود. که میخواست به جبهه پایک حالت شاد و پر شو روزنامه آمد و به من فلاتی نمی‌دانی که خوب است انسان به، برود و دوره ببیند و قوی و سپس به جبهه برود و بعد از خدا حافظی به رفت و بعد از مدت کب شهید شد.

در مقاله‌اش با بازرگان یکی دانسته است. اینها در مقابل روزنامه هم اجتماع کرده بودند و ما احساس کردیم که منافقین می‌خواهند این مسئله را تبدیل به یک حادثه‌ای در سطح تهران نمایند. یک حالت این بود که عقب‌نشینی کنیم و حالت دیگر این بود که ما احساس کردیم که آنقدر باید این مقاله را چاپ کنیم که اینها با اصطلاح از روبروند و همان حساسیتی که آنها بوجود آوردند، کاری کنیم که این مقاله بیشتر خوانده شود و همانطور هم شد. درست از آن موقع بود که موضعی صریح صادر رابطه با منافقین بطور خیلی خشن و قوی شروع شد. بعد مردم نسبت به این مقاله حساس شدند و در سطح کشور تکثیر گردید و فکر می‌کنم که این مطلب پر خواننده‌ترین مقاله روزنامه بود و ضربه سختی بر منافقین وارد ساخت. جالب اینجاست که آن پیش بینی که در آن مقاله شده بود و بخاطر همین مسئله هم بنمود که منافقین سعی می‌کردند تشنج ایجاد کنند، به مرور زمان و در دراز مدت به عینیت رسید و مشخص شد که چگونه در آن زمان که منافقین چپ‌ترین شعارها را می‌دادند با کسانی که راست‌ترین

بودیم و خبر و عکسی را مربوط به یکی از روحانی‌ها چاپ کرده بودیم که شناخت کافی نسبت به او نداشتیم. بعد ظاهراً شهید بهشتی پرسید که چرا این را چاپ کرده‌اید؟ گفتیم که ما که ایشان را نمی‌شناختیم و سپس قرار شد که روحانیونی را که نمی‌شناخیم، با ایشان و آقای خامنه‌ای مشورت کنیم و از همان ابتدا یک صمیمیت و صفائی در روزنامه وجود داشت و افراد از هم جدا نبودند.

● خاطراتی از دوران سردبیری

● چند خاطره از دوران سردبیری‌تان را بازگو کنید.

خاطرات زیادی از دوران سردبیری در روزنامه دارم، ولی شاید جالبترین آن پرسر درج مقاله «رجعت بسوی فطرت الهی خویش» بود. پس از چاپ این مقاله گروهی از منافقین در سطح تهران دست به راهپیمائی زدند و اعلامیه‌هایی را هم پخش نمودند. وقتی از خانه با ماشین بطرف روزنامه می‌آمدم، از یکی از آنها پرسیدم این تظاهرات بخاطر چیست؟ گفت بخاطر اعتراض به روزنامه ارتجاعی جمهوری اسلامی است که رجوی را

بنی‌صدر بودند را می‌دیدیم که در حال کار کردن بودند و ساختمان بزرگی را گرفته بودند و تقسیم کار هم شده بود و بقول خودشان دنبال متخصص می‌گشتند و ظاهراً هم ۵۰-۶۰ نفر را هم جمع کرده بودند.

با اینکه روزنامه انقلاب اسلامی سرمایه عظیمی در حدود ۱۸ میلیون تومان از مردم گرفته بود، ما توانستیم با سرمایه‌های حدود ۳۰۰ هزار تومان اولین شماره روزنامه را منتشر کنیم. اول یکی دوتا شماره صفر در آوردیم. اولین شماره صفر روزنامه مصادف با اولین روز ورود من به شورای انقلاب بود. صبح ده تا روزنامه را برداشتم و به آنجا بردم. در آن جلسه مرحوم طالقانی، شهید مظلوم بهشتی، شهید دکتر باهنر و بقیه برادران با اضافه چند نفر از لیبرالها منجمله بنی‌صدر بود. بعد از احوالپرسی یک دفعه روزنامه را در آوردم و گفتم اولین شماره روزنامه را برای تأسیس روزنامه‌های اسلامی که میخواستیم با روزنامه‌های انحرافی مقابله کنیم. یادم هست که اولین کسی که روزنامه را از دست ما گرفت بنی‌صدر بود. در همان شماره صفر ما یک اشتباهی کرده

حزب جمهوری اسلامی و پس از تقسیم مسئولیتها، من پیشنهاد کردم که مسئولیت روزنامه را برعهده بگیرم. قبل از من یکی دوتا از برادرها در این زمینه فکر کرده بودند و بعد ما اولین دفتر برای روزنامه را در یک اطاق سه در چهار در خود دفتر مرکزی حزب قرار دادیم و با چند تن از برادران دیگر مشغول شناسائی افراد و تهیه مقدمات شدیم. در آنجا افراد گوناگونی مراجعه می‌کردند و شاید روز دوم یا سوم بود که برادر آقازاده مراجعه کرد و در آنجا چندتن دیگر هم بودند. در ذهن خیلی از کسانی که می‌آمدند و آن دفتر کوچک را می‌دیدند، کار ما یک مقدار مضحک بود و بحث سر این بود که آیا روزنامه در خواهد آمد یا نه. مخصوصاً که این اولین تجربه مسلمانان بود. بهر حال از آنجا به ساختمان دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتقل شدیم. باز هم یک حالت ناباورانه‌ای در بعضی‌ها وجود داشت و خیلی‌ها بما مراجعه میکردند و می‌گفتند که باید شما بروید کار یاد بگیرید و مسلمانها تا حالا روزنامه‌نگاری نکرده‌اند و نظایر این حرفها زیاد گفته میشد. از طرفی در آن موقع هم افرادی که اطراف

در رابطه با هزارمین شماره روزنامه جمهوری اسلامی، خبرنگار ما موفق شد که با آقای مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر کشورمان و سردبیر سابق روزنامه جمهوری اسلامی مصاحبه‌ای انجام دهد. آقای مهندس موسوی در این گفتگو به سوالاتی پیرامون نحوه شکل‌گیری، مشکلات، موضع‌گیری دولت وقت و گروه‌های ضد انقلاب در قبال روزنامه جمهوری اسلامی و... پاسخ داد. متن کامل مصاحبه با آقای مهندس میرحسین موسوی بشرح زیر از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد:

● نحوه شکل‌گیری روزنامه

● لطفاً مقداری راجع به نحوه شکل‌گیری روزنامه توضیح دهید.

بسم الله الرحمن الرحیم. از قبل از انقلاب ملت ما میخواست که در مقابل روزنامه‌های طاغوتی و چپ و راست یک روزنامه اسلامی داشته باشد. مردم حتی در تظاهراتشان این مسئله را بارها بیان می‌کردند بعد از انقلاب گروه‌های مختلفی پدیدال تأسیس روزنامه بودند. بعد از شکل‌گیری

*** موضع گیری روزنامه در قبال دولت موقت و نظایر آن یک موضع گیری برآمده از درون ملت بود و به همین دلیل هم در جامعه اثر می کرد.**

*** قاطع ترین موضع را نسبت به اشغال لانه جاسوسی آمریکا روزنامه جمهوری اسلامی گرفت.**

*** یقیناً تحرکی که اکنون در روزنامه جمهوری اسلامی هست بسیار بهتر از سابق است.**

*** بعد از افشاء سند معروف مربوط به لینکن که روزنامه جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن دیرینه آمریکا قلمداد کرده بود، روزنامه علاوه بر مردم در میان برادران روشنفکر در خط امام جای خودش را باز کرد.**

*** یکی از تلخ ترین خاطراتم حادثه شب ۷ تیر و به شهادت رسیدن ۷۲ تن از یاران صدیق امام و امت بود.**

*** روزنامه پس از ملاحظه خوبی را ادامه داده و سعی کرده که بعنوان آرگانی برای حزب جمهوری اسلامی و حزب... و توده های میلیونی مستضعف کشورمان باشد.**

*** روزنامه جمهوری اسلامی بخاطر ایمان و اعتقاد و پیوستگی اش با مردم انقلابی کشورمان توانسته صریح ترین موضع گیریها را داشته باشد و دچار محافظه کاری نشده است.**

مشکلات روزنامه در ابتدا چه بود؟

بزرگترین مشکل روزنامه در ابتدا یکی مسئله مادی بود. دائم ما دنبال ده هزار و بیست هزار تومان می گشتیم و پول نداشتیم که به کارمندان حقوق بدهیم و امکانات خیلی کم داشتیم. الحمدا... بنظر می آید که فقر

بودیم و یک مقدار هم خوشحال بودیم که یک مقدار ناز زودتر تمام شده. یکی از برادران از طبقه بالا به جریره آمد و گفت یک گرد خاک عجیبی در نزدیک پارسستان به هوا برخاسته بود. بلافاصله بذهنم خطور کرد که باید از دفتر حزب باشد،

بخاطر اینکه میدانستیم سبهای یکشنبه در آنجا جلسه است و بعضی اوقات هم نودم در آن جلسات شرکت می کردیم. بلافاصله به حزب فتمیم و آن فاجعه را دیدیم آن شب یک شب طولانی باور نکردنی بود که هر دقیقه وسعتی خیر شهادت برادی می آمد که در ذهن سان نمی گنجید. همانطور اسامی شهدا را می نوشتیم

و آخر شب حالت بهت بهما ست داده بود. ساعت حدود یک صبح بود که با شهید جانی صحبت کردم و ایشان گفت که خودش رفته و جنازه بهید بهشتی را دیده و ثابت ر دیده که ایشان شهید شده است.

ما در همان موقع من در دلم یک گشایشی احساس کردم، صب البته یک مقدار فضای سردلهرای بود و احساس میشد که اگر ۷۲ تن از بزرگترین افراد انقلاب از بین روند، انقلاب چه میشود؟

من بذهنم رسید که خداوند بن انقلاب را تنها نمی گذارد احساس کردم که باید بیش از گذشته کار کرد و با برادران روزنامه صحبت کردیم و موقعی که ساعت ۷ صبح از هم جدا می شدیم،

حساس نمی کردم که روحیام ضعیف شده بلکه حساس می کردم که روحیام بوی شده و فکر می کردم که بقیه برادران هم ایستگونه ستند. وقتی روز بعد مسئله رای مردم روشن شد، دیدیم که مردم هم چنین روحیهای آرند و این شهادتها باعث نکستن نشد، بلکه باعث قویت شد.

بد نیست که در اینجا ایدی از شهید مظلوم بهشتی بشود چند ساعت قبل از انفجار دفتر حزب خدمت ایشان بودم و به علت اینکه نده قرار بود عضو کابینه نهید رجائی شوم، در این دیدار در مورد سردبیری روزنامه بحث شد و قرار شد که برادر حسنی سردبیر شوند که در همان شب ایشان نهید شدند.



مادی روزنامه باعث رشد آن شد. اگر روزنامه با یک امکانات زیادی شروع بکار می کرد، حتما در روخیه کار کتان میتوانست اثر بدی بگذارد. همین که روزنامه به معنای واقعی مستضعف شروع بکار کرد و به همین شکل ادامه داده، به نفع روزنامه و روحیه کارکنان آن بوده است. مشکل بعدی روزنامه مسئله نیروی انسانی بود. کلاً پس از انتشار روزنامه چنان بر علیه آن جوسازی شد که بعنوان یک روزنامه ارتجاعی در سطح جامعه شناخته شده بود و حتی تا قبل از اشغال لانه جاسوسی، تپ حزب الهی دانشجوی هم جرات نمی کرد روزنامه را در دست بگیرد. جوی که ایادی آمریکا ولیبرالها و منافقین ساخته بودند، باعث شده بود که روشنفکران متعهد بسوی

روزنامه جمهوری اسلامی نیایند. من یادم هست که بعضی از دوستان خودم حتی بداخل روزنامه نمی آمدند. طبیعی است که در چنین شرایطی پیدا کردن خبرنگار و افرادی که بتوانند در روزنامه کار بکنند خیلی دشوار است. یعنی وقتی که شما تپ دانشجو و تپ قلم

رادیو تلویزیون و خبرنگاری جمهوری اسلامی خدمت کنند و واقعا این یک تجربه و معجزه انقلاب بود. روزنامه ای که یک روزنامه نگار حرفه ای نداشت، توانست علاوه بر اداره خودش افرادی را بروراند که روزنامه های دیگر و پارساها هم جمعی کشورمان اداره کنند و خط

ایشان شهید شده اند، و احساس می کردیم که اگر این خبر رادیر به مردم بدهیم از داغی قضیه کاسته میشود و آن هیجانی که باید در مردم ایجاد شود از بین برود، باتوکل بر خدا تصمیم گرفتیم که این خبر را با حروف درشت در صفحه اول درج کنیم. بلافاصله روز بعد بطور



حزب... را بر آنها حاکم نمایند. مشکل دیگر روزنامه این بود که بخاطر جوی که بر علیه آن ساخته بودند حتی از سوی نیروهای خودی مورد حمله قرار می گرفت. و این نیز یکی از دردهای آن موقع بود. یادم هست که یکی دو هفته پس از انتشار روزنامه یکی از معاونین میناچی روزنامه ما را بخاطر تپتر زدن راجع به گرفتن اسلحه از چریکهای فدائی خلق بعنوان یک روزنامه دروغگو از پشت تلویزیون معرفی کرد. یا اینکه یادم هست که آیتا... محمد باقر صدر توسط رژیم جنایتکار صدام در زندان شهید شد و یک هفته با وزارت ارشاد تماس گرفتیم و آنها سخت این خبر را تکذیب می کردند و چون برایمان یقین حاصل شده بود که

غیر عادی خود میناچی بمن گفت یک بیانیه بر ضد جمهوری اسلامی بعنوان یک روزنامه دروغگو از دادام و این خبر را تکذیب کرده ام و درست یک هفته روزنامه ما دچار جوسازی بود تا اینکه سپس صدا و سینما خبر شهادت آیتا... صدر را منتشر کرد. اینها نیز یکی از مشکلات روزنامه میتوانست محسوب شود. در نخستوزیری یک جزوه از دفتر هماهنگی اطلاعات ریاست جمهوری بنی صدر پیدا کردیم که روزنامهها را بررسی کرده است. قسمت عمده این جزوه مربوط به روزنامه جمهوری اسلامی و سرمقالهها و مقالات آنست که آنها را خلاصه نموده و نتیجه گیری می کردند. آن حالت خصمانه بنی صدر و اطرافیان باید او در این جزوه

نسبت به روزنامه کاملاً مشخص است.

موضع گیری گروهکهای ضدانقلاب در قبال روزنامه

موضع گیری دولت موقت و گروهکهای ضدانقلاب در قبال روزنامه جمهوری اسلامی چگونه بود؟

موضع دولت موقت همیشه نسبت به روزنامه منفی بود. ما هر موقع که به شورای انقلاب می رفتیم، یک نیشی از آقای مهندس بازرگان داشتیم. گروههای ضدانقلاب هم که با جوسازی بر علیه روزنامه موضع گیری شان مشخص بود. منتها بخاطر اینکه روزنامه جمهوری اسلامی متعلق به توده های میلیونی بود، این روزنامه برای مردم تعیین کننده بود. فرضاً اولین شماره های روزنامه مصادف با سالگرد قیام ۱۵ خرداد بود و از همان روزهای اول تپترها را روی این موضوع بردیم و یا روزنامهها سعی می کردند که سخنان امام را در لابلای خبرها بیوشانند، ولی ما سعی می کردیم که پیام اصلی سخنان امام را بعنوان تپتر اصلی روزنامه انتخاب کنیم و این سنتی بود که روزنامه جمهوری اسلامی گذاشت. موضع گیری روزنامه در قبال دولت موقت و نظایر آن یک موضع گیری برآمده از درون ملت بود و به همین دلیل هم در جامعه اثر می کرد. بعنوان مثال تپتر معروفی که راجع به ملاقات بازرگان با برزیلکی زدیم که بلافاصله روز بعد مسئله اشغال لانه جاسوسی بوجود آمد که باز هم بزرگترین تپتر تاریخ روزنامه برای سفارت تحت عنوان و اشغال انقلابی سفارت آمریکا زده شد. یکی از تپترهای جالب دیگر روزنامه پس از حادثه ۱۴ اسفند تپتری تحت عنوان و گارد ریاست جمهوری بمکک میلشیا بمردم به دفاع حمله کردند بود که به جامعه خط داد. روزنامه تپتر دیگری در مورد بنی صدر زد که در آن بنی صدر چهار یا پنج دفعه واژه «من» را بکار برده بود. البته جوسازی بر علیه روزنامه تا اشغال لانه جاسوسی آمریکا ادامه داشت. قاطع ترین موضع را نسبت به اشغال لانه جاسوسی آمریکا جمهوری اسلامی

در مورد
روزنامه
جمهوری
اسلامی

جاسوسهای آمریکائی چه می گفتند؟ لیبرال ها چه نظری داشتند؟

زمانی که گروه‌های وابسته به شرق و غرب روزنامه جمهوری اسلامی را در نوک پیکان حملات و تهمت‌های تبلیغاتی خود قرار داده بودند و این جریده مظلوم را امریکائی معرفی میکردند. روزنامه جمهوری اسلامی تحت‌تأثیر القاتل و تبلیغات و جوسازیها قرار نگرفت و مقاوم و استوار خط مستقیم که همانا خط امام امت است، را در پیش گرفت و ادامه داد. تا آنجا که سردمداران استکبار و استثمار در این باطن احساس خطر کرده و وحشت خود را نشان دادند و مدارک موجود بوضوح بیانگر این مطلب است. موقعیکه امریکا سعی میکرد بنحوی در روزنامهها رسوخ پیدا کرده و آن را بصورت یک روزنامه کاملاً امریکائی تبدیل کند، بشکلی که گردانندگان آن جیره‌خوار و نوکر امریکا باشند، در چنین شرایط و در آن جو سیاسی و تبلیغاتی مسموم زمان دولت موقت، روزنامه جمهوری اسلامی بیاری و لطف خداوند توانست در موازات خط امام برابر توطئه‌های استکباری شرق و غرب و ایادی و مزدوران داخلی آنها بایستد و از آزمایشی بزرگ سرافراز بیرون آید و همچنان در مسیر و خط اسلام و امام حرکت کند.

متن زیر افشاکری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام است که نمونه‌ای از تأییدات مراتب فوق میباشد.

۳- در حالیکه اظهارنظرهای طباطبائی درباره اظهارات کاردار مربوط به اعدام سه سناتور کاملاً موضوع استاندارد بوده است. سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی چنین نبود. ۴- جمهوری اسلامی روزنامه رسمی حزب جمهوری اسلامی است که آنرا می‌توان با خمینی یکی دانست، رئیس این حزب آیتالله بهشتی نایب رئیس شورای خبرگان است. در حالیکه روزنامه جمهوری اسلامی به خاطر سرمقاله‌های نابجای خود شهرت دارد (دو هفته پیش یزدی را مورد حمله قرار داد) می‌توان این روزنامه را همچنین یک ارگان نسبه رسمی نزدیکترین متفقین خمینی و هواداران دستگاه جا افتاده مذهبی تلقی کرد. ۵- سفارت در نظر ندارد به سرمقاله جمهوری اسلامی پاسخ علنی بدهد. معذالک پاورکریوز نگرانی ما را از اظهارات طباطبائی و به ویژه لحن سرمقاله، هنگام ملاقات با بهزاد نیا رئیس مطبوعات خارجی وزارت ارشاد در تاریخ دوم اکتبر به میان خواهد گذاشت. ترتیب این ملاقات چند روز پیش داده شده است. ۶- سفارت با نهایت انبساط خاطر متوجه شده است که روزنامه تهران تایمز در یک صفحه از یک سو ملاقات کاردار را با صباغیان درج کرده و از سوی دیگر اظهارات بازارگان را به فالوچی روزنامه‌نگار ایتالیایی منتشر کرده است که در آن بازارگان اعدام‌های پس از محاکمات بدون وکیل مدافع از سوی دادگاههای انقلابی ایران را محکوم کرده است و گفته است او اغلب خشم و انزجار خود را در اینباره به خمینی ابراز داشته است. لینکن

محرمانه
شماره سند: ۶۱۶
تاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹-
۵۸/۷/۱۰
از: سفارت آمریکا در تهران-
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی. فوری.
موضوع: ملاقات کاردار با معاون وزیر نخست‌وزیر طباطبائی
۱- تمام متن محرمانه است.
۲- خلاصه: کاردار در ملاقاتی با معاون نخست‌وزیر طباطبائی در تاریخ ۲ اکتبر اشاره به وسایل ارتباط جمعی و سخنگوی دولت در مورد اشاعه این مسئله که آمریکا

دشمن انقلاب ایران است نمود. طباطبائی به کاردار اطمینان داد که مقاله سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی و حمله آن به آمریکا در رابطه با اعتراضات کاردار نسبت به اعدامها، نه موضوع رسمی دولت موقت و نه موضع خمینی است. پایان خلاصه. ۳- کاردار با معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت طباطبائی در تاریخ ۲ اکتبر در ملاقاتی راجع به سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی (تلگراف مرجع) که آمریکا را متهم به دخالت در امور داخلی ایران نموده بود گفتگو نمود. او در جواب به سوال کاردار که آیا موضع جمهوری اسلامی بیانگر نظرات دولت موقت و یا تم نسبت به آمریکاست گفت، مطمئناً روزنامه ننظر دولت موقت ایران و نه نظر رهبر انقلاب امام خمینی را منعکس میسازد و نه نظر اکثریت مردم ایران را و روزنامه تنها منعکس کننده نظرات «بعضی از رهبران مذهبی و گروهی از مردم» می‌باشد. طباطبائی افزود که جمهوری اسلامی یکی از بدترین انتقادکنندگان دولت موقت بوده و همواره وزیر امور خارجه یزدی و سرپرست رادیو تلویزیون قطب‌زاده را به امریکایی بودن متهم کرده‌اند و دولت موقت را متهم به طرفدار غرب بودن، نمودند. طباطبائی گفت که او خودش زمانیکه مقاله را خوانده از حمله‌ایکه به آمریکا و کاردار گردیده عصبانی گشته است. ۴- طباطبائی گفت که مطالب ذکر شده در یک نسخه از روزنامه انگلیسی زبان جدید که از قول او نقل کرده که آمریکا دشمن شماره یک ایران است، صحت ندارد. چیزیکه او واقعاً گفته بود این است که اشتباه است که آمریکا را دشمن شماره یک خود بدانیم. دشمن اصلی ما اسرائیل و (صهیونیسم) است که موجودیت خود را با با گرفتن انقلاب اسلامی ایران در خطر می‌بیند و هنگامیکه کاردار پرسید پس منظور این است که آمریکا دومین دشمن اصلی است، طباطبائی گفت اصلاً اینطور نیست و تا آنجائیکه به او مربوط میشود دومین دشمن شوروی است. و اضافه نمود سفیر شوروی حتی برای اعتراض به بیانات ضروری اخیر ملاقاتی انجام داده بود. ۵- در ادامه طباطبائی گفت که به نظر او چپ‌گراها و مذهبی‌های متعصب خطرهای اصلی انقلاب ایرانند. او گفت

که روزنامه جمهوری اسلامی نمونه خوبی در این نوع تعصب میباشد. ۶- اظهار نظر: بطور کلی جو ملاقات گرم و دوستانه بود و طباطبائی کوشش میکرد که حالت آشتی‌جویانه‌ای داشته باشد، مطمئناً هیچگونه نشانه‌ای از ضد امریکایی بودن در دفتر او به چشم نمی‌خورد، دستیار طباطبائی کاردار را تا راهرو پائین همراهی کرد و از موقعیت برای درخواست ویزای دانشجویی برای برادرزاده‌اش استفاده نمود. محض اطلاع شما: ۲ اکتبر روزنامهها راجع به مسائل رد و بدل شده بین صباغیان و کاردار توجه چندانی مبذول نداشتند، روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز و کیهان اینترنت‌نشال گفتگوی طباطبائی را به مطبوعات (تلگرام مرجع) منعکس ساخته و هم چنین صحبت‌های رادیو تهران در روز اول اکتبر را ذکر کرده و از صباغیان بخاطر توضیح دادن به نقطه نظرهای کاردار انتقاد نمودند. روزنامه‌های ۲ اکتبر تبادل نظر بین کاردار- صباغیان- طباطبائی را ذکر ننمودند. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در افشاکری شماره ۲۷ خود گفتند: بسپار الرحمن الرحیم غم بزرگی قلب ملت بپاخواست ما را در این ایام حساس فشرده. حصادته دلخراش سقوط هواپیما و کشته شدن بیش از ۱۲۰ نفر از برادران و خواهران ما قبل از هر چیز بر قلب امام فشاری آورد. همانطور که هر مشکلی و هر مسئله‌ای و هر مصیبتی در این جامعه در وحله اول قلب امام را می‌فشرده، این حادثه نیز بر قلب امام فشار می‌آورد. ملت رنج دیده ملت مصیبت دیده ما سالها درازی زیر حکومت رژیم سرسپرده امریکا بهترین و عزیزترین فرزندان و انسانهای خود را از دست داده است. و هیچگاه قتل عامها و کشتارهای عزیزان خود را از یاد نمی‌برد و همواره شهیدان و یادشان رهنمود راهنما خواهد بود. در ادامه افشاکریها و در ادامه وظیفه‌ای که ملت معظم و بزرگوار ایران بر دوش ما گذاشته است سعی می‌کنیم تا پرده از چهره کریه و کثیف امریکای جنایتکار که به قول امام تمام مصائب و بدبختیهای ما از امریکاست

برداریم. و نشان دهیم که چگونه آمریکا با نفوذ کردن و با توطئه چینی سعی دارد انقلاب ما را منحرف کند. سعی دارد در مقابل اسلام، در مقابل انقلاب و در مقابل ملت ما توطئه کند و نگذارد انقلاب اسلامی ایران به پیروزی کامل برسد. مطبوعات و رسانه‌های گروهی همانطور که نقش ویژه‌ای در پیشبرد انقلاب و به ثمر رسیدن انقلاب دارند همانطور هم نقش مخرب و ویرانسازی در انحراف و از بین رفتن انقلاب می‌توانند داشته باشند. همواره آمریکا سعی داشته است تا با نفوذ کردن در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و اثر گذاشتن در آنها را در خط خود، در خطی غیر از خط انقلاب به حرکت درآورد و انقلاب اسلامی ما را لوث کند. همانطور که امام می‌گویند: «مطبوعات و سینما و رادیو تلویزیون و مجله‌ها همه اینها برای خدمت به یک کشور است اینها باید در خدمت باشند. نه اینکه هر کسی باشد یک مجله درست کند و هر چه دلش خواست بنویسد. عکسهای مهیج در آن می‌اندازد که مشتریان زیاد شود. باید مجله در خدمت به کشور باشد. خدمت به کشور این است که جوان تربیت کند. انسان برومند درست کند. انسان متفکر درست کند تا برای مملکت مفید باشد. مجله باید طوری باشد که وقتی در آن مطالبی بود مردم را برای حفظ استقلال و حفظ آزادی بسیج کند. اینها یعنی مطبوعات می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد و از طرفی می‌توانند مثل رژیم سابق باشند که همه چیز در هم ریخته و همه چیز در خدمت استعمار باشد» متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مطبوعات ما نقش مخرب داشتند ضمن اینکه مطبوعات خوبی هم در میان اینها بودند مطبوعاتی هم بودند که در خدمت حرکت ضد انقلاب و حرکت آمریکا در جامعه ما بودند و در حقیقت به مخالفت با اسلام و با انقلاب برخاسته بودند. امام در جای دیگری میفرمایند: «آقایان توجه کنید به گفته‌های خودتان، توجه کنید به نوشته‌های خودتان، توجه کنید که شما را اسلام از قید و بند آزاد کرد. توجه کنید اسلام شما را از خارج بلاد به داخل کشاند، توجه

کنید که اسلام شما را از کنج خانه‌ها بیرون کشید، توجه کنید اسلام قلم شما را آزاد کرد. توجه کنید که اسلامی بیان شما را آزاد کرد. حالا بر ضد اسلام پا شدید؟ مسلمین می‌توانند تحمل کنند که اسلام و خون مسلمیت شما را آزاد کرد و حالا بر ضد اسلام قیام می‌کنید؟ چیز می‌نویسید؟ توبه کنید از نوشته‌هایی که می‌نویسید. همانطور که گفتیم در میان مطبوعات کشور ما دو خط وجود داشت یک عده از مطبوعاتی که می‌خواستند در خدمت انقلاب باشند در خدمت مردم باشند و دسته دوم که در خدمت اجانب و در خدمت آمریکا بودند. در شروع برنامه افشاکری امشب درباره جریان اول و مطبوعاتی که در خدمت انقلاب می‌خواهند باشند مطالبی داریم. در سندی که از سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه واشنگتن نوشته شده و گزارشگرش لینکن است، این مطلب به چشم می‌خورد: «علاوه بر این مطبوعات به خصوص آنهایی که وابسته به خمینی هستند و انتظام و دیگر مقامات دولتی کنترلی روی آنها ندارند بطور دائم اتهاماتی از این قبیل به آمریکا وارد می‌کنند.» یا در سند دیگری که باز لینکن بصورت محرمانه از سفارت برای وزارت امور خارجه آمریکا فرستاده شده است، روزنامه جمهوری اسلامی را دشمن قدیمی و دیرینه سفارت ذکر می‌کند و یا در سند محرمانه دیگر که از سفارت آمریکا در تهران به وزیر امور خارجه واشنگتن نوشته شده است، مطالبی از این قبیل به چشم می‌خورد: «روزنامه جمهوری اسلامی ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی که به طرز نزدیکی نظریات خمینی را بیان می‌کند جهت سرمقاله‌های تند آن مشهور است. هم چنین این روزنامه می‌تواند به عنوان یک یاران نیمه رسمی بعضی از یاران نزدیک خمینی و حامیان وی در جامعه روحانیت به حساب آید.» در دنباله همین گزارشات که ملاقاتی است بین کاردار و معاون نخست وزیر این مطالب آمده است: کاردار در ملاقاتی با معاون نخست‌وزیر این چنین مطلبی را می‌گوید: «کاردار ملاقاتی با معاون نخست‌وزیر داشت تا در مورد

مقاله روزنامه جمهوری اسلامی که در آن ایالات متحده را متهم به دخالت در امور داخلی ایران کرده بود بحث کند.

در جواب به سؤال کاردار که آیا آنچه در روزنامه جمهوری اسلامی انعکاس یافته از نقطه نظرهای دولت فعلی ایران یا قم در مقابل امریکاست؟ معاون نخست وزیر تاکید کرد که قطعاً نه این و نه آن. او گفت که آن روزنامه نقطه نظرهای دولت فعلی یا رهبر انقلاب امام خمینی یا کل مردم ایران را بیان نمی کرده است.

مقاله فوق انعکاس یافته بوده از عقیده و نظریه بعضی از رهبران مذهبی و عدماي از مردم. معاون نخست وزیر گفت که روزنامه جمهوری اسلامی یکی از بدترین منتقدین دولت فعلی ایران است. آن مقاله همچنین دولت فعلی را متهم کرده است که طرفدار غرب است. او گفت که موقعی که او سرمقاله را خواند او خودش

خودش در دنیا، نه در ایران، تنها بلکه در دنیا، بهر حيله و هر نیرنگ کثیفی دست می زند. یکی از کارهای امریکا اینست که در کشورهای که اصولاً منافع زیادی داشته که در حال از بین رفتن است یا در کشورهای که در آنجا حکومت می کند، خودش بتواند یک روزنامه کاملاً امریکایی را در آنجا درست کند و این روزنامه امریکایی به شکلی باشد که خرج و تمام امکانات مالی روزنامه توسط خود سفارت امریکا که در حقیقت نماینده دولت امریکا و سیاست پرداخت شود، و تمام کسانی که در یک نقش اساسی تعیین کننده در آن روزنامه و آن مطبوعات دارند یا چیز می نویسند یا تحلیل می کنند اینها همه جیره خوار و در حقیقت نوکر امریکا می باشند. منتهی طوری رفتار می کنند که کسی سوءظن نبرد، شکی ایجاد نشود. در صورتیکه یک خیمه شبازی توسط امریکا

در ایران یک روزنامه کاملاً امریکایی را بوجود بیاورند که این روزنامه با چنین مشخصاتی که توضیح داده شد بتواند به منافع کثیف امریکا ادامه بدهد و در حقیقت کمک کند به این منافع و امریکا را موجه جلوه بدهد و آخرالمر این بشود که امریکا میخواهد و در جهت امریکا یک مملکت را سوق بدهد. وقتی نتواند که یک روزنامه کاملاً امریکایی را بوجود بیاورد که تمام منابع مالی امریکایی باشد، پولش امریکایی باشد سعی میکند که در مطبوعات و در روزنامه های مختلف نفوذ و رسوخ کند. به این ترتیب که عناصر مهمی را که در روزنامهها وجود دارند و در سطح بالا و کادر بالای مطبوعات هستند اینها را بنوعی می خرد و بنوعی با اینها به تفاهم و توافق می رسد بر سر منافع مشترکشان: مثل نویسندگان، هیئت تحریریه و کلا عناصری

فرهنگی. در این بخش فرهنگی سعی می کنند که در توده های مردم نفوذ بکنند و در این بخش فرهنگی قسمتی وجود دارد بنام وابسته مطبوعاتی. که وابسته مطبوعاتی در ایران آدمی هست به نام «روزن» که الان در گروگان ملت ایران است. کار وابسته مطبوعاتی اینست که همان روشی را که گفتیم اینجا یک روزنامه را ایجاد بکند و نفوذ کند در روزنامه و آنها را در خط امریکا قرار بدهد اینکار را انجام بدهد یا بعضی از روشهای بینابینی و کار اینست که اساس و سیستم و نظام مطبوعاتی و تبلیغاتی این کشور را در خط امریکا قرار بدهد بطوریکه همه این مطبوعات بطور جمع و بطور منفرد بتواند یکزمان آنچه را که امریکا می خواهد در جهت منافع امریکا بیان بکنند. بعد از اینکه این را پی ریزی بکند به بهره برداری سیاسی می پردازد که بعنوان نمونه خیلی روشن و خیلی

مطبوعات و رسانه های گروهی این را جهت و شکل بدهد اینجاست که واسطه مطبوعاتی بعنوان یک عنصر اساسی دولت امریکا و منافع امریکا وارد کار بشود بر علیه ملتها و بر علیه انسانیت. از اساسی ترن و اولین کارهایی که وابسته مطبوعاتی انجام میدهد اینست که قرار ملاقات با تمام کادرهای بالای اکثر روزنامهجات و مطبوعاتی که در یک کشور دارند منتشر میشوند این قرار ملاقاتها را میگذارد. از این قرار ملاقاتها و این برنامه ها یک میگذاردند چند هدف را دنبال می کنند، یکی اینست که در این ملاقاتها بتواند عناصر سازشکاری را که وجود دارند و انقلابی نیستند و در خط مردم و خط انقلاب و ملت نیستند و اینها را شناسایی بکنند با اینها به گفتگوی دوستانه و صمیمانه بنشینند. بعد از گفتگو کم کم به تفاهم برسند، به توافق برسند و از این طریق کم کم اینها را در خط امریکا بیاورند و به

زیادی را داریم و یک سندی اینجا هست که این عملکرد را نشان میدهد. در این سند که از سفارت امریکا وابسته مطبوعاتی به دولت امریکا وزارت امور خارجه بخش ارتباطات بین المللی فرستاده میشود اینجور صحبت می کند: «در چندین نوبت خبرهایی در رابطه با عمل کنسولگری که اخیراً دوباره باز شده به روزنامه های مهم داده شد. امضاها و اعلاماتی برای عمل کنسولها اختراع کردیم که به کم شدن بی نظمی ها کمک کرد. شایعات و سوء تفاهمات را که توسط صاحبهای مطبوعاتی با ناشرین داستانهای کمک کننده های در این رابطه نوشته اند خواباندیم (مقصود سوء تفاهمات در مورد امریکا) اینها ملاقاتهای زیادی داشتند یکی از ملاقاتهای مشهور اینها با والا مدیر مجله تهران مصور هست که دقیقاً این را در خط وربط امریکا قرار داده بودند و در این

کوچکترین پایگاهی در میان ملت نداشتند

۱۲ صفحه

جمهوری اسلامی

چهارشنبه ۳ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۹۳

گزارشی
تنگان دهنده

دو صحنه گزارش
مصور از سانحه
دلخراش سقوط
هواپیما

بمنظور بررسی
سقوط

افشای سری دانشجویان مسلمان در تتر درجاسون خانه در باره روابط آمریکا
با پاسارهای از مطبوعات

لینکن: روزنامه جمهوری اسلامی دشمن دیرینه آمریکاست

در دومین جلسه دادگاه ویژه نظامیان تبریز
فاش شد:
**اسفندیاری به آقای حکم آبادی
پیشنهاد به توپ بستن هم اسما را**

اسرار روابط با آمریکا
و تهران تایمز و امید
ایران و چند نشریه
آ...

بیانیه مهم جامعه
مدرسین حوزه علمیه
قم در ارتباط با نامه
تلاش برای منافع کثیف

هم از حملاتی که به ایالات پریشان شده است. آنگاه برادر دانشجوی دیگر چنین گفت: بسم الله الرحمن الرحيم در ادامه صحبت برادرمان، راجع به دو جریان مطبوعاتی که یک جریان در خط انقلاب و مردم گام برمی دارد، و جریانات دیگری که امریکا تلاش می کند با نفوذ یا با ایجاد بتواند نظریات خودش را القا بکند مسائلی را مطرح می کنم: امریکا برای منافع کثیف

در اینجا اجرا میشود و روزنامه های که توسط خود امریکا ایجاد میشود یک عروسکی است بدست امریکا که توسط امریکا کوک میشود تا این عروسک به بازی در بیاید، آنهم چه بازی مودیانه ای. جاسوسانی که در اینجا هستند و در گروگان ملت ایران هستند طبق گفته های خودشان و اعترافاتی که دارند چنین برنامه های را می خواستند در ایران پیاده بکنند یعنی سعی داشتند که

که در روزنامه تصمیم گیرنده هستند. به این ترتیب کم کم یک روزنامه را تعیین و مشخص میکند تا این روزنامهها با یک نقش منافقانه و بدتر از دشمن رودررو می جنگد ولی اینها با یک شیوه منافقانه به جنگ ملت و به جنگ مرام و مکتب آن ملت بروند. در حقیقت گرگ صفتانی هستند در لباس میش. در تمام کشورها سفارتخانه های امریکا یک بخشی دارند بنام بخش

صریح آن اوضاع است که مطبوعات در دولت شیلی زمانیکه سالوادور آلنده روی کار بود و یک دولت ملی بود بکار انداختند. دولت امریکا بر علیه دولت سالوادور آلنده که یک دولت ملی و منتخب ملت بود، دولتی را مخالف امریکا وارد عمل میکند و بر علیه او به مانورهای سیاسی و اقتصادی دست میزند و او سعی میکند، بحرانهای اقتصادی ایجاد هرچومرج و زمینه نارضایتی را فراهم بکند و بعد از طریق

انها خط بدهند و آنها را ربط بدهند و با این خط و ربطی که بهشان می دهند بعد به آنها بگویند که اینطور کارکن و منظور کارکن و تمامی این خط و ربطهایی را که امریکا ایجاد میکند معلوم است، امریکا دلش بحال ملتها نسوخته دلش بحال ملتها زجر کشیده ایران هیچ وقت نمی سوزد. او به خاطر منافع خودش است که میخواهد در ایران وارد عمل بشود. از طریق این ملاقاتها و این تماسها که ما نمونه های

ملاقاتی که داشته اینها با هم به تفاهم و توافق میرسند و قرار بوده به آقای مسعود بیهنود هم در این جلسه حضور داشته باشد که بعلت ترس از مردم و ترس از جریان انقلابی مردم که وابستگان مطبوعاتی در کشور شروع شده بود هراس بدلتش راه میدهد و نمیتواند. با آقای ابراهیم صفایی و محسن خرامان اینها جلسه داشتند با آقای علیرضا نوریزاده در مجله امید ایران بقیه در صفحه ۸

جاسوس‌های آمریکائی چه می‌گفتند؟ لیبرال‌ها چه نظری داشتند؟

بقیه از صفحه ۷

به بحث و توافق و تفاهم نشستند. با تهران تایمز و بامداد به توافق نشستند و توافقها و نشستهای دیگری با بسیاری از سردمداران بعضی از روزنامه‌ها داشتند. یکی از هدفهای دیگری که از طریق این ملاقاتها دنبال می‌کنند این است که وضع مالی این روزنامه و مطبوعات را تخمین می‌زنند و بررسی و برآورد می‌کنند که بپسند آیا وضع مالی این روزنامه، این مطبوعات چطور است و اگر ضمنی از نظر مالی برای این مشاهده می‌شود بتوانند از این نقطه ضعف استفاده کنند و از شکافهای اینطوری وارد بشوند و کم کم اعمال نظر و اعمال قدرت کنند و روزنامه را کم کم به یک روزنامه امریکائی تبدیل کنند امریکا چنین شیطانان است. و امریکا چنین جانور بزرگی است که بحق امام ما به آن لقب شیطان بزرگ دادماند. خوب، کم کم در این رابطه، این ملاقات و آن ملاقات با آدمهای مختلف، به تفاهم که می‌رسند، اینها را در یک مجموعه واحد قرار می‌دهد که با همه اینها حول چند مسئله اساسی و براساس چند مسئله اساسی با اینها به توافق می‌رسد. وقتی که این مجموعه با خط ربط مشخصی که تقریباً امریکا می‌خواهد، اینها با هم هماهنگ شدند حالا نوبت بهره برداری است. از سفارت یعنی امریکا به اینها فکر القا می‌شود و بعد از طرف اینها چاپ می‌شود و در اختیار مردم قرار می‌گیرد تا کم کم زمینه حکومت این خوگان کثیف امریکائی را که عمری ملت بزرگ ایران و ملت‌های دیگر منطقه و سایر جاهها، در امریکای لاتین، در ویتنام و همه جا، اینها بر این ملتها هجوم و پورش بردانند، باز به منافع کثیف و پست خودشان ادامه بدهند.

در سفارتخانه امریکا، آرشیو کلیه مطبوعات وجود دارد و همه روزه به بررسی و تحلیل اکثر مطبوعات و خط و ربط و مواضعی که آن مواضع و روزنامه‌ها داشتند می‌نشینند. بعد از طریق عوامل بالا و کادر بالائی که اینها در روزنامه‌ها داشتند می‌آیند اینها را که کم کم با آنها به توافق رسیدماند.

اطلاعات و سیستم اطلاعاتی فرضاً ایران را بدست می‌آورند. چون روزنامه‌ها یک قلب اطلاعاتی هستند. از تمام قطعه‌ها و زوایای کشور، از همه جا، از هر سازمان، از هر کجا که مافکر کنیم اینها اطلاع دارند و توافق کردن با اینها یعنی بدست آوردن تمام این اطلاعات و بعد براساس این اطلاعاتی که اینها دارند در صحنه سیاسی برضد ملت و برضد انقلاب برضد اسلام و برضد امام عمل می‌کنند.

اعمال قدرت از طریق روزنامه و مطبوعات و وسایل جمعی برای امریکا آنقدر اهمیت دارد که مایک نکتته را که در سال ۱۹۷۳ برای امریکا اتفاق افتاده اشاره می‌کنیم. در ماه دسامبر ۱۹۷۳ توسط محققین فاش می‌شود که نزدیک به ۳۶ نفر از روزنامه‌نگاران امریکائی که در خارج (خارج از امریکا) به کار اشتغال داشتند، عامل مستقیم بودند. و روزنامه‌نگاری صرفاً بعنوان یک پوشش فعالیتی برای آنها بکار می‌رفت.

برای خریدن این روزنامه‌ها بعضی مواقع این کار را می‌کردند که کنترل غیر مستقیم و نفوذ غیر مستقیم می‌گذاشتند، فرض کنید امروز یک روزنامه در می‌آید با تیرت مناسب که موافق طبع دولت امریکا و سفارت امریکا است، سفارت امریکا اقدام به خریدن بسیار گسترده از این شماره از روزنامه می‌کند و آنها را اجالی انبار می‌کند بنحوی که آن شماره از روزنامه با آن تیرت مشخص کماب بشود، و این فکر بر هیئت تحریریه و کادر نویسنده و کادر بالای این روزنامه القاء شود که این تیرتها در جامعه مناسب است. بنابراین کم کم بطور غیر مستقیم اینها را سوق می‌دهند بطرف انتخاب تیرتها، مقالات و مسائلی که موافق امریکا است. و در این رابطه با می‌گردیم به نقشی که این مطبوعات در دولت شیلی داشتند که امریکا یک برنامه بسیار حساب شده را در شیلی طرح ریزی می‌کند به این شکل که قرار می‌شود جریانی اتفاق افتد سازمان یافته از طرف سیا در شیلی در همان زمان باید اکثر روزنامه‌نگاران و عکاسان آنجا حضور داشته باشند، از این صحنه فیلمبرداری شود، بلافاصله باید طبق این برنامه گزارش این جریان در مطبوعات بماند (مطبوعات بعد از جریان) که این رابطه بسیار گسترده منعکس کنند و بر علیه دولت سالوادور آگنده قیام کنند که در زمان مصدق هم همینطور عمل کردند. و بعد، اتفاقاً در شب قبل از اینکه این جریان به وقوع بپیوندد، یک نسخه از گزارشی که قرار بوده فردا در روزنامه چاپ شود یعنی گزارش آماده شده بود، بدست نیروهای طرفدار آگنده می‌افتد ولی با این وجود جریان اتفاق می‌افتد که موجب برکناری رئیس ستاد ارتش سالوادور آگنده می‌شود و پینوشه دیکتاتور بزرگ و خون آشام شیلی و عامل سیا روی کار می‌آید. که بعد سفارت امریکا در سانتیاگو بوسله همین مزدور خودش، همین آقای پینوشه دیکتاتور دولت ملی سالوادور آگنده را سرنگون می‌کند و هنوز هم

ادامه دارد. این کلا رسالت و وظیفه‌های بوده که وابسته‌های مطبوعاتی پی‌ریزی می‌کردند در کشورها و وابسته مطبوعاتی یعنی آقای روزن که گروگان ملت ایران است و چند دفعه هم حتی از طرف نیروهای پاسدار و کمیته‌ها دستگیر شده بوده و بعداً آزاد شده بود، اینها در خط خیانت به انقلاب اسلامی بکمک عوامل مزدور و خائن داخلی خودشان پیش می‌رفتند و سعی می‌کردند برای امریکا مشروعیت کسب بکنند تا مردم کم کم آن احساس تنفری را که نسبت به این جهانخواه بزرگ و این سلطه‌گر بزرگ دارند، فراموش کنند.

در این رابطه ما اسنادی داریم که اولین سند در مورد روزنامه بامداد هست: «از سفارت امریکا در تهران به ژانسی ارتباطات بین‌المللی امریکا. واشنگتن. گزارشگر: روزان موضوع: انتشار روزنامه جدید ایران. تاریخ: ۱۰ می ۷۹ شماره: ۴۸۸۵ بخش سیاسی از: سفارت امریکا در تهران به سازمان ارتباطات بین‌المللی موضوع: روزنامه جدید در روز دوشنبه ۷ می یک روزنامه مستقل صبحگاهی بزبان فارسی بنام «بامداد» روز چهارشنبه ۹ می وابسته مطبوعاتی «روزن»، سردبیر این روزنامه «رهبانی» که در ساختمان سه طبقه‌ای که بتازگی اجاره شده ملاقات کرد. و استقبال و پذیرایی گرم و مرتبی از او بعمل آمد. رهبانی قبلاً معاون سردبیر روزنامه بی‌اعتبار و تعطیل شده رستاخیز بود. او گفت که می‌خواست به خوانندگانش بگوید که این روزنامه کارمندان و نویسندگان همان اعضاء سابق روزنامه رستاخیز است. ولی بعد از یک نشست عمومی قرار بر این شد که این عمل دوهفته‌ای بتعمیق بیفتد که خوانندگان با پیش‌داوری باروزنامه برخورد نمایند. رهبانی از پائیز گذشته که رستاخیز تعطیل شده بود، روزنامه را بوجود آورد. روزنامه را با جمع‌آوری پول از چند صد نفر از بخش‌های رستاخیز و دفتر و شعبات از سرتاسر کشور، روزنامه را دوباره احیا نمود. او گفت که سرمایه کافی برای سه ماه کار کردن دارد ولی برای اینکه «بامداد» به کار خود ادامه دهد، و کارش رو غلطک بیفتد، لازم است که در تیرژی در حدود صدوپنجاه هزار نسخه در روز و حداقل دوصفحه کامل

آگهی داشته باشد. در حال حاضر، اگر چه هنوز زود است که قضاوت کنیم در حدود صد هزار نسخه تیراژ دارد ولی هنوز از لحاظ آگهی به خواسته‌های خود نرسیده. رهبانی اظهار علاقه نمود که از وابسته مطبوعاتی مطالبی را دریافت نماید. و گفت علیرغم حساسیت اوضاع روابط بین ایران و امریکا، برای بالا بردن تیراژ حاضر به نوشتن مطالبی که مستقیماً به منافع امریکا ضربه بزنند، نیست.

رهبانی یک مقاله در مورد بیوگرافی کاتر نامزد سفارت نوشته و مخصوصاً علاقمند بود که هرگونه تغییراتی در مورد شرایط وضع ویزا را بداند. شماره تلفن خانه و شماره مستقیم دفترش را برای تماس‌های ضروری و فوری به وابسته مطبوعاتی داد.

این در مورد بامداد. برای ما چند سوال مطرح شده: چرا رستاخیزی‌های قبلی باید این چنین روزنامه انتشار بدهند کسانی که عمری به همه چیز این ملت و به مبارزات این ملت توهین کردند چرا سردبیر این روزنامه با مامور امریکا تماس می‌گیرد، چرا در مورد مسائل مالی با وابسته مطبوعاتی امریکا صحبت می‌کند، چرا با وجود تیراژ پائین و مسائل موجود حاضر نشده که برای بالا بردن تیراژ بر علیه منافع امریکا مطلب بنویسد منظور از تماس‌های ضروری و فوری با وابسته مطبوعاتی چیست چون قرار نیست ما به قضاوت بنشینیم قضاوت به عهده خود ملت است دنباله همین گزارش ادامه میدهد که روز دوشنبه ۵ می تنها روزنامه انگلیسی زبان به نام تهران تایمز در چهار صفحه زیر نظر پرویز عرفان و مصطفی جعفری ایرانیاتی که شروع به کار نمودند پرویز عرفان گزارشگر سابق تهران ژورنال سردبیر اسمی و ظاهری روزنامه است در حالی که جعفری گزارشگر سابق اطلاعات و وابسته و همکار با رادیسوی صدای امریکا در حقیقت گرداننده تشکیلات است در گفتگویی که وابسته مطبوعاتی با پرویز جعفری داشت فهمید که پنج سرمایه داخلی مخارج و هزینه‌های روزنامه را می‌پردازند و با افزایش آگهی‌های روزنامه و تیراژ حدود ۹۰۰۰ نسخه در روز آینده تهران تایمز خوب به نظر می‌رسد در ادامه مطالبی که بیان شد افرادی را که امریکا دست روی آنها می‌گذاشته است تا آنها را به هر نحوی نوکر خودش بکند و در راه منافع خودش از آنها استفاده کند مانند دیگری را منتشر میکنیم این سند توسط «وارین کریستوفر» نوشته شده و وارین کریستوفر همان نماینده‌ای است که بدستور کاخ سفید الان برای جلب نظر کشورهای اروپائی و هم پیمانان اروپا برای

شرکت در محاصره اقتصادی ایران به اروپا رفته این گزارش در حقیقت از وزارت خارجه امریکا در واشنگتن به سفارت امریکا در تهران نوشته شده. موضوع: علیرضا فرمند متن اصلی: «می‌توانید با دوست من علیرضا فرمند در کیهان تماس بگیرید و تحلیل سیاسی او را از اوضاع بگیرید خیلی وقت است که از او خبری نیست. (روزن) او را میشناسد.

امضاء کریستوفر روزن همانطور که برادرم گفت در حقیقت جاسوس شناخته امریکا در ایران است. توطئه‌گری که هم‌اکنون در گروگان ملت ماست. هنگامیکه محاکمه او آغاز شود چهاره کسریه او و توطئه‌هایی که امریکا در ایران می‌کرده بهتر مشخص‌تر برای ملت روشن خواهد شد. در گزارشی که ۲۳ اوت ۷۹ از روزن به لینکن نوشته شده چنین چیزی را می‌بینیم. علیرضا فرمند دیگر در کیهان نیست او دو ماه پیش با گروه بزرگی از نویسندگان روزنامه را ترک کرد من فرمند را در کیهان روزیکه داشت کیهان را ترک میکرد ملاقات نمودم. او گفت تصمیم دارد که استراحت کند و از اوقاتش لذت ببرد. من با او تلفنی در مورد موضوعات موردعلاقه مطبوعاتی صحبت نمودم و درست یک هفته پیش برای تشکیل دادن یک جلسه با تعدادی از هواخواهان «کیهان آزاد» به او تلفن زدم که حالا به عنوان یک روزنامه مرده می‌باشد. او هرگز جواب تلفن مرا نداد هر چند که من یک پیام برای او به همسرش دادم من باور دارم که او خوبست است. در شرایط سلامتی خوبی بسر میبرد اما فقط بصورت وحشتناکی محتاج شده است. این در حقیقت عمل است که روزن و وابسته مطبوعاتی امریکا در ایران انجام میدهد تا در تشکیل شدن روزنامه به اسم «کیهان آزاد» نفوذ کردن به افرادی امثال علیرضا فرمند و خریدن آنها و بکار گرفتن آنها منافع خود را دنبال کند. سندها در حقیقت اسلشان به انگلیسی است که نشان داده میشود.

مطلب دیگری است که از روی این سند برایتان می‌خوانیم در رابطه با مجله امید ایران مجله‌ایست که از فعالین و منتشر کنندگان آن آقای علیرضا نوری‌زاده است. از سفارت امریکا در تهران به وزارت امور خارجه واشنگتن - (دی-سی) - گزارشگر - روزن - تاریخ ۱۰ می ۷۹ روز چهارشنبه ۹ می روزن وابسته مطبوعاتی علیرضا نوری‌زاده را که به ملاقات او به دفتر (آی-سی-ا) در ساختمان پایگانی آمده بود ملاقات کرد او که مدیر مجله امید ایران می‌باشد - سه ماه از عمرش می‌گذرد و مجله‌ای شبیه ایران - تایم است نوری‌زاده قبلاً معاون سرپرست مجله

دوران اندازانتشار روزنامه جمهوری اسلامی

وضع مطبوعات در صد سال گذشته و نقش تحول آفرین روزنامه جمهوری اسلامی

بیگانگی ریخته شده است
روزنامه جمهوری اسلامی

مطبوعاتی و نوکران شرق و غرب
را برهم زد. در آن شرائط



*** روزنامه جمهوری اسلامی به حول و قوه الهی و دعاورهنمودهای امام و حمایت نیروی پرتوان حزب الله به همت چندمرد خدا و به طراحی شهیدانی چون شهیدمظلوم، آیت الله بهشتی آغاز بکار کرد**

*** روزنامه جمهوری اسلامی تک صدائی بود در برابر بمباران تبلیغاتی عناصر ضداسلامی وابسته به بیگانه اعم از فراماسونری و لیبرال و چپی و مارکسیستی**

*** تنها، روزنامه جمهوری اسلامی بوده که در میان تبلیغات فراوان مطبوعات وابسته، اسلام فقهاتی را عنوان می کرده و از آغاز بروایت فقیه تأکید داشته است**

*** یکی از مأموریت های اصلی وابستگان به شرق و غرب که مطبوعات را در قبضه خود داشتند تخلیه انقلاب از ماهیت اسلامی بود**

*** روزنامه جمهوری همیشه تأکید داشته است که اسلام هم دین است و هم دولت، هم ایدئولوژی است و هم نظام حکومت**

*** اکثر مطبوعات در جهان اسلام، پرچمدار غربگرایی و طرفدار غرب بوده و ایده ها و اندیشه ها و ارزش های غربی را ترویج میکردند**

*** بر صفحه مطبوعات، احزاب ملی گرا و گروهک های چپی، همه آراء و نظرات و باورها و ایده ها حضور داشتند جز اسلام و افکار و عقاید توده های میلیونی حزب اللهی**

*** خطوط انحرافی در صدد بودند تنها «انقلاب» مطرح باشد و نه «اسلام» و یا «اسلامی» مطرح باشد که در قالب آن محتوای بیگانه ای ریخته شده است**

*** پس از انقلاب و بنای «کعبه انقلاب» آذره های زمان چون بنی صدرها، بازرگان ها، قطب زاده ها، رجوی ها و... در صدد برآمدند بتها را در کعبه قرار دهند.**

نگهدارنده اصالت های اسلامی بوده که هر گونه التقاط را چه در جهت «ناسیونالیسم» و چه در جهت «مارکسیسم» و «لیبرالیسم» و هر گونه ایده انحرافی را از بست ساختن «سپین» و «آزادی» گرفته تا «تکامل گرایی»، «تاریخ پرستی»، و «اسلام منتهای

روزنامه جمهوری اسلامی تک صدائی بود در برابر بمباران تبلیغاتی عناصر ضداسلامی وابسته به بیگانه اعم از فراماسونری و لیبرال و چپی و مارکسیستی که امکانات و تجهیزات و یآوری سلطه گران و قدرتمندان شرق و غرب را همراه داشتند.

نقش تحول آفرین روزنامه جمهوری اسلامی:

روزنامه جمهوری اسلامی در این سال های پرتلاطم - بظاهر چهارسالگی که عصرها در هر روز آن درهم پیچیده است و از نظر سرعت حوادث با قرن ها برابری میکند. نقش های مهم و حیاتی را ایفا نمود. در این مقاله ما تنها به یکی از نقش ها، بطور مجمل اشاره می داریم و شرح سایر نقش ها را به مناسبت های دیگر موقوف می نمایم.

حفظ اصالت های اسلامی

چنانکه اشاره کردیم یکی از مأموریت های اصلی وابستگان به شرق و غرب که مطبوعات را در قبضه خود داشتند تخلیه انقلاب از ماهیت اسلامی بود، و از این نظر یکی از حلقه های مهم استراتژی آنان طرح نکردن دیدگاه های اصیل اسلام فقهاتی و بالعکس طرح دیدگاه های آغشته به انحراف و التقاط بوده است. در این میان تنها روزنامه جمهوری اسلامی بوده که در پیروی از پرچمداران و خط امام همچون شهید مظلوم آیتا... بهشتی، شیهه شاهد وحی حجقلاسلام خاتمتهای و شهید زنده حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و یاران شان اسلام فقهاتی را عنوان میکرد و از آغاز بر ولایت فقیه تأکید داشته و دارد. که اسلام هم دین است و هم دولت، هم ایدئولوژی است و هم نظام حکومت. در حالیکه خطوط انحرافی در صدد بودند تنها «انقلاب» مطرح باشد و نه «اسلام» و یا «اسلامی» مطرح باشد که در قالب آن محتوای

فرموده تمام مطبوعات عمده کشور را قبضه کردند. اطلاعات، کیهان، آیندگان، بامداد و دهها مجله و صد ها نشریه دیگر در اختیار جریان های ضداسلامی قرار داشت «انقلاب اسلامی» و پس از مدتی «میزان» که با زیرکی زائد الوصفی، چهره کریم خود را در نقاب نفاق پنهان ساخته بودند با شور و شوق بصورت مزدور امپریالیسم سرخ و سیاه به جان انقلاب اسلامی و مردم مسلمان افتادند. احزاب ملیگرا و گروهک های چپی و پسرمانده های رژیم گذشته که بنانه به ذهنیات خود انتظار شکست جنبش و تخلیه انقلاب از ماهیت اسلامی و تکرار ماجرای مشروطه را داشتند، مطبوعات و روزنامه ها را وسیله اصلی برای تحقق اهداف شوم خود قرار دادند. این عناصر غریزه که پیش از انقلاب با «عمله جور» بودند و با درگوشه انزوا و کاخ های مجلل خود، و از روی تجزیه و تحلیل روشنفکرانه و عالمانه حرکت اسلامی مردم را رتجایی و شکست خورده می پنداشتند پس از انقلاب از طریق مطبوعات مسدعی

(البته این بدین معنا نیست که در آن شرائط در عرصه مطبوعات، هیچگونه نشریه اسلامی و مردمی وجود نداشته بلکه منظور این است که غالب مطبوعات وابسته و با تحت نفوذ عناصر منحرف اداره می شد)

(از قاهره) و «قانون» (از لندن) یاد کرد که تمام آنان در خدمت عناصر غیراسلامی و غریزه بودند. از همین زمان عوامل راست و چپ مانند تقی زاده ها، ارانی ها و... بر فضای مطبوعات ایران حاکم بودند. بنا بر یک آمار دقیق در طول یکصد و پنجاه

تأثیر مطبوعات در شکل دادن افکار عمومی در پاسداری یا تخریب نظام ارزش های جامعه و نقش آن در شکل دادن مواضع سیاسی، اجتماعی و عقیدتی مردم بر کسی پوشیده نیست. با توجه به همین اهمیت است، که عمال استعمار شرق و غرب از آغاز در صدد قبضه مطبوعات در کشورهای تحت ستم برآمدند و بسدینسان روزنامه ها و مجلات این کشورها را یکی از مجاری عمده گسترش غربگرایی، توسعه استعمار فرهنگی و در خصوص کشورهای اسلامی حمله بر اصالت های اسلامی جوامع مسلمان گردانیدند نخستین روزنامه مجلات را در جهان اسلام کسانی تاسیس و منتشر کردند که در غرب تحصیل نموده و با مفاهیم و شیوه های غربی انس گرفته و یا مستقیماً به قدرتهای استعماری وابستگی داشتند. همچنین اکثر مطبوعات در جهان اسلام پرچمدار غربگرایی و طرفدار غرب بوده و ایده ها و اندیشه ها و ارزش های غربی را ترویج میکردند روزنامه ها و بدلیل بردوسپشان ایده ها و افکار غربی را براحتی به خورد مردم می دادند از سال های اولیه نیمه دوم قرن نوزدهم که روزنامه نگاری در ایران و سایر کشورهای اسلامی رونق یافت، از جمله مؤثرترین وسیله بیان و اشاعه افکار غربگرایان در جهان اسلام بود.



پس از انقلاب، وابستگان به غرب و شرق که فکر میکردند تنها آنان یک تاز میدان مطبوعات و دارای تخصص در این زمینه اند، از اینرو خواهند توانست کاری را که شاه و آمریکا بطانوب و تانک نتوانستند انجام دهند از طریق روزنامه ها و مجلات و رسانه ها انجام دهند و انقلاب را از ماهیت اسلامی آن تخلیه و به دم شرق و با غرب متصل خواهند کرد.

سال اخیر قریب ۳۵۰۰ روزنامه و نشریه و مجله در ایران منتشر شده که حدود ۱۴۰۰ نشریه و روزنامه قبل از شهریور ۱۳۴۰ و بقیه بعد از این سال منتشر شدند که اکثر این روزنامه ها و مجلات یا وابسته به رژیم بودند و یا وابسته به احزاب لیبرال یا مارکسیست که هر سه جناح در ترویج فرهنگ بیگانه و اسلامزدایی اشتراک کامل داشتند و افرادی مانند عباس مسعودی ها و مصباح زاده ها و عبدالرحمان فرامرزها اینگونه مطبوعات را تاسیس و در اختیار داشتند و در خدمت به بیگانگان و در بار با هم رقابت میکردند

در ایران چنانکه میدانیم نخستین روزنامه در زمان امیرکبیر منتشر شد و پس از آن روزنامه های چون «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «علمی»، «شرق و اطلاع»، «آذربایجان»، «فرهنگ»، «تربیت»، «مساوات» و «روح القدس» و... منتشر شده که اکثر آنان ارگان و بلندگوی متجددین و غربگرایان بودند. در خارج از ایران نیز برخی از متجددین ایرانی روزنامه های را منتشر میکردند که از آن جمله میتوان از «جبل السعین»، «کلکته» و «اختر» (استانبول) و «حکمت» و «ثریا» و «چهره نما»

دوراندا از انتشار روزنامه جمهوری اسلامی

جهان در ۱۰۰۰ شماره روزنامه

بخش سیاسی و ترجمه، فعالیت خود را با اولین شماره‌های روزنامه آغاز کرد و ظرف کمتر از سه سال چند هزار مقاله و تفسیر و گزارش در مورد اوضاع سیاسی جهان برشته تحریر در آورد و مقالات بسیاری از روزنامه‌ها و مجله‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ترکی، روسی و هندی زبان را ترجمه و در اختیار خوانندگان عزیز قرار داد.

نخستین هدف از انتشار صفحه سیاسی روزنامه، دادن آگاهی به هموطنان عزیز در مورد جریان‌های سیاسی جهان و تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی کشورهای جهان و آشنا کردن مردم با آخرین اخبار و گزارش‌های رسیده از نقاط مختلف جهان میباشد.

برادران بخش سیاسی و ترجمه از اوایل انتشار روزنامه همواره سعی کرده‌اند در غنی کردن صفحه سیاسی روزنامه از راحتی و وقت اضافی خود گرفته و صرف نوشتن یا ترجمه مطالب کنند، تا بتوانند هر روز صفحهای پربار به خوانندگان عزیز تقدیم کنند.

ما در این مقاله کوتاه سعی خواهیم کرد مروری بر مطالب سیاسی روزنامه از اوایل انتشار و اولین شماره آن داشته باشیم. در اولین شماره روزنامه جمهوری اسلامی، صفحه سیاسی آن

مشمول بر مطالب ذیل بود: گام به گام با انقلاب، طوفانی در افغانستان، در جستجوی یک استراتژی برای نجات اروپا، در این صفحه سلسله مقالاتی تحت عنوان «گام به گام با انقلاب» بچاپ رسید که حاکی از قیام مردم مسلمان ایران علیه شاه مدفون بود در این سلسله مقالات حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران لحظه لحظه ثبت شده بود. دومین مطلبی که در صفحه سیاسی شماره اول روزنامه به چشم میخورد مطلبی تحت عنوان «طوفانی در افغانستان» بود که در آن بتفصیل در مورد مقاومت مردم افغانستان در برابر رژیم مزدور افغانستان نوشته شده بود و مطلب سوم «در جستجوی یک استراتژی برای نجات اروپا» بود که حکایت از وضع بحرانی اروپا میکرد.

صفحه سیاسی روزنامه همواره حاوی مقالات نوشته شده از مجلات خارجی و چند پاورقی در مورد مسائل گوناگون جهان بود.

از اولین شماره روزنامه تا بحال چند پاورقی به چاپ رسیده که مسائل مختلف را در بر میگرفت. همانطور که قبلاً اشاره شد اولین پاورقی که در صفحه سیاسی به چاپ رسید، مطلب «گام به گام با انقلاب» بود پس از پایان این پاورقی، پاورقی جدیدی تحت عنوان «نگرشی تازه به انقلاب الجزایر» در این صفحه بچاپ رسید که به تشریح قیام مردم مسلمان الجزایر علیه استعمارگران فرانسوی پرداخته بود. صفحه سیاسی روزنامه چند

پاورقی دیگری به چاپ رساند که در میان آنها:

«ایران و شیلی»، «جنبش‌های آزادیبخش جهان»، «قیام کمبه»، «خاطرات تکانه‌دهنده یک عامل پیشین سیا»، «ما ادراک ما صدام»، «کمپ دیوید اول» و «کمپ دیوید دوم» و «ورده آوردی از سفر آرژانتین» و غیره... در این صفحه دهها مقاله در مورد اسلام در جهان، مسلمانان جهان، جنبش‌های آزادیبخش، توطئه‌های استعمارگران علیه مسلمانان، موضع مرتجع عرب نسبت به بالا رفتن رشد سیاسی و اسلامی مردم، سرکوبی جنبش مسلمانان در کشورهای خاورمیانه و جهان، رفتار حکام دیکتاتور با افزایش نفوذ مسلمانان و اسلام برشته تحریر درآمد. در این صفحه همچنین مقالاتی راجع به زندگی مسلمانان در شوروی، آمریکا، جنوب آفریقا و دیگر کشورهای جهان به چاپ رسید که بتفصیل در مورد اوضاع مسلمانان پرداخته بود.

از سوی دیگر در صفحه سیاسی روزنامه مطالبی در مورد افشای نقش حکام مزدور منطقه در خاورمیانه و جهان از جمله سادات، صدام، شاه حسین، شاه حسن، فهد، بگین، شارون، موشه دایان، و غیره برشته تحریر درآمده بود.

در صفحه سیاسی روزنامه همچنین مقالاتی راجع به مطالب زیر به چاپ رسید:

• تشریح جنایات صدام و افشای چهره واقعی او، و ارتباطات وی با شیطان بزرگ.

• برآمده ساختن مزدوری حکام مرتجع عرب.

• بیان نقش مقامات آمریکائی و ارتباط آنان با صهیونیستها و اقدامات روسای جمهوری آمریکا.

• شناساندن دشمنان واقعی اسلام به مردم مسلمان ایران.

• شناساندن انقلاب فلسطین از آغاز تا امروز.

• تعیین پایگاههای آمریکا در منطقه خاورمیانه، آسیا، اقیانوس

هند، اروپا و آفریقا... • تشریح پیمان‌های موجود و گذشته چون ورشو، ناتو، سنتو، سیتو و...

• افشای موضع کشورهای عربی و اسلامی نسبت به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

• مقایسه موقیعت نظامی اعراب و اسرائیل

• تشریح برنامه‌ها و مسابقات تسلیحاتی ابرقدرتها

• بیان و تشریح علل و اهداف تشکیل کنفرانس‌های سران عرب.

• افشای ملاقات‌های محرمانه حکام مرتجع عرب از جمله شاه حسن، شاه حسین، صدام، حسین، شاه فهد، قابوس، بورقیه... با سران صهیونیستی.

• مقایسه میان طرح‌های استعماری منجمده طرح فهد، طرح ریگان، طرح اعراب، طرح بازار مشترک اروپا.

• گزارش‌های هفتگی در مورد جهان عرب تحت عنوان «جهان عرب زیر ذره بین».

صفحه سیاسی روزنامه علاوه بر مطالب فوق، مطالب دیگری راجع به جریان‌های سیاسی منطقه و تحولات سیاسی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی و سایر نقاط جهان نوشته که ذکر نام مقالهها در این مقاله کوتاه امکان پذیر نیست.

نویسندگان و مترجمان بخش سیاسی و ترجمه علاوه بر نوشتن مطالب و ترجمه مقالهها از روزنامهها و مجلات خارجی، روزانه تفسیرهایی سیاسی در مورد رویدادهای سیاسی جهان به رشته تحریر درمی‌آوردند

در اینجا باید از برادران و خواهران عزیزی که باتذکرانشان و راهنمایی‌شان ما را در این امر کمک و مساعدت می‌نمایند تشکر و سپاسگزاری نمائیم و امیدواریم بتوانیم با این عمل ناچیز، خدمتی به ملت مسلمان و شهیدپرور ایران بنمائیم، به امید پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل.

جنگ و روزنامه

در آستانه انتشار هزارمین شماره روزنامه بر آن شدیم تا گوشه‌ای از عملکرد روزنامه در رابطه با اخبار جنگ را با اطلاع خوانندگان عزیز برسانیم اما از لحظه‌ای که این تصمیم را گرفتیم این سؤال پی‌درپی در ذهن ما نقش می‌بست که با وجود انهمه ایثار و جانبازی دلاوران اسلام در جبهه‌های تفتیده و صعب‌العبور جنوب و غرب کشور عزیزمان که اینک کربلای دوم نام گرفته است چگونه می‌توانیم عملکرد خود را بیان کنیم مگر غیر از اینست که آن دلیران حماسه می‌آفرینند و ما گوشه بسیار کوچکی از آنرا منعکس می‌نمائیم؟ و باید بگوئیم که حتی در همین زمینه هم در مقابل سنگر نشینان لشکر توحید شرمنده هستیم و باید اذعان کنیم که نه تنها کاری انجام ندادیم بلکه بسیار هم کم‌کار کردیم بهر حال برای آنکه عریضه خالی نباشد شمهای از آنچه در طول دو سال جنگ

آرزوی دیرینه هستیم مضافاً بر این از خداوند مستعال خواستاریم انقلاب اسلامی موفق شود تا این رسالت سالم سازی را در خصوص رسانه‌های گروهی جهان دنبال نموده و فشار تبلیغاتی امپریالیستی را که در حقیقت یکی از بازوهای نیرومند جهانخواران است از بین ببرد.

و اما برای آشنائی خوانندگان عزیز از نحوه تهیه گزارش و اخبار جنگی و چاپ آن باید عرض کنیم که اخبار جنگی عموماً به سه دسته تقسیم می‌شود.

دسته اول شامل تجاوزات رژیم صهیونیستی بعث عراق است که قسمت اعظم آن در روزهای اول جنگ تحمیلی انجام شده و ادامه آن در حملات وحشیانه هوایی و موشکی و توپخانه صدامیان به مناطق مسکونی خلاصه می‌شود.

دسته دوم شامل اخبار عادی و روزمره جنگ است که شامل درگیریهای پراکنده و مبادله آتش می‌باشد و گزارشات این درگیریها عمدتاً از سوی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی و قرارگاههای مقدم و لشکر و واحدهای عمل کننده اعلام میشود.

دسته سوم اخبار شامل عملیات طراحی شده قوای تکبیرگوی اسلام می‌باشد.

در این بخش ما در هر مرحله عکاس و حداقل امکان خبرنگار به منطقه اعزام کردیم تا گزارشهای عینی خود را از منطقه عملیات برای خوانندگان عزیز منعکس نمایند. ضمن اینکه کلیه خبرنگاران و عکاسان اعزامی جمهوری اسلامی در حین تهیه گزارش برای آنکه از فیض افتخار حضور در جبهه محروم نباشند همگام با سایر رزمندگان اسلام در عملیات شرکت می‌کنند و لذا وقتی از مأموریت باز می‌گردند شیرین‌ترین و بهترین خاطریشان همین مساله است و از آن بعنوان بهترین نعمت خدا یاد می‌کنند بطوریکه نثار جان را کوچکترین بهای آن می‌دانند و در اینجا جا دارد که شهید احمد فدیریان خبرنگار استان خوزستان را که در عملیات شهید مدنی به لقاء الله پیوست بعنوان سمبل این جریان معرفی کنیم چرا که او در تهیه گزارشات جنگی از صحنه نبرد سر از پا نمی‌شناخت و بی مهابا حضور در خطوط مقدم جبهه همراه با همکاری بی ریا با سلحشوران اسلام مشاهدات عینی خود را بپتهران مخابره می‌نمود. در مقاطع اجرای عملیات گسترده در محورهای جنوبی و یا غربی گزارشات مندرجه در روزنامه شامل اخبار واصله از خبرنگاران جمهوری اسلامی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، واحد مرکزی خبر اطلاعاتیهای مشترک سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی، می‌باشد که هر بار با یک جمع‌بندی، مطلب مبسوطی که گویای جزئیات عملیات پیروزمندانه سلحشوران سنگر نشین لشکر توحید باشد بچاپ رسیده است. همچنین علیرغم وجود مشکلات فراوان در چاپخانه و نوبتایی روزنامه همزمان با حملات سپاه قدرتمند اسلام اقدام به انتشار فوق‌العاده نمودیم که هر بار با استقبال امت حزبالله مواجه شده است بطور نمونه وقتی یکی از فوق‌العاده‌های منتشره را به کنار سنگر دشمن سوز اسلام یعنی نماز جمعه

قرار دهد بعنوان مثال علیرغم میل باطنی ولی بخاطر افشای خیانت‌های جریان بنی‌صدر و آگاهی مردم مسئله سقوط شهر خونین خرمشهر را برای اولین بار انتشار داد و در حالیکه تبلیغات جناح مشترک لیبرالیسم در ایران می‌کوشید تا افکار عمومی را از مسئله جنگ تحمیلی منحرف سازد ما به پیروی از امام امت خمینی کبیر همواره جنگ را بعنوان مسئله اصلی مطرح ساختیم و تیرهای اول روزنامه شاهدی بر این مدعاست.

در دوره اول جنگ یعنی چند ده روز آغاز حملات وحشیانه صدامیان علاوه بر خبرنگاران

تحمیلی تحت عنوان اخبار و گزارش‌های جنگی بچاپ رسیده را برایتان بازگو می‌کنیم.

روزنامه جمهوری اسلامی بعنوان نهادی از دستاوردهای پربرکت انقلاب اسلامی از بدو تاسیس تلاش گسترده‌ای را برای ایجاد یک تبلیغات سالم، بدور از هرگونه شائتاز و تروریسم خبری و در خور انقلاب اسلامی آغاز کرد تا آن جو مسموم تبلیغات رسانه‌های گروهی بجای مانده از دوران ستم شاهی را تخطیر نماید. و خطمشی اسلامی را چابک‌ترین آن کند و امروز در هزارمین شماره روزنامه همراه با رهنمودهای امام امت از درگاه احدیت خواستار نیل به این



که هم اکنون در صفحه یازده روزنامه به چاپ می‌رسد. مقالات سیاسی روزنامه که از شماره اول روزنامه تا بحال منتشر گردیده است انعکاس وسیعی در مطبوعات جهان داشته و اکثر پیش بینی‌های نویسندگان صفحه سیاسی درست درمی‌آید. به عنوان مثال یکی از برادران در تفسیر سیاسی پیش بینی کرده بود که امین جمیل به عنوان رئیس جمهوری لبنان منصوب خواهد شد و این مطلب پس از اجرای انتخابات فرمایشی در لبنان پس از انفجار دفتر حزب کتابت و کشته شدن جمیل درست درآمد و امین جمیل بر مردم لبنان تحمیل گردید.

در صفحه سیاسی روزنامه همچنین مقالاتی راجع به مطالب زیر به چاپ رسید:

• تشریح جنایات صدام و افشای چهره واقعی او، و ارتباطات وی با شیطان بزرگ.

• برآمده ساختن مزدوری حکام مرتجع عرب.

• بیان نقش مقامات آمریکائی و ارتباط آنان با صهیونیستها و اقدامات روسای جمهوری آمریکا.

• شناساندن دشمنان واقعی اسلام به مردم مسلمان ایران.

• شناساندن انقلاب فلسطین از آغاز تا امروز.

• تعیین پایگاههای آمریکا در منطقه خاورمیانه، آسیا، اقیانوس

بردیم برادران حزب‌اللهی مشتاقانه خود توزیع روزنامه را بعهده گرفته و با این عمل منظرمای را بوجود آورده بودند که هرگز فراموش شدنی نیست

همچنین در پایان مراحل مقتطف عملیات خبرنگاران و عکاسان اعزامی ما گزارشات ویژه‌ای را از منطقه حمله تهیه و بچاپ رساندند که در تشریح موقعیت و حساسیت و اهمیت عملیات و منطقه آزاد شده و ترسیم تصویری از آنچه در حمله پیروز اسلام گذشته موثر بوده است در این گزارشات تأثیرات سیاسی و نظامی عملیات تحلیل و بررسی شده است. از سوی دیگر در آستانه برگزاری سالگردهای دوساله جنگ تحمیلی و ویژه‌نامه‌هایی که حاوی مطالب متنوع در مورد جنگ باشد منتشر شده است که در آن ضمن مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی و نظامی تاریخچه‌ای از جنگ تحمیلی و اثرات آن بر مسائل مختلف کشور و مشروح عملیات گذشته و دهها مطلب دیگر بچاپ رسیده است.

اجمالی صفحه ورزشی روزنامه جمهوری اسلامی در طی هزار شماره فعالیت خود می‌باشد لازم نیست تا فساد و خیانت رژیم گذشته را در زمینه‌های ورزشی بر شماریم چرا که هم اینک نیز باگوش هوش در می‌یابیم که اکثر مشکلات و نابسامانیهای ورزش، یک صدا فریاد می‌زنند «این همه آوازه‌ها از شاه بود!!» توجه به این واقعیت که در اثر تبلیغات بیگانگان و نفوذ فرهنگ آنان و خواست رژیم وابسته شاه، فرهنگ مستقل این آب و خاک کم‌کم از خود بی‌خود و بی‌هویت می‌گشت ما را بر این میدارد که به تأثیرات این فرهنگ وابسته در کلیه شئون اجتماعی منجمه جامعه ورزش ایران نظر افکنیم، بی‌شک اگر فرهنگ ورزشی ما سالم می‌بود چنین دگرگونی عظیمی در هدف عالی آن که همانا تقویت جسم و روح و معنویت انسان خسته اسیر دست ماشین امروزی است پیش نمی‌آمد و امروز ما نه تنها ورزشکارانی صدرنشین داریم بلکه انسانهایی متکامل به لحاظ ابعاد معنوی و روحی همچون گذشته‌های دور در محافل ورزشی ما می‌درخشیدند. این امر بدان معنی نیست که خدای نکرده بگوئیم ورزشکار صدرنشین با معنویت نداریم بلکه تنها بیان این واقعیت است که آن تعداد که می‌باید داشته باشیم نداریم به هر حال با چنین القائاتی که رژیم گذشته توسط رسانه‌های گروهی خود تبلیغ می‌نمود انگیزه انسان ورزش دوستی که به میدان می‌آمد چیزی جز قهرمان شدن، برنده شدن، مدال گرفتن، اول شدن، و ... نبود. چرا که تنها چیزی که بدان توجه می‌شد بعد ظاهری و جسمی ورزشکار و هر آنچه را که به عمد نادیده می‌انگاشتند بعد معنوی و شخصیت حقیقی انسان ورزشکار بود.

مسئولیت دیگر روزنامه در زمینه اخبار جنگ انمکاس اخبار درگیری با صدامتلاوی و پاکسازی مناطق غرب کشور از لوث وجود مهاجمین خود فروخته است در این زمینه علاوه بر اخبار عادی چگونگی آزادسازی مناطق حساس و استراتژیک بطور جامع و گاهی با گزارشات اختصاصی درج گردیده است و برای نمونه بایستی از رحمت طلقت‌فرسای شهید اسماعیل افراسیابی در تهیه گزارش از عملیات آزادسازی بوکان قدردانی کرده و یاد او را در هزاره روزنامه گرامی بداریم.

بهرحال تمامی این کارها در مقابل آن جانفشانی دلاوران اسلام واقعا قابل ذکر نیست و باید بجای ذکر مطالب فوق از فعالیت‌های آن عزیزان سخن بمانیم آوریم که اینک در صحنه‌های پیکار حماسه‌های صدر اسلام را تکرار کرده و بر افتخارات تاریخ سیرخ گون اسلام صفحاتی کم نظیر و شاید بی نظیر افزودند.

نقدی اجمالی

ورزش

بسم‌الله الرحمن الرحیم اگر بخواهیم مثنوی ورزش ایران را بررسی کنیم هفتاد من

زمانیکه تب رفتن به المپیک مسکو از جانب نغمه‌سرایان و سینه‌چاکان غربزده و شرق باور تفسیر و تعبیر میشد. برعهده‌ی که داشتیم گفتیم: مگر فرد متعهدی میتوان پیدا نمود که صدای خردشدن استخوانهای سینه مجاهدین افغانی را زیر چکمه‌های فشار و استبداد قشون روسی کاخ سیاه کرملین بشنود و دم برنیآورد و در المپیک شرکت کند

اگر بخواهیم مثنوی ورزش ایران را بررسی نماییم هفتادمن کاغذ برای بیان گوشه‌ای از بلائی که بر سر آن رفته است بسنده نخواهد بود

کاغذ برای بیان گوشه‌ای از بلائی که بر سر آن رفته است بسنده نخواهد بود. در این مقوله که غرض نقد

شدند. این سازمان عریض و طویل با ماهیت غیرانسانی خود به فعالیت تخریبی خود ادامه می‌داد چرا که هنوز روابط طاعتی بر ارکان آن حکمفرما بود و در راس آن عناصر لیبرال و سازشکار وجود داشت. آنان به این‌گمان که تنها با رفتن شاه تمام نابسامانیها حل شده به فکر چاره و اصلاح امور سر نیامدند بلکه خود مانعی بررگتر شدند که ورزشکاران مسلمان و متعهد گواه صادقی بر این مدعایند.

روزنامه جمهوری اسلامی بارها و بارها با چاپ مقالاتی در زمان دولت موقت اعتراض خود را به جو نامساعد و غیر

نموده و به نام آزادی دربیوق کرده و با این حیلله محیطهای برادرانه ورزشی را به مراکز تجمع صدامتلاوی و خصمانهای تبدیل نموده بودند که تنها به سود دشمنان انقلاب اسلامی ایران بود. روزنامه جمهوری اسلامی در این رابطه با چاپ سلسله مقالاتی خواهان پایان بخشیدن مسئولین آن زمان به این بازیهای کودکانه شد که حوشبختان با استیصال عموم مردم و ورزشکاران مواجه و مورد تشویق قرار گرفت.

ورزش و اسلام بااستفاده از آیات قران کریم و احادیث معتبر، مقالاتی دربارۀ ورزش در اسلام

ورزشکار باید پارانقلاب و برای اهداف مکتب انسان‌ساز اسلام کوشش نماید. آری یک اندام رنجور و نحیف نه تنها انسان را از خودممتنفر می‌کند بلکه چنین شخصی نمی‌تواند خدمتگزار جامعه و مردم باشد. و خداوند هنگامیکه از یک بنده پاک و صالح نمونه می‌آورد به قوای بسپدیده، ظاهر و باطن او اشاره می‌کند.

حضرت علی امیرمومنان(ع) نیزانتظار و تمایل شدید خود را به عبادت و بندگی، ابراز می‌فرماید و تقاضای سلامتی و تمنای قدرت می‌نماید تا انسانی خدمتگزار و عابد حوبی باشد.



تحریم المپیک مسکو در آن روزها رفتن و یا نرفتن ورزشکاران ایران اسلامی به المپیک مسکو در میان افشارمردم مسلمان و شهید داده و ورزشکاران و ورزشدوستان مسئله روزبود و هر کس بنا به میل و سلیقه‌اش اظهارنظر می‌نمود و دراین رابطه روزنامه‌ها، مجلات ورزشی و برنامه به اصطلاح ورزش و مردم تلویزیون به موجب ذوق و منافع خودتفسیروتعبیر می‌کردند و تب حضور درالمپیک را ایسان آگاهانه و ناآگاهانه نالایمی‌بردند.

و با وقاحت عنوان می‌داشت که چون سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مصادف با المپیک مسکو می‌باشد بهتر است ورزشکاران ایرانی به المپیک روند. به دنبال سخنان شاه حسین کمپته تشکیلاتی که از سرگردگان وی بود تصویب کردند تا تمهات کشتی آزاد،

و حکومت جمهوری اسلامی، در روزنامه درج گردید و این مقالات، یاهوسرایان و قلمزنان شرق باور و غربزده را که میخواستند همچون گذشته ورزش را در جهت امیال خویش فرار دهند، رسوا و حرکت مزورانه آنها را درنطفه خفه نمود.

در این مقالات عنوان نمودیم که دین، توانائی و دانائی موجبات سعادت دو جهان را فراهم میکند. توانائی در این آیه در کنار دانائی آمده به این منظور که برای یک قهرمان ورزشی و ورزشکار ارزنده کافی نیست که فقط وزنه سنگین‌تر بردارد، مدال بیشتر ببرد، بهتر بدود، محکمتر شوت بزند، بالاتر بجهد. زودتر ضربه کند و... بلکه باید روح بردباری و تحمل مشقت نیز در اوقوی باشد. چنانچه نبی اکرم صی‌فرماید: نیرومند و توانا آنکس بیست که بر مردم پیروز شود، بلکه قهرمان کسی است که بر نفس خود غلبه نماید. و باز می‌فرماید: نیرومند و پهلوان کسی نیست که تنها در کشتی گرفتن رقیب را بر زمین بزند، بلکه نیرومند کسی است که هنگام خشم مالک نفس خود باشد. و نیز یادآوری‌های بسیاری شده است که ورزش بدون تقوا هیچ ارزشی ندارد و

اسلامی حاکم بر سازمان تربیت بدنی عنوان نمود و خواستار پایان بخشیدن به تجملات و تشریفات زاید این ارکان و اسلامی شدن فضای ورزشی گردید

بررسی محیطهای ورزشی:

توجه به ورزش از نوع غربی، که تنها در نظر گرفتن ابعاد ظاهری آن است از مشکلاتی بود که لیبرالها نه تنها بدان پایان نداده بلکه در جهت بهرموری از آن کوشیدند. موریانهای غرب رده برای خاموش کردن اعتراض امت مسلمان به درگیریهای ورزشی دامن می‌زدند به گونه‌هایی که

محیطهای ورزش را به مکانهای تحرک و درگیری ورزشکاران و مردم تبدیل نموده و با استفاده از شعار آزادی، پوششی برای خطاها و اشتباههای خود درست می‌نمودند و در این میان تنها مسئله‌ای که بدان اهمیت داده نمی‌شد همان ورزش بود. محیطهای ناسالمی که دراتر دشمنانها ناسراها و پرخاشگریهای فی‌مابین دو تیم و یا تماشاگران به وجود می‌آمد فضای مناسبی برای صدامتلاوی بود که سردمداران ورزش آن زمان که اکثر از عناصر وابسته رژیم گذشته بودند آنها ایجاد

فوتبال، کشتی فرنگی، مشت زنی، تیراندازی، دوومیدانی، دوچرخه سواری، شنسنا، شمشیربازی، قایقرانی در بازیها شرکت خواهند کرد و برنامه‌های مسابقات انتخابی هم اعلام شد. در این راه کسانی که افکاری وابسته و نیز خط فکر مستغلی نداشتند با معیارهای پوچ با سینه چاکان نغمه‌سرایان کردند و همزبان بسا شرق زدگان گردیدند. به دنبال اوج‌گیری تب المپیک برعهده‌ی که داشتیم وارد صحنه شدیم و با تمام قوا با منحرین به مبارزه برخاستیم گفتیم: مگر فرد متعهدی میتوان پیدا نمود که صدای خردشدن استخوانهای سینه مجاهدین افغانی را زیر چکمه‌های فشار و استبداد قشون روسی بشنود و دم برنیآورد و در المپیک شرکت کند.

مگر به این بود که سربازان روسیه اشغالگر برای کشتار مردم محروم افغانستان و سرکوبی مجاهدین آن دیار، کشور افغانستان را اشغال کردند. شورای انقلاب اسلامی به کوشش شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی المپیک مسکو را تحریم نمودند، چرا که ملتی مسلمان و مستضعف، تحت ستم کاح کرملین واقع شده بود. در آن روزها ناسرخردان و سارشان کسانان

در بوق و کرنا جنجال آفریدند که ورزشکاران ایرانی آمادماند و در بازیها فلان و بهمان می‌کنند لذا ایها نسا در یک بعد ورزشی خواسته و ناخواسته آب به آسیاب شرق و غرب می‌ریختند. بدین ترتیب با تمام توان ما هم طی مقالاتی به تحریم المپیک مسکو پرداختیم. و برادر شهیدمان حاج اسماعیل افراسیابی در محافل گوناگون فریاد بر می‌آورد که اینها کسانی هستند که میخواهند به هر وسیله خدمتی به ابرقدرتها کنند. حاجی رحمه الله می‌گفت: ورزشکار اصیل علاوه بر قوای بدنی و تن ورزشیده، صاحب تحمل و سجایای اخلاقی نیز باید باشد و این ورزشکار که با نفس خود در ستیز است، پس جهاد اصغر را فراموش نمی‌کند. ورزشکاران متعهد ایران اسلامی هم امپریالیسم جنایتکار آمریکا را محکوم می‌دانند، و هم نظام فاشیستی روسیه شوروی را که برادران و خواهران افغانی ما را به خاک و خون می‌کشند.

و باز گفتیم: چرا باید ورزش کاران ایرانی در بازیهای المپیک که فقط به خاطر زد و بندهای سیاسی شرق و غرب انجام می‌گردد، شرکت کنند و چگونه تحمل چکمه پوشهای سیاه کرملین را در سرزمین اسلامی برادران افغانی نمایند. و آن روز فراموش نشدنی بود که ورزشکاران ما به رهبری پیامبرگونه امام امت شعار نه شرقی و نه غربی را به اثبات رساندند تا دروغ مستجاوزین را برملا ساختند و نیز ورزشکاران قهر انقلابی و کوبنده خویش بردهان دروغپردازان کوبیدند. البته ورزشکاران جمهوری اسلامی که سفیران و پیامبران شهدای ما هستند با شرکت نکردن خود پاداشی عظیم در پیشگاه معظم اسلام به دست آوردند و قهر انقلابی آنان باعث گردید تا بر سکوی انسانیت بایستند.

فرزند راستین انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم
 یک هزار شماره از تاریخ انتشار فرزند راستین انقلاب اسلامی ایران میگذرد، مولودی که بی شک و به اعتراف دوست و دشمن شناسنامه و تاریخی درخشان در تاریخ انقلاب ما به همراه دارد.

این نمره طیبه که در تاریخ نهم خردادماه سال پنجاه و هشت یا به عرصه جهان پرتلاطم مطبوعات گذارد دوران انتظار و حمل بسیار طولانی و درازی را پشت سر داشته و کوله باری بس سنگین بردوش دارد.

نخستین مراحل تکوین فرزند برومند انقلاب به سالهای دور ۴۲ بازمیگردد، هنگامی که اولین اطلاعیهها و پیامهای دستنویس در زیرزمینهای تارک و نمور قم، تهران، اصفهان، شیراز، آذربایجان، خراسان و... بازنویس شد. دستنوشتههایی که پیک قیام و اسلام شد و فریاد مظلومیت اسلام و مسلمین را به سراسر کشور و حتی جهان رساند. اعلامیههایی که با دستگامهای نپه‌دار فتوکپی و ماشینهای تایپ قدیمی و از کار افتاده در دل شب مزین به مهرولی فقیه منتشر میشد و صبحها در تیرازی هر چند اندک، خوانندگان مشتاق و چشم انتظار در هیات، مجالس، دانشگاهها، اصناف، کسبه و مردم داشت.

چاپخانه بلکه صدها چاپخانه داشت و اندکی پس از چاپ اول در حجرهای تاریک و در شعاع نور چراغ موشی‌ها به صدمین و یا حتی هزارمین چاپ خود میرسید.

... زمان با تمامی تلخی‌ها و شیرینی‌هایش سپری شد تا آنکه صبح صادق دمید و انقلاب پیروز گشت و سازندگیها و تلاشهای بی‌وقفه آغاز شد ولی تازیانههای استعمار از کانال مطبوعات به تن تازه شکل گرفته انقلاب را نواخته شد و رفته رفته بر تعداد ضربات زهر آگین آنها افزوده میشد تا آنکه سخن از تولد روزنامه‌ای در جامعه مطبوعات رفت. لاشخوران و باج خوران استعمار دست به یکدیگر داده و تصمیم از میان بردن آن گرفتند ولی از آنجا که مشیت الهی چنین بود که این مولود زاده شود، زائیده شد و پا به عرصه جهان مطبوعات گسازد. لاشخوران و ناخلفان که داعیه پدر خواندگی انقلاب داشته و برای خود تاریخ و عسیراتی قائل بودند خویش را پیش

مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی ایران و سایر کشورهای جهان پیرامون مسائل بین‌المللی است. از آنجا که منابع خبری جمهوری اسلامی ایران هنوز امکان پوشش خبری در تمامی کشورهای جهان را ندارد، لذا این سرویس بساچار از منابع خبری دیگر از جمله خبرگزاریها نیز استفاده می‌کند. تردیدی نیست که خبرگزاریها و شبکه‌های مسلط تبلیغاتی جهانی همواره تلاش می‌کنند تا اخبار و رویدادهای جهان را مطابق دلخواه خود و براساس نیاز و اصول سیاست خارجی کشورهای متبوع خود گزارش نمایند و طبعاً اخبار ارسالی که بعضاً حتی ارزش خبری قابل ملاحظه‌ای هم ندارد و صرفاً یک شایعه است.

در نتیجه وظیفه دیگر این سرویس را میتوان اینگونه بیان کرد: بررسی صحت اخبار تا سرحد امکان و همچنین موضع‌گیری در قبال حوادث و رویدادهای جهانی و بخصوص در رابطه با جهان اسلام و کشورهای جهان سوم. موضع‌گیری در برابر رویدادهای جهان اسلام از جمله طرح ننگین فهد، عملکرد سازشکارانه و خفت‌باری‌های مرتجع منطقه و حوادثی از قبیل تجاوز وحشیانه صهیونیستها به لبنان یکی از وظایف اصلی این واحد تلقی میشود.

سرویس سیاسی (بخش داخلی): این سرویس نیز نقش بسیار فعالی در روزنامه عهده‌دار است. عمده مسئولیت این سرویس مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی مملکت از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزرای کابینه، رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس، شوراهای عالی قضائی، شورای نگهبان، و... میباشد، که سهم ویژه‌ای در انتقال جریان‌ها و سیاست و بیان تحولات و مسائل نارسایهای سیاسی-اجتماعی بعهده داشته است. این سرویس در مدت فعالیت خود با انجام صدها مصاحبه اختصاصی با مسئولین مملکتی در میان سایر مطبوعات از برجستگی خاصی برخوردار است.

از دیگر وظایف این سرویس تهیه و تنظیم گزارشات کامل جلسات مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت و همچنین تدوین گزارشات و انتخاب تیترهای مناسب با مطالب میباشد.

بخش عقیدتی: بخش عقیدتی-مذهبی از فعالترین و کارآمدترین سرویسها بوده که بدون شک فعالیت چشم‌گیری در ارائه عقاید پاک اسلامی و بیان ارزشهای انسانی عهده‌دار بوده است. این بخش به لحاظ گستردگی و عمق فراوانی مباحث از تعدادی کسب‌وکار دائم و ثابت بهره‌مند میباشد که ضمن ارائه مباحث عقیدتی مطالب ارسالی را نیز پس از تنظیم و تدوین آماده چاپ در روزنامه می‌نماید.

این بخش از چندین گروه کوچک تحقیقاتی برخوردار است که بطور مستمر و دائم بر روی موضوعات مختلف مطالعه میکنند و پس از مدتی نتیجه تحقیقات خود را ارائه میدهند که تقریباً هر روز در صفحه عقیدتی روزنامه به چاپ میرسد.

با نگاهی مختصر به حجم مطالب عقیدتی که در این روزنامه بجای رسیده به اهمیت و فعالیت این سرویس و نقشی که در بارور ساختن جامعه اسلامی داشته بخوبی روشن‌نمایان میشود.

سرویس اقتصادی: کارگری: سرویس اقتصادی کارگری در حوزه مسائل اقتصادی و فعالیت‌های کارگری در سطح کشور فعالیت دارد و نتیجه این فعالیتها صفحهای است تحت عنوان «اقتصادی و کارگری» که تقریباً بطور روزانه چاپ می‌شود. بسا توجه به گستردگی حوزه عملیاتی این سرویس که شامل وزارتخانه‌های مختلف و ادارات تابعه می‌باشد تهیه و چاپ مطالب از طرق مختلف انجام می‌شود. خبرنگاران تابعه این سرویس در سراسر کشور ضمن کسب اخبار و اطلاعات اقتصادی و کارگری در حوزه خود به دو طریق تلفن و پیک اخبار خود را به تحریریه روزنامه ارسال داشته و گروه تدوین اخبار بر روی آنها کار کرده و اخبار آماده شده را تحویل گروه فنی میدهند. لازم به یادآوری است که در کنار فعالیت‌های خبرنگاران روزنامه، از اخبار داخلی و خارجی خبرگزاری جمهوری اسلامی و واحد مرکزی خبر و بولتن‌های رسیده نیز استفاده می‌شود.

گزارشات خبری از مراکز اقتصادی و کارگری است. از آنجا که روزنامه جمهوری اسلامی زائیده انقلاب خونبار اسلامی امت بساخواسته ایران است در کنار پرسنل رسمی سرویس، کارگران و کارکنان اکثر کارخانجات و مؤسسات اقتصادی کشور بویژه اعضای انجمنها و شوراهای اسلامی و روابط عمومی وزارتخانه‌ها همکاری صادقانه و چشمگیری را با این سرویس انجام میدهند که اخبار و اطلاعات رسیده توسط این گروه پس از پیگیری و انجام مراحل مختلف به چند دسته تقسیم می‌شود. قسمتی از این اخبار که قابل چاپ در روزنامه است به قسمت فنی و قسمتی که مربوط به سایر قسمتهای تحریریه است به سرویسهای مربوطه و بخشی را که جنبه عام نداشته از طریق روابط عمومی داده و یا به مقامات ذیصلاح مملکتی ارجاع می‌شود.

سرویس خبری: این سرویس روزانه کار خود را با تماس با حوزه‌های خبری و ایجاد ارتباط و خبرگیری از ارگانها و نهادها، وزارتخانه‌ها و... آغاز میکند و بمحض کسب اخبار آنها را تنظیم و آماده چاپ می‌نماید. همچنین در این سرویس مصاحبه‌های مختلف خبری با مسئولین و شخصیتها انجام میشود. در هر لحظه بمحض وقوع حادثهای در محل حادثه حاضر شده و خبر آن را به طور کامل آماده درج در روزنامه مینماید. در این سرویس همانند سایر سرویسها، یک نفر بعنوان دبیر سرویس حضور دارد که اخبار تنظیمی خبرنگاران را پس از مطالعه تسلیم قسمت فنی روزنامه می‌نماید.

منابع خبری این سرویس غیر از خبرنگاران که بصورت فعال همه روزه از سطح شهر رویدادها را به روزنامه اطلاع میدهند عبارت است از:

وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و آموزش عالی- وزارت پست و تلگراف و تلفن- وزارت بهداری- وزارت کشور- وزارت ارشاد اسلامی- سازمان بهزیستی کشور- سازمان امور اداری و استخدامی کشور- سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران- کمیته‌های ۱۴ گانه تهران و ستادهای وابسته-

هر مسلمانانی مکلف است طرح‌هایی از قبیل طرح سادات وفهد را رد کند

سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد: ...

جمهوری اسلامی

مسلمانان کرده‌مانده لشکر ۸ و دهه افشور بازگراکی را بهلاکت رسانند

مخبر و صفر است که اسلام از زنده نگه داشته است

فردا ملت ایران لیه خیانت‌های ارتجاع منطقه راهپیمائی میکند

مردم از ماوشما انتظار دارند که ناستکنار جهانی مقابله کنیم

جمهوری اسلامی

توبخانه ایران پایگاه تجمع دشمن در مقابل ماورانا بود کرد

شهادت انقلاب

مخبر و صفر است که اسلام از زنده نگه داشته است

ناویگهزارتنی نیر و بر عراق غرق شد

جمهوری اسلامی

مجلس مادر دینان فداکار و مکتوب است

امروز یازدهم و مشهد تعطیل است

استادشرفی لویه و جمله به خور کتکب کرد

مجلس مادر دینان فداکار و مکتوب است

امروز یازدهم و مشهد تعطیل است

استادشرفی لویه و جمله به خور کتکب کرد

ناران تهران - شهر بانی
کلاتری های تهران -
ور مهاجرین جنگی -
کن - شهرداری تهران و
سازمانهای تابعه (آتش
اداره راه - نمائی و
- تصادفات - سازمان
- سازمان ترافیک
کت واحد اتوبوسرانی -
یمای جمهوری
ستاد انقلاب فرهنگی -
نشگاهی و سازندگی
بوابیامی کشوری - راه

میشود در هیچ روزنامه دیگری
بافت نمیکرد و در هفته لاقبل
۴ تا ۳ صفحه از روزنامه به این
گزارشات اختصاص می یابد.
همچنین گزارشات ویژه ای از
نقاط محروم کشور، نیازمندیها و
مشکلات اهالی آن مناطق هر
چند گاهی منتشر میشود که در
آشنا ساختن مردم و بخصوص
مسئولین با این نقاط و نوع
کمبود و محرومیت های آنها سهم
بزرگی دارد.

خود دشواریهایی دارد و ضمنا
بدلیل جوی که بر مطبوعات
رژیم گذشته حاکم بود این
روزنامه می بایست در جهتی گام
بردارد که در ضدیت کامل با این
ارزشهای انسان فریب باشد لذا
از ابتدا به شکل انتشار صفحاتی
در لا به لای روزنامه به مسائل
نگاهی داشته و زمانی به انتشار
ویژه نامه های فرهنگی و هنری
اقدام کرده و هر چه بود همان
تحقیق بخشیدن به ارزشهای الهی
فرهنگ بود. همکاران سرویس
فرهنگی هنری ما معتقدند زمان
انتشار هفته نامه فرهنگی و
هنری پر تلاش ترین کارهایمان
بود، وسعت ارتباط اجتماعی را
به عینة لمس کردیم و قریب

این جمع هم گردهم آئی لازم را
برای ادامه کار بشکل مداوم از
دست داد و ضرورتا به انتشار
صفحات روزنامه با عنوان صفحه
فرهنگی و هنری اکتفا کردیم .
در این فراز و نشیبها تجربه ها
آموختیم، تازه گیها یافتیم و
رشدنا پذیرفتیم و آمادیم تا در
روال کاری خویش به اعتماد
خوبشتن مطمئن باشیم و بر آنیم
تا به حول قوه الهی آنچه را در
شان صفحه فرهنگی و هنری
روزنامه است عیان نموده
ورسالتی از فرهنگ پر بار و غنی
روزنامه را بر شما خوانندگان
عزیز که مایه امید ما در فراز و
نشیبهای چند ساله کوتاه
حیاتمان بوداید عرضه داریم.
باشد تا این مجرای ارتباط ورقی

نیست لذا برای اینکه خوانندگان
ضمن آگاهی از محتوای مطالب،
از درهم ریختگی مطالب و
خستگی در مطالعه در امان
باشند چگونگی فرم بخشیدن
صفحات و اندازه تیتر و جای
گزینی عکسها در صفحات
روزنامه و استفاده از طرحهای
هنری توسط هنرمندان
گرافیک انجام میشود. لذا فرم
نسبتا زیبای صفحات روزنامه که
شما خواننده عزیز همه روزه با
آن تماس دارید توسط بخش
گرافیک فرم بندی میشود.
همچنین حاصل تلاش این
سرویس را در ویژه نامه های
روزنامه بخوبی میتوان مشاهده
کرد.

بر این بسیاری از
ا و حوادث شهری را
مردم با تلفن باین
اطلاع میدهند. اعضای
خبری همه روزه با منابع
بوق در تماس هستند و
ویداد های مختلف را از
ب می کنند. علاوه بر
روزه اخبار مختلف
را که عمدتا از مراکز
بیه می شود از طریق
لکس در اختیار سرویس
زنامه قرار می دهد. این
در هر یک از منابع فوق
د نفر رابطه خبری دارد
مربوط را از آنان کسب
یا اخباری که شخص
نهی میکند به تالیف
سند. سرویس خبری
بدلیل وسعت کار و
و کثرت منابع خبری
تی از فعالیت پرسنل
ر باشد. تعدادی از
ستقیما مسئولیت تهیه
نعداد دیگر مسئولیت
ایب و تصحیح اخبار را
ند.

س شهرستان
، ارائه اخبار مختلف
ا، بخشها، شهرها و
بای کشور بعهده این
ست.

برویش بعلت زمینه
که برای فعالیت دارد
، گستردگی و تنوع زیاد
ارشا و رویدادها از
ترین قسمتهای روزنامه

ین مسئولیت در این
بده خبر نگاران روزنامه
تان است بدین ترتیب
نگاران شهرستانها که
با متجاوز از دویست نفر
یع جاری در روستاها و
ی تابعه حوزه فعالیت
د دفتر روزنامه در تهران
میکند و سپس اخبار
بسط برادران سرویس
ان تنظیم و تدوین

ب از نتایج فعالیت این
را هر روز در صفحه اخبار
ملاحظه میکنید که از
وزهای شروع جنگ
رخدادهای لحظه به
بهای نبرد حق علیه
به اطلاع امت شهیدپرور
، روزنامه جمهوری
بیشتر از سایر روزنامهها
اخبار جنگ اهتمام
ست که نتایج آمار گیری
اداره مطبوعات داخلی
شاد اسلامی انجام شده
سطلب را تأیید میکند.
رمیان مطالب روزنامه
بیشترین حجم را اخبار
به جنگ به خود
داده است.

رگزاری نماز جمعه در
شور نیز از دیگر ثمرات
برادران در سرویس
ن است. تفصیل و دقت
، این گزارشات بحدی
، نمونه اخباری که از
عبادی سیاسی جمعه در
جمهوری اسلامی چاپ

مسلمانان باکو بنفع
انقلاب اسلامی
تظاهرات کردند

جمعه ۱۶ آبان ۱۳۶۱ - ۱۳۶۱ - ۱۳۶۱ - شماره ۱ - سال اول

جمهوری اسلامی
نخستین شماره

امام:
امروز خطر در کار است

آنچه اهمیت دارد حفظ وجهه اسلام است

این هائی که در این کار هستند
انطور رفتار نکنند که اسلام را
یک دولت طاغوتی به ما عرضه کنند



سرمقاله
ما از کدامین پنجره

بر اثر هشتاد و هشتاد
در مسکن مسکن
مطابق با فرست
سرویس جمهوری
اسلامی به مسوالات
خبرنگاران پاسخ گفت
بچه در مجله

بمناسبت این مناسبت
انجمن مطبوعات جمهوری
اسلامی است که اعلام شده
است هفته انقلاب مسکن
خصوصا اینها که در این
کتاب هستند مسکن
و همچنین بنام مسکن
گفته است مسکن
جمهوری اسلامی هر چه
از آنچه که طبیعت اسلام
است نشان داده بود این
سالی در این همه امور
است اصول چیزی نیست
آنچه اهمیت دارد چیست
اسلام است که باید کوشش
کرد که این چیست حفظ
شود تا حال بر هم نیفتد
که دولت طاغوتی است و
گرایش پسین و پیشین
و این دولت طاغوتی وقت
سرمه از دولت اسلامی
واقع مارد که همه کارها
یک دفعه اصلاح کند این
بهره ای که در این کتاب
است نظیر رفتار نکنند
که انقلاب را هر صفت یک
دولت طاغوتی به ما عرضه
کنند اگر در این مسکن
باید به خطی که در این
موسسه کسبه اسلامی
حکومتی اسلامی در
این بافت مسکن که

از همه تقاضا می کنم
این اسلام را که الان
بدست شما افتاده
است وارونه نشان
ندیدید

بروز و در روزهای آینده
کتابی است که میباید
بخوانید و در دسترس
است

واحد فنی: در این واحد،
اخبار تنظیمی سرویسهای
مختلف پس از ثبت در دفاتر
مخصوص و تعیین ابعاد و
اندازه های فنی به چاپخانه ارسال
میشود. حتماً خوانندگان ما
اطلاع دارند که روزنامه بعلت
مشکلات مالی هنوز از چاپخانه
شخصی برخوردار نیست و
بالا جبار بر اساس یک قرارداد
تنظیمی مسائل فنی و چاپ را در
موسسه کیهان انجام میدهد.
مطالب تنظیمی از واحد فنی
روزنامه جمهوری اسلامی روانه
اتاق فرمان میشود که از آنجا نیز
پس از ثبت مجدد به قسمت
حروفچینی ارسال میگردد.
پس از اینکه تعداد و
مشخصات مطالب در دفتر اتاق
فرمان که بصورت منظمی
شماره بندی شده ثبت میشود در
قسمت حروفچینی ابتدا مطلب را

گردرد روشن از ارزشهای الوای
انسانی و الهی و امید که بیان
کننده اندیشههایی گردد متعدد
و مومن بر واقعیات عظیم انقلاب
اسلامی .
سومین بخش روزنامه، بخش فنی
است. این بخش در حقیقت از دو
قسمت فنی و گرافیک تشکیل
شده و امور فنی و صفحه آرایی و
طراحی روزنامه را بعهده دارد.
* بخش گرافیک: این بخش
که چندتن از هنرمندان
گرافیک و طراح را در خود
دارد امر شکل، فرم و چگونگی
ارائه بصری روزنامه را تعیین
میکند.
هنر گرافیک از زمینه های هنر
تبلیغی است که نقش مهمی در
مطبوعات دارد. تنها نوشته،
بدون توجه به شکل و فرم برای
خواننده قابل پسند و مقبول

به نیم سالی بر این روال گذشت
تا بر اساس شکلاتی که ناشی از
عدم چاپ هفته نامه به آن شکل
بود، جمع هفته نامه فرهنگی،
هنری پراکنده و هر کدام از
برادران در جایی دیگری بکاری
مشغول و از توبه روال ابتدای
روزنامه یعنی به همان انتشار
صفحات فرهنگی روزانه
پرداختیم تا امکانی مجدد فراهم
شد و جنگ هفته را با عناوین
فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
تجربه کردیم و این تجربه تازه
هم تاثیر مطلوب و خوشایندی از
جهت رشد کاری بر ایمان به
ارمان آورد. این روال تا هفتم
تیر سال ۶۰ یعنی همان روز
انفجار دفتر مرکزی حزب
جمهوری اسلامی ادامه یافت و
بعد از آن حادثه دلخراش
برادران بر اساس ضرورتها به
کارهای سنگین تری پرداختند و

مسائل، رویدادها و جریانات
روز میباشد.
شورای سردبیری همچنین
مسئولیت بررسی و تصمیم گیری
در مورد تنظیم صفحه اول
روزنامه را بعهده دارد.
* سرویس فرهنگی، هنری:
این سرویس در کنار دیگر
سرویس های روزنامه چهار چوب
مسائل هنری را قلم میزند. در
همان روزهای اولین، خطوط و
مشق فرهنگی روزنامه ریخته شد
و این سرویس با توکل و امید
سعی در به فرجام رساندن این
خطوط داشته، تا جرعه ای زلال
از فرهنگ حیات بخش اسلام در
راستای انقلاب شناخته و به
جامه بشناساند.
میدانید برای موسسه ای که
نویا باشد خصوصا با شرایط
روزهای انقلاب، کار کردن در
زمینه مسائل فرهنگی و هنری

سازمانهای تابعه (آتش
اداره راه - نمائی و
- تصادفات - سازمان
- سازمان ترافیک
کت واحد اتوبوسرانی -
یمای جمهوری
ستاد انقلاب فرهنگی -
نشگاهی و سازندگی
بوابیامی کشوری - راه



روزنامه جمهوری اسلامی از دید گاه

شخصیتها و شهدای محراب

روزی که اولین تلاشها در روزنامه بوبنیاد جمهوری اسلامی آغاز شد همه تلاشگران این مجموعه در این انگیزه بودند که رضای خدا را جلب کرده و دین خویش را به اسلام و انقلاب و به شهدائی که جان خود را فدای این آرمان کردند ادا کنند. در این راه علاوه بر دشمنی دشمنان و اظهار نفرت آنان آنچه برای ما امیدبخش و شوق آفرین بود رضایت و علاقمندی مردم به روزنامه و همچنین اظهار نظرات مثبت و تشویق کننده شخصیتهای مذهبی و انقلابی در این رابطه بود شخصیتهایی که هر کدام سهم بسزائی در شکل گیری و پیروزی انقلاب داشتند و برخی نیز در این راه به فیض شهادت نائل آمدند.

آنچه در زیر از نظر خوانندگان میگذرد چکیده‌ای از اظهار نظر این شخصیتها درباره روزنامه میباشد:

آیتا... دستغیب دومین شهید محراب

آنچه را که من میدانم و دیگران میگویند روزنامه جمهوری اسلامی خوب است و کلی این مطلب این است که هر روزنامه‌ایکه بخواهد تفرقه‌اندازی کند و بخواهد تضعیف ارگانهای انقلابی کند خلاف خط امام است و مورد تأیید ما نیست و اما نسبت به حزب جمهوری اسلامی هم باید یک تشکیلات باشد که کارهای مسلمین را حل کند و اگر این حزب هم مثل اولش باشد خوب است و بعضی افراد شکایاتی می‌آورند ولی فکر نمیکنم درست باشد من تاکنون خلاف خط امام در روزنامه و حزب جمهوری اسلامی ندیدم.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحيم
اگر خیلی توقعاتمان را بالا ببریم باید بگوئیم می‌توانسته است بهتر از این کار کند، اگر یک مقدار قانع و منصف باشیم، شرایط و ضرورتها را در نظر بگیریم باید بگوئیم انصافاً خوب حرکت کرده است، اما چیزی که من می‌توانم بطور کلی بگویم این است که در این پیچ و خمهای دوران انقلاب از روز اول که این روزنامه تشکیل شده تا امروز تنها روزنامه‌ای که خط مستقیم را از اول تا آخر ملاحظه کرده روزنامه جمهوری اسلامی بوده است و بسقیه روزنامه‌ها اینطرف و یا آنطرف افتادنها و چپ و راست رفتنهای بسیار داشته‌اند آن روزنامه‌ای که یک خط مستقیم را دنبال کرده و از آن خط منحرف نشده روزنامه جمهوری اسلامی است و آرشو این روزنامه هم گواه بر این مدعاست.

آیتا... صدوقی سومین شهید محراب

بسم الله الرحمن الرحيم
جمهوری اسلامی روزنامه‌ایست در جهت اسلام و انقلاب ارزنده و حاوی مطالب مفید بوده و هست. امیدواریم که همانگونه که موفق بوده خدمات خود را انجام داده بعد از آنهم کیفیت این جهت داشته باشد و بتوان در آینده بعد از انقلاب و بعد از پیروزی ما مادام که حکومت ایران اسلامی است این روزنامه بر قرار باشد و بتواند در راه اسلام و در راه انقلاب خدمت کند از این روزنامه کمال تشکر را داشته و داریم و موفقیت برادرانیکه در این راه عمر خود را مشغول میدانند از خدای متعال خواهانم. آنگاه خبرنگار ما از آیت‌الله صدوقی خواست که رهنمودهایی برای بهتر شدن روزنامه بدهند و ایشان فرمودند: این روزنامه باید سوء تفسیری در خود داشته باشد تا بنده بتوانم رهنمودهایی بکنم در زمینه‌ایکه تمام توجهات خودش را مبدول بخدمت اسلام داشته و میدارد و بی‌اندازه میدانم این روزنامه‌یست وزین و خیلی سنگین خیلی پر محتوا امیدوارم که انشاءالله همیشه موفق باشند. در راه خدمت به اسلام.

آیتا... اشرفی اصفهانی چهارمین شهید محراب

چون این حزب جمهوری اسلامی یادگاری است از مرحوم آیتا... شهید بهشتی که واقعا از افرادی که جای ایشان خالیست همین شهید مظلوم است که درباره او امام فرمود (عاش مظلوماً و مات مظلوماً) این است که این یادگاری ایشان باید باقی بماند و تقویت هم بشود روزنامه جمهوری اسلامی مقاله‌های مذهبی و دینی دارد که جنبه آموزشی دارد لذا این است که مردم باید شرکت بکنند و بیشتر استفاده بکنند.



آیتا... صانعی عضو فقهای شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحيم- روزنامه جمهوری اسلامی رسالتش را انجام داده و بعقیده بنده خوب هم انجام داده است. برای اینکه در آن زمانی که حزب الله و مطبوعات و افراد طرفدار خط راستین اسلام یعنی خط امام در مظلومیت بسر می‌برد، روزنامه در همان موقع بدون اینکه از «سرنش سرنش کسندگان» بترسد، اسلام راستین را معرفی میکرد و خط امام را نشان میداد. گروههای مخالف با اسلام و شرف انسانیت در روزنامه معرفی می‌شدند و با بیان و قلمی زیبا و قشنگ هم افشا می‌شدند و البته معرفی آن خطوط در آن موقع ارزشی بسیار والا داشت چرا که حالا همه در خط حزب الله هستند و مسئولین در خط اسلام حرکت می‌کنند. اگر روزنامه‌های حالا گروهکها را افشا نمایند خیلی مهم نیست آن روز واقعا دین خود را ادا کرد و این روزنامه واقعا دین خود را به اسلام ادا نمود و خداوند اجرش را خواهد داد.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
روزنامه جمهوری اسلامی تا کنون خدمت زیادی کرده است این روزنامه بدلیل اینکه ارگان یک حزبی است که از مهمترین نهادهای مردمی در خط امام است. طبعاً وظیفه بسیار عظیمی بعهده داشته و بنظر من در مراحل حساسی که بعد از انقلاب داشتیم. روزنامه جمهوری اسلامی با نوشتن مقالات خوب و بعضی از اخبار بموقع و حمایت از سیاست وقت کشور و خط دادن به خیلی از جریانها به انقلاب خدمات قابل توجهی کرده است حمایت از نهادهای انقلابی، مبارزه با لیبرالیزم و خطهای انحرافی کارهایی است که روزنامه جمهوری اسلامی کرده است. نوشتن مقالات خوب اپیدئولوژیکی و معرفی کردن چهره‌های صالح. تبلیغات مناسب در انتخابات و خیلی چیزهای دیگر از چیزهایی است که روزنامه جمهوری اسلامی از تاریخ کار خودش دارد.

حجت‌الاسلام امامی کاشانی

بسم الله الرحمن الرحيم
روزنامه در تهذیب یا تخریب افکار نقش بسزائی دارد و می‌تواند مغزها را رشد و یا به انحطاط بکشد و یا متحجر و جامد نگه دارد. اظهار نظر من در باره روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری اسلامی نسبت به مطالب نیست بلکه در باره جهت و هدف روزنامه و مهم هم همین است زیرا جهت نسبت به مطالب، به مرحله نیت نسبت به عمل است و پایه و اساس نیت و طرز تفکر می‌باشد و روزنامه جمهوری اسلامی بحمدالله از ابتدای تاسیس تاکنون خط نه شرقی و نه غربی را که خط دقیق اسلام است، هدف گیری می‌نموده و از اینجهت جای تشکر است. در تمام این گفته‌ها و خطوط شرقی و غربی که در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب پیدا شد، روزنامه جمهوری اسلامی خوب نشان داد که جهش جهت انقلاب است.

آیتا... خزعلی عضو فقهای شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحيم- روزنامه جمهوری اسلامی خوب و مطلوب است و تابعال چیزی که مخالف روحیه مسلمین باشد ندیدم و نوعاً در خط اسلام و رسالت آن این است که باید در خط انقلاب شکوهمند اسلامی باید بوده و رهنمودهای امام را باید قدم به قدم تأکید کرده و بسدیالش باشد و چیزهایی که ضد انقلاب و ضد این خط عزیز است در مقام مبارزه با آن باشد و ای افزود روزنامه جمهوری اسلامی باید هرچه بیشتر بتواند افراد متدین را بهتر جذب نماید و به طرز بیان و مقالات و مطالب، بیش بیشتر بدهند که گویا در صدد همین هم هستند و بنده این موفقیت را برای آنها آرزو می‌کنم و این انتظار را دارم. و باید تحریکات و حوساریهایی که گروهکها می‌کنند با بیداری دقیق برکنار باشند. و بحمدالله روزنامه جمهوری اسلامی در این موارد هوشیار است.

آیتا... جنتی عضو فقهای شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحيم- من روزنامه جمهوری اسلامی را روزنامه وریسی می‌بایم روزنامه‌ای است که اتقان در عمل دارد و نقل‌هایی که می‌کند قابل اعتماد است و در جهت گیریها هم روش مناسبی داشته است در طول این مدت و در شرایط مختلف و در این تحولات امتحانش خوب بوده است، حالا نمی‌خواهم بگویم که برماش ۳۰ است ولی بنظر من امتحان خوب بوده و نمره بالاست و مخصوصاً در جریان سی‌صدر و آن اختلافاتی که در آن زمان بود و آن موضع گیریهای صد درصد ناروا و نابجائی که روزنامه می‌زد و انقلاب اسلامی داشتند موضع گیری روزنامه جمهوری اسلامی در مقابل آنها موضع متینی بود و این بنظر بنده قابل تقدیر است چون نوعاً در اینطور مواقع است که معلوم می‌شود هر کسی چکاره است. و موقعی در مقابلش دشمنی قرار میگیرد یا رقیبی پیدا میشود و آنها شروع میکنند بسی حد و حساب شلوغ کاری و اگر روزنامه‌ای در این میان توانست توازن خود را حفظ کند این یک مورد ارزنده‌ای است و این کار را روزنامه جمهوری اسلامی کرد و بنده به سهم خودم از موضع روزنامه جمهوری اسلامی تقدیر می‌کنم.

دکتر عباس شیبانی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

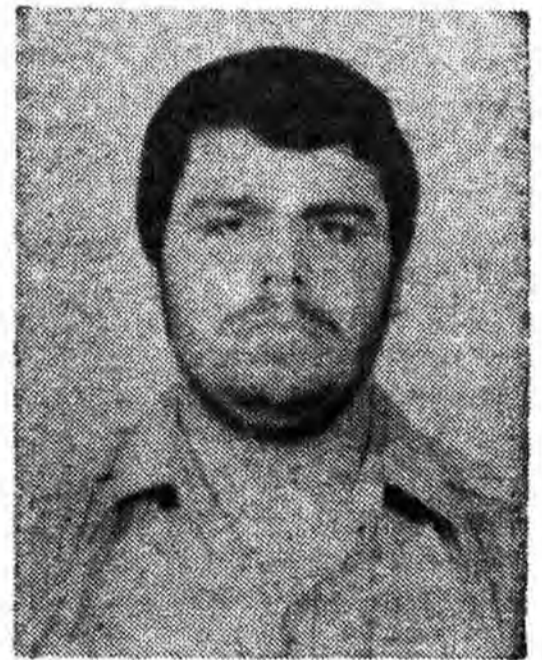
بسم الله الرحمن الرحيم- با اطلاعی که از نظر مسئولین روزنامه جمهوری اسلامی دارم بدلیل عدم امکانات از قبیل نداشتن چاپخانه و کاعده مقدار کافی و دیگر مسائل آنطور که دلخواهش بوده نتوانسته است حواسگیری در حواسهای روزافزون خوانندگان باشد ولی با همه اینها حداکثر کوشش و تلاش خود را در جهت به ثمر رساندن اهداف انقلاب کرده است.

یادشدهای روزنامه

در این هزارم که روزنامه جمهوری اسلامی پشت سر گذاشت و در این هزارگامی که برداشته است. همپای دیگر ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی، شهدائی را تقدیم انقلاب مقدس اسلامی نموده است.

با ذکر یاد مختصری از برخی از شهدای روزنامه، یادآنان و دیگر شهدای راه حق را در هزارمین شماره تولدگرامی میداریم.

برادر شهید احمد غدیریان



تاریخ شهادت: ۲۷ شهریور ۱۳۶۰
شهید احمد غدیریان فرزندی صالح از تبار عاشقان پاکباز غدیر که در امتداد جاده خوبیین ایثار عاشقان لقاالله به دیدار محبوب شرافت و با خود حماسه‌ای از عشق و ایثار را به یاد نشاند، از موفق‌ترین خبرنگاران روزنامه جمهوری اسلامی در تهیه گزارشات جبهه‌های نبرد حق علیه استکبار جهانی بود.

شهید احمد غدیریان از آغاز جنگ تحمیلی به کار تهیه گزارش از جنگ اشتغال داشت و از آغاز حملات وحشیانه صدامیان به خاک مقدس جمهوری اسلامی به عنوان گزارشگر روزنامه به جبهه‌های نبرد عازم شد و در این راه لحظه‌ای رکود و سستی به خود راه نداد او که به سوی عشق آمده بود در هنگامه پیکار عاشقان چگونه میتوانست آرام باشد؟

تازه‌ترین اخبار جنگ و حماسه آفرینی‌های رزمندگان راهمواره از او در اختیار می گرفتیم و اوست که به سنگر در کنار رزمندگان کفر ستیز سپاه اسلام، در شرح آنچه در جبهه‌های نور می گذشت کوشا بود.

و سرانجام او نیز نشانه گشت و زخمی که از روسایان وابسته صدامی براو وارد آمد، او را به دیدار محبوب کشاند و در حالی دیدار را رخصت یافت که در خطوط مقدم به تهیه گزارش از سلحشوری سپاهیان اسلام در عملیات شهید مدنی کهدر غرب سوسنگرد انجام می گرفت، مشغول بود و او گزارش رزم پر صلابت رزمندگان را با عطر خون خویش معطر ساخت و آخرین خبر را از ماز به خون گرفته خود اینگونه فریاد کرد که: الله اکبر.

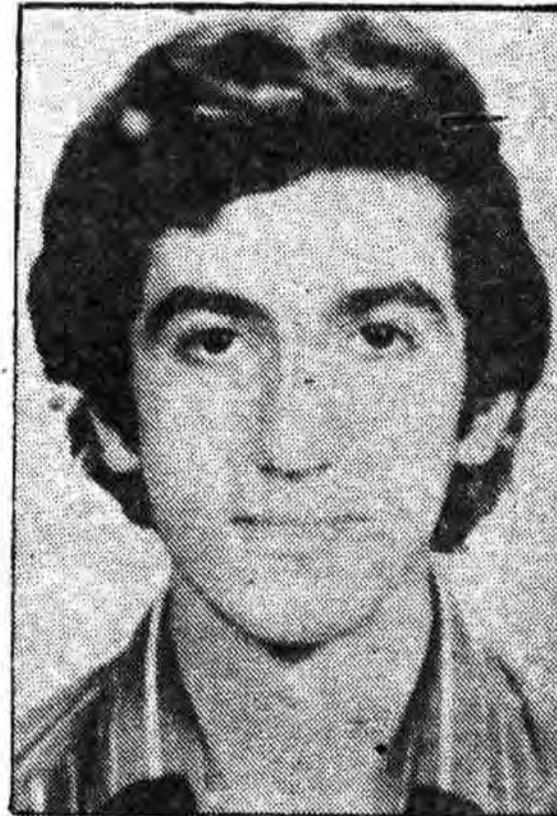
تکبیری سرخ از گلولی خونین و از حلقومی که برای همیشه بازماند، تا برای همیشه آوای او را در گوش جانها طنین انداز گرداند.

پادش گرامی، روانش شاد

شهید حمید تواضعی

شهید حمید تواضعی، از چهره‌های پرکار و فعال تحریریه روزنامه بود، او تحصیلاتش در آمریکا بود و سال چهارم مهندسی را طی میکرد که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بلافاصله به ایران مراجعت کرده و خود را وقف انقلاب نمود، با اینکه یکسال به اتمام تحصیلاتش باقی بود شور عشق انقلاب او را به وطن اسلامی کشاند و بیست سال بیشتر نداشت که شهید شد حمید پس از مراجعت به ایران در همان اوان برپائی به روزنامه آمد و به تحریریه پیوست که ضمن نویسندگی مسئول بخشی از سرویس ترجمه نیز بود و شبانه روز لحظه‌ای را از تلاش دریغ نداشت.

سلامت نفس و صداقت این شهید عزیز در



میان اعضای تحریریه زبانزد بود و بجز شهادتش تاثیر چشمگیری بر روحیه کارکنان روزنامه داشت.

حمید تواضعی در اوایل شهریور ماه ۵۸ به اتفاق سه تن از برادران اعضای جهاد سازندگی، ناصر ترکان، حمید شیری و شهریار ملک‌کنندی در سردشت بدست مزدوران دموکرات ناجوانمردانه بشهادت رسید و در هزارمین شماره روزنامه یادش را گرامی میداریم و راهش را پررهور.

شهید فتح‌الله ژیان پناه



شهید فتح... ژیان پناه، خبرنگار روزنامه از اولین یاران و همسنگران تحریریه بود، ۲۴ سال داشت و یک دختر یادگار اوست:

این شهید عزیز ضمن عضویت در گروه تحقیق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عضویت در انجمن دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پا بپای اعضای تحریریه روزنامه شبانه روز کار میکرد و کمتر آشنائی با کسالت و خستگی داشت.

فتح‌الله دوران سختی را در کسوروان انقلاب گذراند و از هیچگونه فعالیتی بر علیه رژیم منفور پهلوی و استعمار آمریکا دریغ نکرد و پس از انقلاب هم برای تلاش در راه ادامه مبارزاتش به روزنامه پیوست.

او شیفته سادگی و بی‌آلایشی بود، و عاشق کتابهای استاد شهید مطهری، و از توصیه‌ها و سفارشات مکرر او به بچه‌های تحریریه مطالبه کتب استاد بود.

او از کسانی بود که پیوسته با جاسوسان آمریکائی که در قالب خبرنگار رسمی روزنامه «آیندگان» و «بامداد» بودند سر ستیز داشت و در مصاحبه‌های مطبوعاتی که آن جاسوسان نیز شرکت داشتند از دست او درمان نبودند، ژیان پناه در جبهه غرب بر اثر ترکش خمپاره به شهادت رسید.

و خون سرخ او رنگی شد بر خاک میهن اسلامی حالا که هزارمین شماره روزنامه از چاپ بیرون می‌آید یاد او را در این چندسطر ناچیز زنده میکنیم که او زنده است و نزد خداوند روزی دارد پادش گرامی، باد.

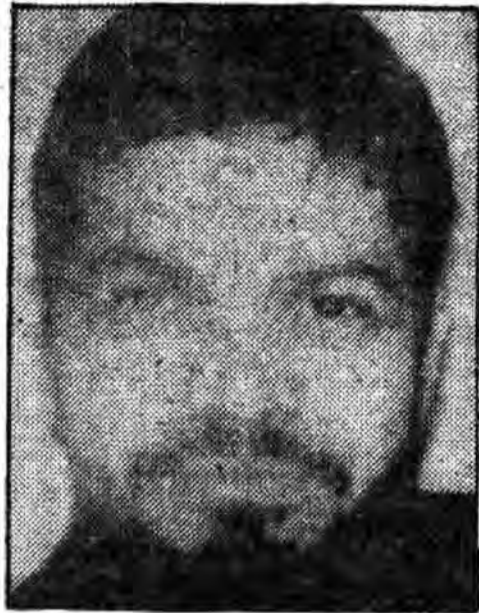
برادر شهید محمدحسین شریف (ابوعلی)

تاریخ شهادت: ۱۲ تیر ۱۳۵۹
شهید شریف در سال ۱۳۴۴ شمسی در نجف اشرف متولد شد (او از عراقی‌های ایرانی‌الاصل بود) و پس از طی دوران دبستان، به همراه خانواده‌اش به بیروت رفت و پس از پایان تحصیلات متوسطه، در دانشکده مهندسی دانشگاه عربی بیروت پذیرفته شد. او در دانشگاه بیروت به همراه تنی چند از برادران همفکر خود انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در لبنان و خاورمیانه را تشکیل دادند که این انجمن در تشریح اهداف انقلاب اسلامی ایران و نقش رهبر کبیر انقلاب امام خمینی در لبنان و خاورمیانه سهم زیادی داشت.

شهید شریف به همراه تعدادی دیگر از برادران مسلمان، سفارت دولت بختیار در بیروت را اشغال کردند و سفارت را از نشانها و تصاویر طاغوت پاکسازی کردند و تابلوی جمهوری اسلامی ایران را بر سر در سفارت نصب کردند، او همچنین با جنبش‌های آزادی بخش منطقه و به خصوص عراق رابطه نزدیکی داشت و پس از شهادت عالم مجاهد مرجع شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، تظاهرات عظیمی را در مقابل سفارت عراق در بیروت رهبری کرد.

شهید شریف که به ابوعلی معروف بود ۶ ماه قبل از شهادتش، نمایندگی روزنامه جمهوری اسلامی در بیروت را، برعهده گرفت و اخبار لبنان را در اختیار روزنامه قرار میداد، او در ۱۲ تیر ۱۳۵۹ به همراه یکی دیگر از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان ایران در بیروت به دست مزدوران و وابستگان آمریکا و مزدوران حلقه به گوش استکبار در بیروت به شهادت رسید. پادش گرامی روانش شاد

سید عبدالمهدی سجادیان شهیدی دیگر از روزنامه



دلدادگان معشوق چون کبوتری خوش آهنگ از میان شبنم اشکهای نیمه شب با بالهای خونین و توانمند در قرب به وصال یار به دیدار معبود و محبوب خویش می‌شتابند شهید سید عبدالمهدی سجادیان سرباز راستین و شجاع اسلام که با از جان گذشتگی و ایثار خون پاکش نهال انقلاب اسلامی را آبیاری کرده و این چنین پاسداری و حراسات از اسلام و انقلاب را به اثبات رساند. او با فداکاریها و تلاش‌های شبانه روزی خود در محیط روزنامه و رفتار و گفتار و زندگی ساده و بی‌آلایش درس بزرگی بود بر اکثر تمامی همکاران و دوستان که از دورادور با او آشنائی داشتند. راهش پر رهرو و مستدام باد.

شهید افراسیابی

فرصت طلب و سودجو می‌رفت بر ورزش جمهوری اسلامی اعمال شود، بدون اضطراب درونی و تاخیر به مقابله می‌پرداخت و در این راه بی‌خردان چه دشمنانها و تهمت‌ها که به او نزدند، زیرا او (حاجی) با قلم خویش که در راه اسلام به کار می‌برد مانع حرکت شوم غرب زدگان و شرق باوران می‌شد. شهید بزرگوار اسماعیل افراسیابی با محبت و صمیمی و دوست داشتنی بود در بیان مطالب صادق و

شهید اسماعیل افراسیابی در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده مذهبی و مخلص به خاندان عصمت و طهارت در جنوب تهران چشم به جهان گشود. پدر وی یک کارگر ساختمان است که تاکنون سه تن از فرزندان خود را در راه اسلام و قرآن فدا کرده و چهارمی نیز بر اثر انفجار مین، پایش را از دست داده است.

آبراهیم افراسیابی اولین شهید از میان ۷ برادر این خانواده بود که در جریان پیروزی انقلاب بدست افراد گارد شاهنشاهی به شهادت رسید. اسماعیل بعد از او به لقاالله پیوست و در جریان عملیات ظفرمند فتح العبین در دشت عباس شربت شهادت را نوشید. پس از این شهید بزرگوار، برادر بزرگ وی امیر افراسیابی در غرب کشور نیز بدست مزدوران علفی به خاک افتاد و به خدایش پیوست.

زندگی اسماعیل ساده و بدور از تجملات و حمایتش از طبقه مستضعف و محروم جامعه که خود نیز جزء آنان بود، در حمایت از انقلاب اسلامی و یاران امام امت تجلی یافته بود. او در دوران قبل از انقلاب فعالیت خوبی در مساجد و مراسم عزاداری داشت و عشق بی‌آلایش خود به اسلام را در آن شرایط دشوار و فساد بدینوسیله حفظ مینمود.

اگر چه او از فعالیت‌هایش در جریان انقلاب هرگز سخنی به میان نیاورد اما به یقین از مبارزان جسور و سلحشور بوده لذا با عشقی وصف ناشدنی به استقبال تانکها و مسلسلها میرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شهید افراسیابی در سنگر روزنامه جمهوری اسلامی به جرگه ورزش نویسان پیوست. حاجی با استعداد و خوش برخورد بود و در تمام مدتی که به خبرنگاری مشغول بود هیچگاه در مقابل با افکار منحرفین لفتش و یا سازش نداشت و در مقابل انحرافات که از طرف عدما



شهامت، و نیز مسائل را با صراحت و قاطعیتی در هر شرایط عنوان می‌کرد. توجه فراوان به وعده خدا در باره امتحان مدعیان ایمان چنان وحشتی در وجودش احیا کرده بود که همیشه ذکر و عملش به این اساس بود که بتواند به آنچه که مدعی است هر بیان، جامه عمل بپوشاند تا حاصل وجودش رو سفیدی در فردای قیامت باشد. خوبی بحال او که چنین عاقبتی پیدا کرد. پادش گرامی و راهش پر دوام باد.

دوراندا از انتشار روزنامه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱۱

اعلام شرکت در جام جنوبی کره

در زمانیکه ملت مسلمان ایران با رشادت هرچه زیادتیر با محاصره اقتصادی اسرائیلیسم آمریکا در حال جنگ بود. مسئولین سازمان ورزش در فکر تدارک سفر خارجی برآمدند و از جمله تدارک سفر جدیدی را به کره جنوبی دیدند. و برای جشن ریاست جمهوری کره و دولت حاکمه که به طور صد درصد و مستقیم زیر نظر آمریکای جنایتکار اداره می شد اعلام آمادگی نمودند. ما نیز به سهم خود برای مقابله با این حرکت غیراسلامی مقاله ای درج کرده و چهره این لیبیرالها و خط دهندگان را بیشتر به مردم نشان دادیم. و تصمیم ننگین آنها را برای ملت شهیدپرور ایران روشن نمودیم، که اینها می خواهند به سفری بروند که آن کشور زاندارم و پساپگاه آمریکای جهانخوار در آسیای جنوب شرقی است و در تانی طی ۳۰ سال رژیم کره جنوبی با حکومت نظامی، حقیقت شدیدی را بر مردم تحمیل کرده و بسیاری از جوانان را کشته است. در خاتمه اضافه می کنیم که در رابطه با تحریم سوئیس و شرط نخب تنها سرویس ورزشی روزنامه جمهوری اسلامی بود که آغازگر این حرکت اسلامی و بنیادی بود که عنوان داشت اینگونه به اصطلاح ورزشها در نظام جمهوری اسلامی جای ندارند. امید است در آینده مسائل را با صراحت کاملتر بیان داشته و همچنین با کم کاریها و ندانم کاریها جدی تر برخورد نمائیم. و السلام

سرعت عمل، صداقت، موضع گیریها

به عقیده ما برای آنکه بتوان سیمای روزنامه جمهوری اسلامی را از سیمای سایر روزنامهها متمایز ساخت و به وجوه متمایز آن به خوبی آگاه شد لازم است عملکرد این روزنامه را از سه دیدگاه مهم مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرارداد: این سه دیدگاه عبارتند از: سرعت عمل در تهیه اخبار، صداقت در پخش اخبار، رعایت موضع گیریهای لازم و جهت دادن به اخبار.

۱- سرعت عمل در تهیه اخبار

کمتر کسی است که روزنامه جمهوری اسلامی را خوانده باشد و بی به سرعت عمل این روزنامه در تهیه اخبار و گزارشهای روزنبرده باشد. بخصوص کسانی میتوانند به این ویژگی خاص پی ببرند. همانند آنکه سوازا خواندن این روزنامه سایر روزنامهها را نیز مطالعه کرده باشند. یک دید سطحی و یک نگاه کوچک به ۱۰۰۰ شماره عمر پر افتخار روزنامه و مقایسه زمان و تاریخ هرج اخبار این روزنامه با زمان هرج اخبار و گزارشهای دیگر روزنامههای صبح و عصر، این

واقعیت اساسی را به خوبی اثبات می کند. یکی از بارزترین و روشن ترین نمونه های سرعت عمل این روزنامه رامیتوان در تهیه گزارش مشروح حادثه سقوط هواپیمای مسافری شرکت هواپیمایی ملی ایران در لشکرک به خوبی مشاهده کرد. این حادثه در ساعت ۸/۳۰ دقیقه بعد از ظهر اتفاق افتاد و متوجه شدیم که از مسافران ۱۲۸ تن مقدس عازم تهران بودند گروه خبری تنها یک ربع پس از وقوع حادثه موفق شد در جریان اسرار قرار گیرد.

گروه خبری روزنامه جمهوری اسلامی به محض اطلاع از این حادثه در دناک تعداد ۶ تن از خبرنگاران و عکاسان خود را با یک اتوموبیل به سرعت به محل حادثه رساند و تا ساعت ۱ بعد از نیمه شب که تقریباً آخرین ساعت خبر گیری است، خبر جامع و دقیق این حادثه را تلفیقی از خبرنگاران خود دریافت کرده به طوریکه فردای آن روز هیچیک از روزنامه های صبح این خیر انداختند، فقط روزنامه باامداد که گویا در آخرین ساعات چاپ خود متن ۳ الی ۵ سطر را که فقط خبر از وقوع حادثه می داد و آنرا از تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی (پارس سابق) دریافت کرده بود، در صفحه اول خود بچاپ رساند.

از دیگر نمونه های روشن سرعت عمل روزنامه میتوان حادثه ای را که توسط گروهی که بر سر مسئله انقلاب فرهنگی در دانشگاه تهران به وجود آمده و غائله آن تا ساعتی پس از نیمه شب ادامه داشت نامبرد. این خبر نیز فردای آن روز همراه با عکس تنها از روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید. تهیه سریع خبر مربوط به انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که در اواخر شب روی داد و تهیه نام شهاده و مجروحین این حادثه و تحقیق از کلیه بیمارستانهای تهران و سایر تهیه جزئیات

۲- صداقت در تهیه گزارشها

برای آنکه بتوان منظور از رعایت «صداقت در تهیه گزارشها» را دریافت لازم است ابتدا به معنی کلمه صداقت در مطبوعات آگاه شد. صداقت مطبوعاتی یعنی بازگو کردن همه گونه جنبه های مثبت و منفی یک گزارش یا یک خبر و منعکس کردن واقعیتها و حقایق اگر چه تلخ باشد. اینکه ما بگوئیم در تهیه تمام اخبار و گزارشهای روزنامه صادق بودیم ممکن است حمل بر خودستایی و خودپرستی شود. اما اگر کسی همروزه روزنامه جمهوری اسلامی را خوانده باشد و به رعایت صداقت مطبوعاتی ما اقرار کند، این اقرار به مراتب ارزشمندتر و پسندیده تر از آن است که ما خود

به تجمید و تعریف از خود (هر چند هم که برواقعیت منطبق باشد) بپردازیم. شاید هیچ یک از مردم تصور نمی کردند که روزنامه جمهوری اسلامی دو روز پس از ۱۴ اسفند در تیرتیر صفحه اول خود آشکارا و بدون هیچگونه ملاحظاتی بنویسد که: «گارد رئیس جمهور به کمک میلشیا به مردم بی دفاع حمله کردند.»

و حتی آندهسته از مردمی که

مجمع دیده شد که از این اشتباهی که در روزنامه پیش آمد بعنوان دستاویزی علیه جناح خط امام استفاده کند، در تمام محافل سیاسی از این حرکت روزنامه ستایش شد.

از دیگر موارد روشن صداقت روزنامه جمهوری اسلامی، برخورد این روزنامه با هیئت سه نفره حل اختلاف مستشکل از اینستا... مهدوی کی، حجج اسلام هردی و اشراقی بود. بدین

خود به عموم استفاده کرده است. ما جهت دادن به اخبار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روزنامه را یکی از وظایف و رسالتهای مطبوعاتی خویش میدانیم. برای اثبات ادعای خویش نیز لزومی به مثال زدن و ذکر نمونه وجود ندارد و کسانی که بطور مداوم روزنامه جمهوری اسلامی را خوانده اند میدانند که این موضوعیها چگونه اعمال شده است.

شهرستانها در حقیقت بازوی فعال و قوی بخش شهرستان هستند، برادران خبرنگار ما که عموماً محدودی محدود به یک بلخاط اقلیمی و بملت قلت کار در نقطه نیستند. خبرنگاری روزنامه جمهوری اسلامی- که این نیز ریشه در محدودیتهای دیگری دارد بار منطقی را برعهده دارند، با تلاش بیوقفه خود سعی دارند تا اخبار و گزارشات مختلف از رویدادهای مناطق خود را تهیه و به روزنامه ارسال کنند. و کار ارسال درست و بموقع این اخبار نیز به نوبه خود با اشکالاتی روبروست و تازه این مربوط به نقاطی است که از تلفن خود کار بهر مسندند و با این قبلی، شما وضعیت خبررسانی نقاطی که از شبکه اخبارات خود کار محرومند را میتوانی در نظر بیارید. اختیار رسیده در سرویس

شهرستان دفتر مرکزی روزنامه جمهوری اسلامی، تدوین میشود و با اخبار رسیده از منابع دیگر (نظیر دفتر مرکزی خبر، خبرگزاری جمهوری اسلامی، مراجعات و تلفنهای خوانندگان و...) جمع بندی میشود و در صورت لزوم گاه برای انعکاس کاملتر و صحیح تر خبر، با نهاد و افراد منظور در خبر و یا دیگر ارگانها، هماهنگی لازم انجام میپذیرد. پس از تدوین اخبار و جمع بندی گزارشات و فراهم کردن مقدمات و ملزومات آنها، مطالب برای چاپ به چاپخانه ارسال می شود. بعد از گذشتن از این مراحل قسمتی از مطالب به چاپ می رسد و گوشه ای از آنان نیز در پشت دیوار محدودیتها در می ماند و توفیق چاپ را پیدا نمی کند.

همانطور که میدانید روزنامه جمهوری اسلامی با مسائل مالی و محدودیتهایی از قبیل نداشتن چاپخانه و نقایسی در این محدوده روبروست و اضافه کردن صفحات روزنامه با مشکلات زیادی مواجه است، از این رو فقط یک صفحه از روزنامه به اخبار شهرستانها تعلق می گیرد که مقداری از آن را نیز معمولاً آگهی پر می کند و یک صفحه نیمه می ماند و اخبار و گزارشات و دیدارها و رویدادهای مختلف تمام نقاط میهن اسلامی، همچنین از آغاز جنگ تحمیلی، اخبار و گزارشات مربوط به جنگ نیز در بخش شهرستان جمع بندی و تدوین می گردد. گزارشات نمازهای جمعه را نیز برادران بخش شهرستان تدوین و تلخیص می نمایند که البته این دو بخش از اخبار در صفحات دیگر روزنامه جای خاصی برای خود دارند که در آن صفحات به چاپ می رسند.

به هرحال اینک که هزارمین شماره روزنامه را با موفقیت پشت سر گذاشتیم، امیدواریم که با همکاری تمام برادران و خواهران همکار و به پاسی خداوند بتوانیم وظیفه و دین خود را در قبال انقلاب مقدس و پرشکوه اسلامیمان ادا نمائیم و به عنوان قطره ای در دریای بکران امت اینثارگر و حزبالله در خدمات مخلصانه خویش، توفیق روزافزون داشته باشیم. اشاهافه

نبرد بسیار شدید بین تهران و خرمشهر

خونین شهر

محاصره زمینی خرمشهر تکمیل شد

نفوذ چریکهای اسلام دشمن را در جنوب میمک غافلگیر کرد

اللهم انصر جیوش المسلمین وعسا کرا لکرموسى

با انقلاب مهدی (عج)، نهضت ادامه

شهرستانهای جمهوری

بسمه تعالی در هزارمین شماره روزنامه نیز جیائی برای سرویس شهرستان بازمانده است و ما خواستیم که در این فرصت محدود، محدوده کار و چگونگی عملکرد سرویس شهرستان را برای خوانندگان عزیز بازگوئی کنیم. محدوده کار سرویس شهرستان، محدوده نسبتاً وسیعی است، انعکاس اخبار سیاسی، عمرانی، حوادث و گزارش دیدارها و بازدیدهای شخصیتها از اقصی نقاط میهن اسلامی در حیطه کار سرویس شهرستان جای میگیرد، به این مجموعه گزارشهای ویژه و خاص منطقه ای و محلی را نیز باید افزود. روشن است که انعکاس و هدایت اصولی و صحیح موقعیتهای گوناگون و اخبار استانها، شهرستانها و روستاهای میهن بزرگ اسلامی طبعا حجم وسیع و توان زیادی را می طلبد، همانطور که به نیروهای فعال و کارآمد در نقاط مختلف کشور محتاج است. خبرنگاران روزنامه در

معنی که خوانندگان ما شاهد هستند که هر بار این هیئت اجرایی از روزنامه میگرفت فردای آن روز بوزش می طلبیدیم ولی هر بار که خطاهای روزنامه انقلاب اسلامی بازگو میشد آن روزنامه تا قدرت داشت در جهت رد انتقاد و ارائه چهره موچی از خود، تلاش میکرد و اراجیف می یافت و اگر هیچ راهی برای توجیه خطا وجود نداشت به سکوتی پر معنا اکتفا میکرد.

۳- رعایت موضع گیری در اخبار:

رعایت موضع گیری در اخبار نیز بعقیده ما جدا از صداقت در پخش اخبار نیست. روزنامه جمهوری اسلامی همواره کوشیده است هر خبر را توأم با موضع گیری های لازم منتشر نماید. زیرا پخش صرف یک خبر نه تنها روزنامه را «بدون خطه نشان میدهد بلکه این رسانه گروهی را تبدیل به بلنگوی منبع خبری میکند. برای مثال وقتی اعلام میشود که آمریکا تصمیم دارد یکمک فلان کشورها دست به سانورهای نظامی بزند این خبر اگر بدون موضع گیری پخش شود روزنامه را تنها بلندگوی آمریکا کرده است و بدین ترتیب از صفحات روزنامه برای رساندن تصمیم

در مراسم روز ۱۴ اسفند دانشگاه خود حضور داشته و بعینه شاهد حمله اعضای گارد بنی صدر و میلشیا ی منافقین به مردم بی سلاح و بی دفاع بودند، شاید گمان میکردند که انتشار خبری با این عنوان که گارد رئیس جمهور به مردم حمله کردند، از یک روزنامه معتهد نظیر «جمهوری اسلامی» که باید همواره در جهت رفع اختلافات مسئولان بکوشد بعید بنظر میرسید، ولی بر این اقدام، که واقعیت را به همان شکلی که هست کاملاً آشکار پوست کنده مطرح کردیم هیچ نامی جز صداقت مطبوعاتی نمیتوان نهاد و این دقیقاً همان صداقتی است که ۳ روز پس از این واقعه شوم هنگامی که گزارش بی پایه مبنی بر شهادت ۴ نفر در حادثه دانشگاه را بدلیل بی توجهی منابع خبری خویش منتشر کردیم، آشکارا و بلا حروفی درشت پوزش خواستیم و قول دادیم که انشاه... دیگر مرتکب چنین اشتباهی نشویم. این پوزش ما در آن شرایط حساسی که تبلیغات وسیع جناح مشترک لیبرالها و منافقین و بنی صدریها علیه ما به نقطه اوج رسیده بود بجای آنکه به حرکت ما و به هدف ما ضربه وارد نماید، بعکس چنان ضربه ای بریبریک جبهه مشترک ضد انقلاب وارد آورد که در هیچ روزنامه و در هیچ محفل و

ماز کدامین پنجره به جهان نگاه می کنیم؟

بقیه در صفحه ۲

در روزنامه نگاری باید واقع های خبری چون فلش هائی در یافته گردد که بسمت ژرفنای پر معناتری اشارت دارند و باید از پوسته ها و ظواهر واقعیت ها وسیله ای ساخت برای نفوذ در درون. ما به لبخندهای مهربانانه فلان سرمایه دار نمی توانیم فریفته گردیم. در سطح یک شعار ظاهر - ترقیانه ای که فلان دسته و یا بسهمان گروه میدهد نمایی توانیم باقی بمانیم. رویه و پوسته های واقعیت را بجای مغز و اصل واقعیت بخورد مردم دادن را جنایت می شماریم چه رسد بدان که بخواهیم در خود این رویه ها تعریف نیز بعمل آوریم. هدف ما در روزنامه این خواهد بود که:

۱- داده های محیط بیرون را درست دریافت کنیم. یعنی اتفاقات و رویدادها را بان شکلی که در ظاهر اتفاق افتادماند بدست آوریم. ۲- روابط منطقی بین این رویدادها را با هم کشف کنیم ۳- از این ارتباط وسیله ای بسازیم برای نفوذ در عمق آنچه اتفاق افتاده است. ۴- بر اساس ملاکها و معیارهائی که چهارچوب اعتقادی ما بدست ما داده است و بدان اشارت کردیم آنچه را بدست آوردیم در معرض دید مردم قرار دهیم.

اخبار همیشه وقتی بدتر روزنامه می رسند انبوه بی شکلی هستند. هر نویسنده ای برای به نظم در آوردن این انبوه بی شکل تلاش میکند. وظیفه روزنامه نگار در این مرحله نه تعریف در این انبوه خبر است تا آنچه خود می خواهد نتیجه بگیرد و نه آنست که بدون احساس هیچ تعهدی این مجموعه بی شکل را، گسیخته از هر رابطه منطقی در معرض دید مردم قرار دهد. ولی مسئله بدینجا پایان نمی گیرد، ما گفتیم که از پایگاه ایدئولوژی اسلام انقلابی به جهان مینگریم و اگر در این پایگاه طرفداری از مظلومها در مقابل ظالمها و حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبران اولویت یافته است. کلمه اسلام حکایت از آن دارد که در صحنه های سیاسی، طرفداری از خلقهای مستضعف مسلمان در مقابل آدمخوارگان و جهانخوازان غرب و شرق از اولویت بیشتری برخوردار است. ما در زیر چتر اخوت اسلامی، در کنار یک برادر فلسطینی مسلمان بیشتر آمادگی رزم با صهیونیسم و امپریالیسم را داریم تا در یک کشور دیگری چون شیلی.

روح انترناسیونالیستی اسلامی در اینجا یکسره مرزها را میان خلقهای مسلمان جهان میشود. قلب ما برای شهیدی چون ملکوم ایکس آمریکائی که بدست قداره پندان سرمایه داران آمریکا به شهادت رسید آن چنان می تپد که برای شهیدان در خاک خفته بهشت زهرا، چرا که اینجامرز عقیدتی مطرح است، و در اسلام همیشه ایدئولوژی در حال غلبه بر احساسات ناسیونالیستی است. ولی اگر به وصیت امام علی توجه کنیم، ظالم را مطلق میگوید و مظلوم را نیز یعنی نه این چنین است که مادر پيله خود گرفتار شویم و در احساسات پر شورمان نسبت به برادران مسلمان خود غرق شویم. ما نمی توانیم به غارتگری آمریکا در آمریکای لاتین بی اعتنا باقی بمانیم، ما نمی توانیم از تهدید ابرقدرتها به کشورهای زیر بار ستمی که در حال شوریدن بر علیه تسهکاران

بین المللی هستند چشم ببوشیم. رستگاری انسان در یک جزیره گسیخته از مجموع بشریت، سراب آبادی بیش نیست. پس، از پنجره ای که ما به جهان مینگریم دردهای انسانهای زیر سلطه بطور اعم احساس همدردی ما را بر می انگیزد و مابا شناخت رنجهای انسانهای در بند جهان، کینه بر ضد ظالمین را در قلب شعله ور میسازیم و با این کینه مقدس بر علیه همه دشمنان انسان، بر علیه تمامی جهانخوازان موضع می گیریم.

موضع گیری ضد امپریالیستی ما از چنین خاستگاهی بر می خیزد. یعنی از اسلام. اسلامی که از فطرت انسانی ما برخاسته است. فطرتی که با آن جهان را با معنا یافته ایم و بصورت یک واحد زنده ادراکش کردیم.

و نیز با این دیدگاه وقتی ما به ستم اقتصادی در جهان مینگریم آنرا در چهارچوب ایدئولوژی خودمان غیر قابل قبول می یابیم، چرا که آرمان این ایدئولوژی، ضرورت و بایدها و ونبایدهای برخاسته از این ایدئولوژی، بسمت جامعه ای است که افراد بشری در آن چونان دانه های شانه برابر هستند. و از مواهب خدائی دوزمین بیگسان بهره می گیرند. آرمان ما، ضرورت بسمت جامعه ای است که اصامت در آن از آن مستضعفین و متقین و صالحین است. و آیا باین دید مثلا در روزنامه می توانیم بر علیه کارگران و بر علیه سرمایه داران موضع بگیریم؟ و آیا میتوانیم چشم بر هم نهیم و نفرت خود را از فاصله های طبقاتی ابراز نداریم و آیا میتوانیم قلم را برای در هم کوفتن این فاصله ها بکار نیاوریم. آنچه در نظر ما مقدس است «حق» است و این حق از معنا دارای هستی و نه از پوچ و بی سرانجام بودن آن، و نیز از معناداری تاریخ انسان بر روی زمین و نه از عبث و بی سرانجام و سرآمد بودن این تاریخ بر می خیزد.

اراده خدائی برای ائمه زمین قرار دادن مستضعفین حق است و ما نمی توانیم تنها به بیان واقعیتها چون یک ماشین کمپیوتر عمل کنیم بلکه دیدن ضرورت این واقعیتها در جهت تحقق حقها منظور نظر ماست. تجزیه تحلیل علمی واقعیتها جزا برای که میتواند هم بر له و هم بر علیه این تحقق حق بکار گرفته شود چیزی بدست نمی دهد.

در حوزه ایدئولوژی ما واقعیتها وقتی شکافته می گردند بلافاصله در ماورای واقعیتها آماری این مسئله مطرح می گردد که چگونه میتوان بین واقعیتها و آرمان های سزاوار (حق) پلی زد. و چگونه میتوان از این پایگاه کمکی به هجرت عظیم انسانها از ظلمت به نور نمود. کلمات در روزنامه چون فشنگ هائی هستند که از اسلحه روزنامه نگار هم میتوانند به قلب ضد انقلاب و هم به قلب انقلاب شلیک گردند. خطر یک روزنامه نگار که بیک ایدئولوژی متکی بر فطرت و برخاسته از آن متکی نباشد کمتر از مسلسل های افسران محمد رضا خانی نیست که در یکسال اخیر رگبار گلوله های خود را سر خلق قهرمان ماباراندند. و این مسئله را مردم هشیار مادر سه ماه گذشته بخوبی تجربه کرده اند. نویسندگان رستاخیزی دیروز و انقلابی نمایان امروز در سه ماه گذشته بیش از افسران خود فروخته شاه قلبهای مبارزان امت مارانسانه گرفتارند ولی ما جهان را چون آنان نمی یابیم و نیز

انقلاب را چونان آنها ارزیابی نمی کنیم. از پنجره ای که ما بجهان مینگریم انقلاب اسلامی را دروازه گشوده به فردای نورانی خلقهای مستضعف جهان می یابیم. ما این انقلاب را نه یک انقلاب دموکراتیک بمفهوم غربی آن که آنرا چون یک ضرورت تاریخی در حلقه تاریخی بشر می یابیم که تاریخ آدم را به روزگاری مهدی (ع) پیوند میدهد. ما ریشه این انقلاب را در تاریخ بیداری مسلمانان در یقرون اخیر می یابیم و در این پیرویه گسترده و عظیم فریادهای نافذ سید جمال و میرزای شیرازی را تواما در ندای امام خمینی می یابیم که بعد از یقرون با ابعاد عظیم تر در پی تغییر دادن بنیادی سیمای جهان و پی افکندن دنیائی نوین است. از پنجره ای که مانگاه می کنیم استمرار و گسترش این انقلاب را چون ضرورتی گریز ناپذیر در میان تمام خلقهای مسلمان جهان ادراک می کنیم از این روست اگر خبرهای افغانستان، ایرانه، فلسطین... تا این حد در نظر ما اولویت می یابند. و خود تمامی آنچه گفته شد و یا ناگفته ماند از ویژگیهای همان پنجره است که خلق مسلمان مابا مشتهای برافراشته و خونین خود گشوده است.

ماز پنجره امت دلیر خود به جهان نگاه می کنیم. سردبیر

جاسو سهای آمریکائی

بقیه از صفحه ۸

می کنند بنحوی که افسراد داخل شهر تراوا فکر می کنند که مسئله تمام شده است. در را باز می کنند و این اسب را که اسب تراوا و مشهور بوده به داخل میدان بزرگ شهر می برند بمنوان سمبل این جنگ و پیروزیشان و به عیش و عشرت و شادی می پردازند و در اواخر شب که همه به خانمهایشان بر می گردند سربازان دشمن وارد آن خانه می شوند و برج بارو را باز میکنند و سربازان وارد می شوند در این طرح آمدند و قانون اساسی را به این اسب تراوا تشبیه کردند و ملاحظه میکنند فردی که بعنوان سرباز می خواهد داخل آن شود یک نفر طلبه و یک نفر مامم و روحانی هست و آنجا هم علی الظاهر شهر تراوا این شهر تراوا یعنی کشور ما و اینها یعنی روحانیون بنا بر عقیده این آقایان لیبیرال منشها و کسانی که در خط آمریکا عمل میکردند و این همه بر علیه قانون اساسی ما نوشتند، می خواستند این فکر را تلقین کنند که اینها آمدند در برج بارو شهر و اینها دشمنان ما هستند و این چنین بر علیه روحانیت که نقش تعیین کننده و اساسی در این انقلاب داشت و امام دایماً تاکید میکنند قانون اساسی که به فرزند ملت گذاشته شده و منتخبین ملت آن را تصویب کردند اینها را به باد تمسخر و اینچنین به هجو و به دشمنی میگرد. در پایان سندهای عین سندهائی که به زبان انگلیسی هست د

مورد سند روزنامه بامداد هست که مسائلی که گفتیم مطرح میکند و این هم یکی دیگر از سندهاست و با جمله ای از امام رهبر بزرگ انقلاب، معلم ما، پدر ما و همه چیز این ملت پایان می دهیم که همیشه به ما ندا در دادند و ما کمتر گوش دادیم به امید آنکه بیشتر از پیش به سخنان امام، به رهنمودهای امام گوش بدهیم. صحبتی هست که امام در ۷ آبان همین امسال می کنند. شما ببینید که با چه موجوداتی مواجه هستیم، با چه موجودات کثیفی در امریکا مواجه هستیم ملت امریکا را نمی گویم، دولت امریکا را می گویم دولتتهای ابرقدرت با ما چه معامله میکنند و ما باز خاضع آنها هستیم برای آنها کار می کنیم، بشکنند قلمهائی که دارند برای آنها کار میکنند و بهره زبانهائی که به نفع دارد صحبت میکنند و ملت را می خواهد تباہ کنند. مسلماً ملت هوشیار و بیدار ایران که در خط امام حرکت میکنند نخواهد گذاشت تا امریکا به توطئه چینی خود ادامه دهد و نخواهد گذاشت که مطبوعات و رسانه های گروهی که سعی در انحراف انقلاب اسلامی ایران و سعی در مخالفت با اسلام و انقلاب و با خط امام دارند به کار خود ادامه دهند. ملت ایران هوشیار و بیدار است تا جلوی هر گونه انحراف از خط امام را بگیرد. والسلام

روزنامه جمهوری اسلامی با خونهای شهداء پیوند خورده و در مقابل آن متعهد بوده است

بقیه از صفحه ۵

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حمله کردند، چون خطر انتشار این روزنامه را کاملاً می شناخت بعد از آن روزنامه علاوه بر مردم در میان برادران روشنفکر در خط امام جای خودش را باز کرد. ● وضع کنونی روزنامه پس از اینکه شما بعلت تصدی وزارت خارجه و سپس نخست وزیر سیری از سردبیری روزنامه کنار رفتید، وضع روزنامه را تاکنون چگونه ارزیابی می کنید؟ - پس از اینکه ما مسئولیت دیگری را بر عهده گرفتیم، گرفت و خود این مسئله باعث شد که دانشجویان مسلمان بیشتر طرفدار روزنامه شوند و احساس کردند که موضع روزنامه جمهوری اسلامی از همه روزنامه ها انقلابی تر و صادقانه تر است. بهر حال بازم تردیدهایی نسبت به روزنامه وجود داشت تا اینکه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام آن سند معروف مربوط به لیکن را افشاء کردند که روزنامه جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن دیرینه آمریکا قلمداد کرده بود. بعد از انتشار این سند روزنامه مجاهد آنموقع سخت به

روزنامه خط خوبی را ادامه داده سعی کرده که مانند گذشته بعنوان آرگانی برای حزب جمهوری اسلامی و حزب... و توده های میلیونی مستضعف کشورمان باشد و این جهت گیری را از دست نداده است. در مورد جریانهای مختلف توانسته با تیرها و سرمقاله های خط بدهد و حرکت بسایریند. روزنامه جمهوری اسلامی بخاطر ایمان و اعتقاد و پیوستگی اش با مردم انقلابی کشورمان توانسته صریح ترین موضعگیریها را داشته باشد و دچار محافظه کاری نشده و همین مسئله هم باعث شده

عملگر دسرویس اقتصادی روزنامه از آغاز تا کنون

جمهوری اسلامی

انقلاب کنونی
احزاب جدید

قراردادهای همکاری ایران و آمریکا ومودت ایران و شوروی لغو شد

انقلاب باشماست انقلاب در کنار شماست.
اگر امام قبول می فرمودند و این دعوت را از کنار فرمایان و مفزهای فراری بعمل می آوردند بسیاری از کارهای ما شاید راه افتاده بود.

صبح روز بعد از ایراد این نطق روزنامه جمهوری اسلامی با تیتر «نا برادران فراری برنگردید انقلاب با شما نیست» روی سخن به خوانندگان و با این عبارت توهنی محکمی نه بر نریه بلکه بر همه نریهها و غرب باوران و ناباوران استقلال وارد نمود:

«راستی اگر اینان برنامه ریزان تصمیم گیرندگان این آب و خاک خواهند شدای بر شهیدان و راستی چشمان روشن گوئی آنچنان دچار قحطالرجال شده ایم که باید این حضرات بر ایمان تصمیم بگیرند.

سرمايه دارانی معلوم الحال در چنین صحنههایی حضور یابند و شگفتا در جامعه ای که هزاران هزار نفر در فقر و بیکاری در بیخولهها میزند بسای صاحبان سهام و سرمایه سینه چاک میدهند» (جمهوری اسلامی ۲ مهرماه ۵۸)

بهر حال امروز که سرویس اقتصادی روزنامه جمهوری اسلامی هزارمین شماره را پشت سر میگذارد همچون شماره اولین خود بر این اعتقاد است که اقتصاد اسلامی از عهده مشکلاتی که در مقابل آنست بر خواهد آمد و کماکان بر مواضع اقتصادی خود که ثمره زحمات شبانه روزی فقیه عالیقدری همچون شهید مظلوم آیتالله بهشتی می باشد استوار است. بنابراین اگر در مقطعی از زمان در برابر بعضی از خطوط اقتصادی غلط سکوت اختیار شده است، بدین معنی نیست که این روش را مستمرا دنبال نماییم.

خصوصا امروز که رزمندگان دلیر ما با گشودن جبهه های جدیدی از نبرد و نمایش گذاردن طلیعه پیروزی نهایی در پیش روی امت مسلمان که ما نیز قطره ای از آنیم محیط مناسبی را برای برخورد و انتقادات سالم که مسئولین نیز بر آن تاکید میورزند بوجود آورده اند.

و امید است که این زمینهها در بهبود و سرعت بخشیدن به وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور مفید و موثر واقع شود تا از این طریق بتوانیم در همه ابعاد به پیشرفتهای شایان توجه و در خور انقلاب اسلامی دست یابیم. انشاءالله

«داد گاههای نیرومند با کمک بسیج واز نیروهای حزب الهی میتوانند این مطلب را به این راحت طلبان تفهیم کنند که میتوانند با سرمایه آوارشان در خرید و فروش کالاها مردم شرکت کنند لکن این یک ریسک است همانطور که خرید و فروش تریاک و هروئین یکریسک است و بالاخره به این سود جوینان بفهمانند که مفی ندارند.»

(جمهوری اسلامی ۱۱ شهریورماه ۶۱)

و گاه بایش بینی بحق آینده پیشنهاد تاسیس یک ارگان انقلابی توزیع کننده کالاها و کوتاه کردن دست فزون طلبها و سوء استفاده کنندگان از سیستم توزیع ارائه گردید:

باتوجه به خصلت پلید محترکین و واسطه ها که از جوسپاسی وعدم اطمینان به احتکار ارزاق عمومی مردم و کالاها ی مصرفی خواهند پرداخت ضرورت تاسیس یک سازمان و ارگان جدید انقلابی برای توزیع کالاها و کنترل قیمتها از طرف دولت احساس میشود. (جمهوری اسلامی ۱۳ تیرماه ۵۸) انجام رسالت روزنامه جمهوری اسلامی در قبال صنایع و جلوگیری از حیف و میلها و نابودی این بخش عظیم از اقتصاد مارا نباید فراموش کرد.

یکی از شعارهای روزمره صفحه اقتصادی در همان آغاز کار در رابطه باصنعت عبارت «آنچه در اولین فرصت بایستی صورت بگیرد ملی کردن صنایع بزرگ است» بود که بحق افشاگرها و بر ملا ساختن دست پنهانی و اسناد حیف و میلهای استثمارگران حرفهای را میتوان در ملی شدن بسیاری از صنایع بزرگ مؤثر دانست. مضافا اینکه نباید از یاد برد این شعار در زمانی عنوان میشد که عناصری چون نریه و دیگر همپالگی هایش که در مصادراموراجرائی نیز قرار داشتند بادر اختیار داشتن امکانات تبلیغاتی شدید علیه این خط به نزاع برخاسته بودند.

لکن روزنامه با اعتقاد بر مواضع حق خود از معتقدات بحقیق بسختی دفاع میکرد. بعنوان مثال به یکی از موارد برخورد خط سازش با آمریکا و خط امام مروری می کنیم:

نریه در سمی تری به منظور بررسی مسائل اقتصادی کشور طی نطق بلند بالائی بعنوان آخرین علاج بیرون آوردن کشور از بن بست اقتصادی گفت: من بیانیهای رتبهی کرده و به امام دادم خطاب به کارفرمایان که برادران برگردید، مطمئن باشید

بر سر عقل بیارید کما لا در اشتباه هستید دست سوء استفاده کنندگان را از سیستم توزیع کوتاه کنید» (جمهوری اسلامی ۱۶ شهریورماه ۵۸)

«روشهای مدارا با گرانفروشان و محترکان، عدم اعمال رورو بازار آزاد بر اساس عرضه و تقاضا و غیره را باید کنار گذاشت و برای از بین بردن گرانی باید ریشه های آنرا بکلی خشکاند»

(همان شماره)

«آیا مسئولین داد گاههای

کشاورزان کمک خواهند کرد اکنون که چهار ماه از انقلاب میگذرد آثاری هر چند کوچک از اجرای آن برنامه دیده نشده است. پس وعده های شما چه شد؟»

(جمهوری اسلامی ۶ تیرماه ۵۸)

مشکل گرانی و تورم قبل از آنکه بشکل حاد کنونی در آید همواره بعنوان خطری جدی برای سلامت اقتصاد کشور در صفحه اقتصادی روزنامه معرفی و

از جمله آنچه که همواره در صفحه اقتصادی روزنامه بعنوان یکی از ارکان قطع وابستگی اقتصادی از ابر قدرتها از آغاز تاکنون مورد توجه بوده و هست مسأله کشاورزی است:

«توجه به امر کشاورزی باید از اولویت خاص برخوردار باشد. اصولا اگر ما از نظر کشاورزی به خود متکی باشیم در مبارزه با امپریالیسم بهتر میتوانیم اقدام کنیم» (همان شماره)

فئودالها و زمینداران بزرگ وابسته همواره بعنوان دشمن برای ما مطرح بوده و همواره لروم یک اصلاحات ارضی اساسی گوشزد شده و کماکان میشود:

«شورای انقلاب باید قاطعانه و بسیار روشن و صریح حمایت بیدریغ خود را از زارعین و دهقانان در مقابل فئودالها و زمینداران بزرگ اعلام کند.» (جمهوری اسلامی اول دیماه ۵۸)

«برای انجام اصلاحات ارضی اسلامی باید یک سازمان جدید و انقلابی در خور انقلاب اسلامی با شرکت افراد جوان و مومن به انقلاب تشکیل و این رسالت عظیم را بعهده بگیرد» (همان شماره)

«برای شکستن توطئه اربابان و فئودالها با قاطعیت انقلابی با آنان برخورد کرد و هر گونه حرکت ضد انقلابی آنها را در نطفه خفه نمود.»

(همان شماره) «بیکاری و مهاجرت از جمله دستاوردهای شومی است که نظام بزرگ مالکی و فئودالی آریا مهربی به جمهوری اسلامی نو پا به ارمغان آورده است»

(جمهوری اسلامی ۱۵ مهر ۶۱) «مسأله درخور توجه دیگر در رابطه با زمین وجود اختلافات کهنه و حاد در بعضی از مناطق روستایی و دویا چند شق کردن آنها به نامهای علیا و سفلی است که عمدتاً ریشه این دوگانگیها از اختلاف بین مالک و زارع و یا وضعیتی است که سالک بوجود آورده است» (جمهوری اسلامی ۱۵ مهرماه ۶۱)

سرویس اقتصادی از آغاز تاکنون مسأله اولویت دادن به روستاها در هر زمینه ای را سرلوحه گزارشات و تحلیل های خود کرده و می کند بعنوان مثال در حمایت از در اختیار گذاردن امکانات فنی کشاورزی به روستائیان به وزیر کشاورزی وقت تحت عنوان آقای وزیر کشاورزی وعده های شما چه شد؟ چنین خطاب شده است:

«آقای وزیر کشاورزی پس از انقلاب اعلام داشتند برنامه ای تهیه شده که مامورین فنی ادارات اعم از مهندسی و دامپزشک در عمران و آبادی روستاها، کمکهای فنی، تهیه کود و مبارزه با آفات به

سرویس اقتصادی - روزنامه جمهوری اسلامی بر آنست که امکان بحثی جامع در مسائل اقتصادی اسلام و چگونگی مقابله آن با واقعیات روز را بپوشه آورد. عقیده ما بر آنست که اقتصاد اسلامی از عهده مشکلاتی که در مقابل آنست بر خواهد آمد و نظر بر دادن شناختی است اسلامی از اقتصاد و نه شناختی اقتصادی آنهم به معنی امروزی کلمه از اسلام» عبارات فوق بعنوان مدخلی به ستون اقتصادی رمانی بر صفحه اقتصادی روزنامه نقش بست که همه روزه بوقها، روزنامهها، مجلات، ماهنامه و هفته نامهها و نشریات گوناگون وابسته به خطوط رنگارنگ چپ و راست (چپ تندرو، چپ میانه، چپ سازشکار، راست لیبرال، راست افراطی، چپ مسلمان نما، و تئوریسین های اقتصاد بزبان ساده!!!) با عنوان کردن مسائل اقتصادی جامعه و عمدتاً با چتر حمایت از کشاورزان، کارگران و پیشهوران اهداف پلید خود را دنبال میکردند.

سرویس اقتصادی در میان همه این هیاهوهای کاذب راهش که همان راه مستقیم و شناختی اسلامی از اقتصاد بود را پی میگرفت اگر چه ایسکار در وهله اول کمی دشوار می نمود لکن تجربه نشان داد که انتخاب طریق الهی با آمیختن عزم و پافشاری بر موضع حق، انتخابی است که علیرغم هر چند شکستی ظاهری در مقطعی از زمان هرگز زوال نداشته و مستحق علییه و پیروزی است.

به همان دوران باز می گردیم به همان زمانی که قلمهای فاسد و وابسته عرصه مطبوعات را جولانگاه خود یافته بودند. آن یکی قلم و آراز افزایش دستمزد و حق حقوق کارگران داد سخن میداد و این یکی به حمایت کارخانداران طاغوتی از فرار سفزها و نیروی مستخصی بفریاد درآمده بود.

آن یکی با شمارهای فریبنده خواهان بدست گرفتن اسلحه کشاورزان و هجوم به شهرها به شیوه «چه گوارا» بود و این یکی به حمایت از فئودالها، بزرگ مالکی را رکن اصلی خود کفالتی کشاورزی معرفی می نمود.

در همان آشفته بازار تئوریهای جورواجور بود که روزنامه جمهوری اسلامی با احساس رسالت عظیمی که در قبال خون شهیدان و تداوم انقلاب اسلامی داشت خطر امپریالیسم و نفوذ اقتصادی آنرا گوشزد میکرد. اگر چه دولت موقت و سیاست گام به گام اصولا نفوذ اقتصادی امپریالیسم را باور نداشت لکن سرویس اقتصادی روزنامه بارها و بارها راههای مبارزه با نفوذ اقتصادی ابر قدرتها را در پیشروی مسئولین امر می نهاد.

«صفحه اقتصادی زمانی در روزنامه نقش بست که همه روزه بوقها، روزنامهها، مجلات ماهنامه و هفته نامهها و نشریات گوناگون وابسته به امپریالیستهای شرق و غرب با عنوان کردن تزه های اقتصادی برای جمهوری اسلامی با چتر حمایت از کشاورزان، کارگران اهداف پلید خود را دنبال می کردند، سرویس اقتصادی در میان همه این هیاهوهای کاذب راهش را که همان راه مستقیم و شناختی اسلامی از اقتصاد بود را پی گرفت.»

«مشکل گرانی و تورم قبل از آنکه بعنوان خطری جدی برای سلامت اقتصاد کشور در صفحه اقتصادی روزنامه معرفی و راههای مبارزه با این پدیده ارائه شده و کماکان می شود.»

«اگر چه دولت موقت و سیاست گام به گام اصولا نفوذ اقتصادی امپریالیسم را باور نداشت، لکن سرویس اقتصادی روزنامه بارها و بارها راههای مبارزه با نفوذ اقتصادی ابر قدرتها را در پیش روی مسئولین امر می نهاد.»

«سرویس اقتصادی روزنامه از آغاز تاکنون مسأله اولویت دادن به روستاها در هر زمینه ای را سر لوحه گزارشات و تحلیل های خود کرده و می کند.»

انقلاب و ارتش و داد گاههای زمان جنگ محترکین و گرانفروشان این صدا مجله های بدون یونیفرم راجدالی صدام عقلی و جنایتکار می پندارند؟

و اگر برادران بر این حقیقت واقفند پس چگونه است که سکوت اختیار کرده اند؟

(جمهوری اسلامی ۱۱ شهریور ماه ۶۱)

راههای مبارزه با این پدیده ارائه شده و کماکان میشود. از همان آغاز تاکنون درمان این درد را در رفع نابسامانی توزیع و کوتاه کردن دست واسطه ها و محترکین دانسته و گوشزد کردیم و هنوز هم بر این اعتقادیم و میگوئیم:

«اگر در این فکری که با نصیحت و موعظه مستکبران را

کارنامه‌ای فهرست گونه از مهمترین مطالب سیاسی روزنامه از آغاز تا کنون

آنچه ذیلاً ملاحظه می‌کنید فهرستی است از مطالب سیاسی روزنامه (اعم از آنچه بعنوان مقاله درج گشته یا توسط سرویس سیاسی تهیه شده) که بسیاری از آن سرنوشت ساز بوده است:

۵۸/۳/۹ - سرمقاله در تشریح خط مشی روزنامه - مقاله گام به گام با انقلاب که بیان کننده خاطرات و حوادثی از دوران انقلاب اسلامی است و در دهها شماره بسچاپ رسیده است.

۵۸/۳/۱۲ - مصاحبه اختصاصی با دبیر کل جبهه آزادی بخش مسلمانان فیلیپین

۱۴ خرداد - مقالهای بنام سالروز میلاد مجدد اسلام که راجع به قیام خونین ۱۵ خرداد نوشته شده است.

۱۷ خرداد - مقاله یادت نمی‌کنم بمناسبت یادبود شهید آیتا... مطهری

۱۹ خرداد - افشاء اسناد روابط محرمانه شاه معدوم با مطبوعات خارجی

۱۸ مرداد - سخن روز (تظاهرات روز قدس، جبههای تازه در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم)

۲۰ مرداد - اسرار تازه‌ای از شبکه‌های جاسوسی «سیا» کشف شد

۲۲ مرداد - سخن روز (ضد انقلاب را در زیر امواج انسانی له کنید) و گزارش ویژه در مورد حمایت ساواک از روزنامه آیندگان.

۲۷ مرداد - سخن روز (تاکی تعلق؟ انتقاد از سازش کاری دولت موقت)

۲۸ مرداد - سخن روز (انقلاب یک راه بیشتر ندارد - انتقاد از محافظه کاری دولت موقت)

۲۹ مرداد - مصاحبه اختصاصی جمهوری اسلامی با آیتا... العظمی منتظری

۳۰ مرداد - سخن روز (دولت باید انقلاب دوم را از خود شروع کند) افشاگری پیرامون عزالدین حسینی فاسد

۴ شهریور - سخن روز (خطراتیکه انقلابمان را تهدید می‌کند)

۷ شهریور - سخن روز (بوروکراسی دولت رافلج خواهد کرد)

۱۰ شهریور - سخن روز (آموزش و پرورش باید ملی شود)

۲۱ شهریور - انتقاد شدید نسبت به اظهارات دکتر یزدی وزیر خارجه دولت موقت که آمریکا را برادر بزرگ میدانند!

۲۹ شهریور - سرمقالهای بنام راهی بسوی حضور همیشه خلق در صحنه که در دفاع از اصل ولایت فقیه برشته تحریر

بهشتی در مورد مسائل روز

۱۴ آبان - مقاله «اصل انقلابی تولی و تبری» که در دفاع از اشغال لانه جاسوسی آمریکا نوشته شده است.

۲۳ آبان - مقاله (محصولات آمریکائی را تحریم کنید)

۲۶ آبان - مقالهای در بیان پیامدهای اشغال لانه جاسوسی آمریکا

۴ آذر - مقالهای در افشاء توطئه‌ها در کردستان

۱۲ آذر - اعتراض سفیر عراق به روزنامه جمهوری اسلامی و پاسخ به آن

۱۷ آذر - مقالهای تحت عنوان هشدار به تمام مردم ایران که در این جا به افشاء توطئه خائنانه گروهک آمریکائی حزب خلق مسلمان می‌پردازد.

۱۸ آذر - مقاله «آمریکا آخرین برگ خود را رو کرده است»

۲۰ آذر - هشدار به شورای انقلاب پیرامون توطئه‌های ضدانقلاب در آذربایجان

۲۱ آذر - درج نامه سرگشاده‌ای به آقای شریعتمداری که در این نامه از موضع گیری ایشان نسبت به گروهک ضدانقلابی خلق مسلمان انتقاد شده است.

۲۶ آذر - مقاله «امپریالیسم کور است» که به افشاء توطئه‌های گروهک آمریکائی خلق مسلمان پرداخته است.

۲۹ آذر - مقاله «منطق گلوله» بمناسبت شهادت حاجت‌الاسلام دکتر مفتاح

اول دی - مقاله «انتظام و التزامها» راجع به جاسوسی نمودن امیرانتظام بنفع شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار.

۵۹/۲/۲۹ - مقاله ضرورت تسریع در تشکیل مجلس خبرگان

۱۰ دی - مقالهای در دفاع از افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام

۲۰ دی - مقاله «کردستان دو روی یک سکه»

۴ بهمن - سرمقاله (شرکت در کنفرانس امپریالیستی



۲۰ خرداد - مقاله از مسجد تا سنگر

۲۳ خرداد - سخن روز (بعد از شاه نوبت البکر است)

۲۶ خرداد - اسرار دستگیری حماد شیبانی و محمد رضا سعادت‌فی فاش شد

۲۳ خرداد - چه کسی با آتش بازی میکند (مقالهای پیرامون تحریکات و تجاوزات رژیم مزدور عراق علیه جمهوری اسلامی ایران)

۲ تیر - مصاحبه اختصاصی بانماننده مسلمانان زیمبابوه

۷ تیر - مصاحبه اختصاصی با شهید مظلوم آیتا...

بهشتی پیرامون قانون اساسی

۱۷ تیر - سخن روز (اخطاری به ضد انقلاب و هشدار به مردم)

۲ مرداد - سخن روز (انتقاد به وزیر امور اقتصاد و دارایی دولت موقت در مورد اعلام همکاریهای آینده اقتصادی ایران با آمریکا)

۶ مرداد - سخن روز (نماز جمعه، نماز وحدت و نماز سیاست)

۸ مرداد - معرفی کاندیداهای مسلمان و مبارز مجلس خبرگان

۱۰ مرداد - سخن روز راجع به افشاء توطئه‌های بلندگوهای جهانخواران نسبت به مجلس خبرگان

۱۳ مرداد - سخن روز (تظاهر یگانگی سیاست و دیانت)

۱۶ مرداد - سخن روز (دولت موقت در چارچوب نظام گذشته گام بر میدارد)

۱۷ مرداد - سخن روز (خلق افغانستان روزهای سخت امانیود بخشی رامی گذراند)

در آمده است.

۲ مهرماه - سخن روز (دفاع از ملی شدن مدارس)

۴ مهرماه - نامه نزیه به جمهوری اسلامی و پاسخ جمهوری اسلامی به نزیه

۹ مهرماه - مقالهای تحت عنوان «آنچه که آمریکا باید بداند»، در این مقاله به آمریکا در مورد دخالت در امور داخلی ایران هشدار داده شده و از سفارت آن کشور به عنوان لانه جاسوسی نامبرده شده است.

۱۰ مهرماه - انتشار اسناد سری تماس ویژه ساواک و عراق برای جلوگیری از هجرت امام امت

۱۴ مهر - افشاء توطئه جدید آمریکا علیه اسلام و ایران که در این مقاله از توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم برای وادار نمودن کشورهای عربی خلیج فارس به جنگ با ایران پرده برمی‌دارد.

۱۵ مهرماه - ترجمه پیام امام به حجاج بیتا... الحرام به زبان عربی که در شماره‌های بعدی بسزبانهای دیگر نیز ترجمه و درج گردیده است

۱۷ مهرماه - افشاء توطئه آمریکا برای درهم کوبیدن روحانیت مبارز

۲۴ مهر - سخن روز (قضیه نزیه سیاسی است نه حقوقی)

در این مقاله به بعضی از عملکردهای ضدانقلابی حسن نزیه اشاره شده است.

۱۲ آبان - مصاحبه اختصاصی با شهید مظلوم آیتا...

پاکستان حیانت به مبارزان افغانستان است)

۸ بهمن - سرمقاله (سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن که در دفاع از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نوشته شده است)

۲۰ بهمن - مقالهای تحت عنوان چرا مجاهدین خلق دروغ می‌گویند؟

۲۵ بهمن - مقاله رجعت بسوی فطرت الهی انسان که به افشاء خط ارتباط با غرب و شرق پرداخته است. (لازم بتذکر بقیه در صفحه ۲۰)

کارنامه‌ای فهرست گونه از مهمترین

بقیه از صفحه ۱۹

استکه این مقاله در سطح وسیعی در جامعه پخش شد و این یکی از ضربات اساسی بر بیکر مناقین آمریکائی بود که آنها نیز تظاهراتی در کشور بر علیه این مقاله برپا کردند. ۳۰ بهمن - مقاله خط سازش و خط امام ع اسفند - مقاله جمعه سیاه و دشمنه سرخ ۱۱ اسفند - مقاله شعارها و هدفها (در این مقاله به افشاء توطئه ضد انقلابیون در کردستان و همکاری مناقین در این رابطه پرداخته است) ۱۹ اسفند ۵۸ - مقاله خط امام خط استقامت است (این

۲۷ خرداد - مقاله‌ای تحت عنوان جوجریان که به بررسی گروهکهای ضد انقلاب طرفدار شرق و غرب پرداخته است. ۳۱ خرداد - مقاله تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر که در چندین شماره به چاپ رسیده و به تشریح ویژگی‌های خط گرایش به غرب پرداخته است ۱۲ تیر - مقاله طاغوت زدائی و طاغوت گرایی که به تصفیه در ادارات اشاره شده است ۲۲ تیر - مقاله احیای انقلابی کمیته‌ها (در این مقاله به لزوم احیای کمیته‌های انقلاب اسلامی برای مقابله با توطئه‌های آمریکا و مزدورانش اشاره شده است) ۲۳ تیر - مقاله‌ای تحت عنوان زمین زیر پای صدام حسین می‌لرزد (این مقاله به افشاء چهره آمریکائی صدام حسین پرداخته است) ۲۴ تیر - مقاله از جبهه ملی آمریکائی تا... ۲۶ تیر - مقاله‌ای تحت عنوان تصفیه نهادهای انقلابی

۲۴ فروردین - مقاله‌ای تحت عنوان رزمندگان و توطئه‌ها. ۲۶ فروردین - افشاء توطئه بر علیه چهره‌های سازش ناپذیر انقلاب (توطئه بر علیه جنت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی) سرمقاله‌ای تحت عنوان تفرقه شیعه و سنی توطئه آمریکاست و مصاحبه با نمایندگان مجلس در مورد آینده جنگ. ۲۹ فروردین - سرمقاله‌ای بنام «ارتش اسلامی». ۳۰ فروردین - سرمقاله‌ای تحت عنوان «بسیج در کنار ارتش و سپاه».

۳۱ فروردین - مقاله‌ای بنام «خط طائف» که به افشاء توطئه‌های کنفرانس طائف که بدستور آمریکا برای ایجاد اختلاف نمودن بین تشیع و تسنن پرداخته. اول اردیبهشت - مقالاتی در مورد انقلاب فرهنگی و افشاء اسناد تازمانی از توطئه بر علیه شهید مظلوم آیتا... بهشتی، پرورش، حجازی و خلخالی. ۳ اردیبهشت - مقاله‌ای تحت عنوان «کویت با آتش بازی می‌کند» (در این مقاله نسبت به کمک‌های کویت به رژیم مزدور و متجاوز عراق هشدار داده شده است) ۶ اردیبهشت - سرمقاله‌ای بنام «آیین پاسداران دلیر کمیته‌ها»

۷ اردیبهشت - سرمقاله‌ای تحت عنوان رجوی با قاسملو که به افشاء ارتباط این دو مزدور ابرقدرت با هم پرداخته است همچنین مقاله دیگر بنام «افغانستان سرزمین حماسه‌های جاودانی» در این شماره به چاپ رسیده. ۸ اردیبهشت - در این شماره مطلبی بنام «توصیه‌های لازم ب مردم» درج شده که در آن نسبت به درگیری‌ها و تشنج آفرینی‌های مناقین خلق برای به حاکمیت رساندن مجدد آمریکای جنایتکار در ایران، به مردم تذکراتی داده شد و در چندین شماره بعد مطالبی در همین زمینه نگارش یافته است.

۱۰ اردیبهشت - مقاله‌ای تحت عنوان «مطهری شهید فرهنگ اسلامی است» ۱۲ اردیبهشت - مقاله‌ای بنام «قاسملو دست پیدای امپریالیسم و چهره پنهان رجوی» ۱۳ اردیبهشت - سران مجاهدین خلق چگونه هواداران خود را فریب میدهند. ۱۴ اردیبهشت - مطلبی تحت عنوان «عطیه چپ به مجاهدین خلق» ۱۵ اردیبهشت - دو مقاله دیگر در افشاء چهره مناقه مجاهدین خلق

۱۷ اردیبهشت - مقاله‌ای بنام «شهید دزدی، نیرنگی که سران مجاهدین خلق اختراع کردند» و مقاله دیگری «بنام مجاهدین خلق در لاک پیکان غریزدگی» همچنین در این شماره مقاله دیگری در افشاء چهره آمریکائی امیر



زمینه ساز کودتاست ۳۱ تیر - افشاء سند فوق محرمانه حزب بعث عراق در رابطه بانفوذ در «الفتح» و نابودی مسلمانان لبنان و مقابله بانقلاب اسلامی که برای اولین بار روزنامه جمهوری اسلامی آنرا منتشر کرد. ۱۰ فروردین ۶۰ - سرمقاله‌ای تحت عنوان «چه ضروری از آرامش؟» (در این مقاله از تشنج آفرینی روزنامه نامیزان ارگان نهضت آزادی انتقاد شده است)



۱۱ فروردین - مقاله‌ای بنام «تجاوزگر جابره نمی‌گیرد» (بیرامون جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) ۱۶ فروردین - مقاله‌ای تحت عنوان «مرگ بر آمریکا ذکر است» ۱۸ فروردین - نظرخواهی جمهوری اسلامی از نمایندگان مجلس پیرامون جنگ تحمیلی ۲۰ فروردین - مقاله‌ای بنام «برادران مکتبی عمل کنید در مورد جاسوسان آمریکائی که در زیر چتر خبرنگاری در ایران فعالیت می‌کنند هشدار داده شده همچنین در این شماره از نمایندگان مجلس در مورد نقش مطبوعات در حفظ آرامش در جامعه نظرخواهی شده است. ۲۳ فروردین - مصاحبه باشخصیتها پیرامون مرز انتقاد سازنده باتخریب

مقاله بدفاع از عدم تحویل جاسوسان آمریکائی توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام به شورای انقلاب پرداخته است)

۵۹/۱/۹ مقاله توده‌های ما می‌آیند (در این مقاله به پارهای از خیانت‌های حزب روسی توده اشاره شده است) لازم بتذکر است که این مقاله با اعتراض شدید حزب توده مواجه گشت.

۱۷ فروردین - مقاله توصیه به گروههای کمونیستی که به افشاء حرکت‌های خائنه حزب توده پرداخته است. ۵۹/۱/۱۸ مقاله سرنوشت انقلاب و سرنوشت گروگانها ۱۹ فروردین - مقاله آخر خط که به افشاء توطئه‌های رژیم مزدور عراق پرداخته است.

۲۵ فروردین - اعلام خیر شهادت آیتا... محمد باقر صدر (لازم بتذکر است که روزنامه جمهوری اسلامی اولین روزنامه‌ای بود که خیر شهادت آیتا... صدر را منتشر نمود و وزارت ارشاد ملی این خبر را تکذیب کرد!) ۵۹/۱/۳۰ مقاله‌ای در دفاع از انقلاب فرهنگی ۲ اردیبهشت - مقاله خادم کیست و خائن کیست (در این مقاله به حرکت‌های گروهک‌های ضد انقلاب برای جلوگیری از انقلاب فرهنگی در دانشگاهها اشاره شده است)

۵۹/۲/۷ مقاله غافل نباید بود (در این مقاله در رابطه با خنثی شدن حمله نظامی آمریکای جنایتکار به طیس و چگونگی مقابله با حملات احتمالی نکاتی تذکر داده شده) ۵۹/۲/۱۳ مقاله اسلام‌زدائی، روشنفکران و انقلاب فرهنگی که در دو شماره بیچاپ رسیده است.

۵۹/۲/۱۷ مقاله نه شرقی نه غربی - جمهوری اسلامی (در این مقاله به نقش ملی گشای خائن در بازگرداندن آمریکای جنایتکار به کشورمان اشاره رفته است) ۴ خرداد - مقاله مجلس و آینده انقلاب ۱۰ خرداد - مقاله‌ای در دفاع از انجمن‌های اسلامی دانشگاهها

۱۹ خرداد - مقاله‌ای در بیان ویژگی‌های نخست وزیر ۲۴ خرداد - مقاله سه سخن (این مقاله به افشاء عملکرد ضد انقلابی مناقین آمریکائی پرداخته است)



انتظام معاون مهندس بازرگان درج شده است.
 ۱۹ اردیبهشت- مطلبی تحت عنوان مجاهدین خلق، پرستش تاریخ یا پرستش الله
 ۲۰ اردیبهشت- مطلبی تحت عنوان مجاهدین خلق و تضاد عمدهای بنام ارتجاع
 ۲۱ اردیبهشت- مطلبی تحت عنوان اصطلاح «مارکسیستهای اصولی»، دامی برای هواداران مجاهدین خلق.
 در این شماره مقاله‌ای نیز در ضرورت انقلاب فرهنگی جهت تثبیت ارزشهای اسلامی درج شده است.
 ۲۲ اردیبهشت- مطلبی بنام «۱۲ دروغ مجاهدین خلق»

۲۳ اردیبهشت مطلبی تحت عنوان «مجاهدین خلق و شیوه انقلابی تفسیر قرآن ۶۰»
 ۲۴ اردیبهشت- سلسله مقالاتی بنام کودتا و ضد کودتا که در دهها شماره بجای رسیده (در این مقالات به تشریح زمینه و اهداف کودتا و چگونگی مقابله با آن پرداخته است)

۲۶ اردیبهشت- چند سوال صریح از مجاهدین خلق.
 ۲۹ اردیبهشت- تبیین جهان رجوی و تاریخ پرستی مارکسیسم که در چندین شماره بجای رسیده است.
 ۳۰ اردیبهشت- افشاء اسناد همکاری کاظم رجوی، برادر مسعود رجوی خائن فراری با ساواک
 ۳۱ اردیبهشت- دو صفحه گزارشی مصور از فاجعه‌ای که مجاهدین خلق در شهر کرد آفریدند
 ۲ خرداد- اخطار فوری به مسئولین امور در مورد رابطه رجوی خائن با دربار شاه معدوم و غارت اموال ملت توسط آنها.

۴ خرداد- مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس در مورد گروگانها دولت- زمین- مسکن، منافقین و... همچنین در این شماره مطلبی تحت عنوان «آنها که انقلاب را شکنجه می‌کنند» درج شده که راجع به شایعه شکنجه در زندانها است که توسط ضدانقلاب دامن زده شده بود.

۵ خرداد- مطلبی بنام «چه باید کرد؟»، این مطلب به افشاء توطئه ابرقدرتها و مزدوران داخلی آنها در تضعیف قانون اساسی- مجلس و دولت شهید رجائی و تضعیف جبهه‌های نبرد پرداخته است.

۶ خرداد- مقاله‌ای بنام مجاهدین خلق در بن بست تناقض و مقاله دیگری بنام ایلی کوهین و امیر انتظام.
 ۹ خرداد- ویژه نامهای بمناسبت سالروز شهادت شیخ فضل... نوری

۱۰ خرداد- نظرخواهی جمهوری اسلامی از نمایندگان مردم در مجلس پیرامون ضرورت اجرای قانون ۱۳ خرداد- نقشه جدید آمریکا و صهیونیسم برای نجات و حفظ صدام

جنگ هفته- ۶۰/۳/۱۶- ویژه نامه ۱۵ خرداد
 ۱۷ خرداد- نظرخواهی جمهوری اسلامی از نمایندگان مردم در مجلس پیرامون حل مسئله بیکاری و علت تبلیغات رادیوهای استکبار جهانی علیه دولت رجائی.

۱۸ خرداد- مصاحبه اختصاصی با آیتا... ربانی املشی در مورد پرونده ۱۴ اسفند
 ۲۵ خرداد- مطلبی تحت عنوان «نامه یک جوان پاسدار به آقای رئیس جمهور» (این مطلب به افشاء دروغ پردازیها- تهمت‌ها و عملکرد ضد انقلابی بنی صدر خائن فراری پرداخته است)

۲۶ خرداد- مقاله‌ای بنام خط تخریب در چنبر تناقض که به افشاء ماهیت پلید بنی صدر پرداخته است.
 همچنین در این شماره رابطه رئیس دفتر بنی صدر با ساواک و دربار شاه معدوم افشاء شده است.

۲۷ خرداد- مقاله‌ای تحت عنوان «شیکه تخریب در سرانجام» (در این مقاله به توطئه‌های گوناگون مزدوران آمریکا از جمله بنی صدر خائن اشاره شد).
 ۳۱ خرداد- مقاله‌ای بنام «سقوط بنی صدر سقوط منافقین»

۶ تیر- مقاله‌ای تحت عنوان «وظایف انقلابی دولت»
 ۸ خرداد- افشاء اسناد همکاری بنی صدر با سازمان سیا»

۱۰ تیر- مقاله «ایران پراز بهشتیه»
 ۱۱ تیر- مقاله‌ای تحت عنوان «از ۱۷ شهریور تا ۷ تیر آمریکا نیز رفتنی است»

۱۶ تیر- مقاله‌ای بنام «خلق ماکبست؟» (در این مقاله به بعضی از عملکردهای ضد انقلابی منافقین آمریکائی اشاره شده است)

۲۰ تیر- مقاله‌ای تحت عنوان «چرا باید فعالانه در انتخابات شرکت کنیم؟»
 ۲۱ تیر- مقاله‌ای در بیان ضرورت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

جنگ هفته- ۶۰/۴/۲۲- ویژه نامه بمناسبت شهادت ۷۲ تن از یاران امام و امامت

۲۴ تیر- مقاله‌ای بنام انتخابات و انفجارات
 ۲۷ تیر- مقاله‌ای تحت عنوان مبانی صلح
 ۲۹ تیر- مقاله‌ای راجع به ضرورت شرکت فعال ملت در انتخابات ریاست جمهوری

۳۰ تیر- مقاله‌ای بنام «تلاش مذبحخانه رژیم عراق».
 ۵ مرداد- مصاحبه اختصاصی جمهوری اسلامی با آیتا... ربانی املشی

۶ مرداد- سر مقاله‌ای تحت عنوان «صهیونیسم و سرنوشت خاورمیانه» که در دو شماره بجای رسیده است.
 ۷ مرداد- نظرخواهی جمهوری اسلامی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی پیرامون انتخابات و نقش صهیونیسم در منطقه.

۱۰ مرداد- سر مقاله‌ای تحت عنوان «تاکی باید خاورمیانه در آتش صهیونیسم بسوزد؟»
 ۱۲ مرداد- سر مقاله‌ای بنام «برای شمشیر و آفتاب» (در رابطه با ریاست جمهوری برادر شهید رجائی) همچنین



در این شماره مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس درج شده است.

۱۴ مرداد- سر مقاله‌ای تحت عنوان «فصل نزول حدید» که به لزوم قاطعیت در مقابل مزدوران آمریکائی جنایتکار اشاره کرده است.

۱۵ مرداد- مقاله‌ای بنام «بیاد ۷۲ تن» و مصاحبه اختصاصی با دکتر باهنر در مورد برنامه‌های آینده دولت.
 ۱۶ مرداد- مقاله‌ای تحت عنوان «مسئله امنیت» (در این مقاله نکاتی در مورد چگونگی خنثی نمودن توطئه‌های مزدوران آمریکا ذکر شده است)

۲۵ مرداد- سر مقاله‌ای بنام «کابینه‌ای که در راه است».
 ۲۶ مرداد- سر مقاله‌ای تحت عنوان «خانهای تیمی و خانهای یتیمی».

۲۷ مرداد- سر مقاله‌ای بنام «ای فریب‌خورده‌ها برگردید»
 ۲۸ مرداد- سر مقاله‌ای تحت عنوان «سخنی با دولت جدید».

۲۹ مرداد- سر مقاله‌ای تحت عنوان «جبهه اسلامی ضد صهیونیستی»
 اول شهریور ۶۰- مقاله‌ای بنام «جنبش عافیت‌طلبان» (در این مقاله به تهمت‌ها و دروغ‌پردازیهای جنبش مسلمانان مبارز اشاره شده است)

۳ شهریور- نظرخواهی جمهوری اسلامی با نمایندگان مجلس در مورد «جبهه اسلامی ضد صهیونیستی»
 ۵ شهریور- سر مقاله‌ای بنام «جهان اسلام در تدارک صهیونیسمزدالی»
 ۱۰ شهریور- مقاله‌ای تحت عنوان «اگر رجائی و باهنر رفتند...»

۱۴ شهریور- مصاحبه اختصاصی جمهوری اسلامی با چندتن از وزراء پیرامون سرنوشت برنامه‌های دولت شهید باهنر.

۱۵ شهریور- ۶۵۳- سر مقاله‌ای تحت عنوان «غفلت دیگر پس است» (این مقاله در چند شماره بجای رسیده است)
 ۲۱ شهریور- سر مقاله‌ای بنام «رسالت کبابینه»

۱۷ شهریور- سلسله مقالات «تسور ریسیم دلال لیبرالسم» در چند شماره
 ۲۳ شهریور- ترجمه پیام امام است به رانترین بیتا... الحرام به زبان ترکی (در شمارهای بعد پیام امام به زبانهای دیگر نیز ترجمه و درج گردیده)

۳۰ شهریور- مقاله‌ای بنام «حماسه یکسال مقاومت» (در مورد اولین سالگرد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)
 ۲ مهرماه- نظرخواهی جمهوری اسلامی از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی پیرامون ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای که در چندین شماره به چاپ رسیده است. همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با حجت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای بچشم میخورد.

۴ مهر- سر مقاله‌ای با عنوان «به یاد جنگ زندگان باشیم»
 ۷ مهر- سر مقاله‌ای به نام «رسالت دهم مهر» که در مورد لزوم شرکت فعال مردم در انتخابات ریاست جمهوری به نگارش درآمده.

همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با دادستان کل کشور درج گردیده است.
 ۸ مهر- سر مقاله‌ای تحت عنوان «دررثای خطابه‌ای پرشور» بمناسبت شهادت عالم مجاهد شهید حجت الاسلام هاشمی نژاد.

۹ مهر- مصاحبه اختصاصی با وزیر بهداشتی راجع به برنامه‌های آینده‌اش
 ۱۱ مهر- سر مقاله‌ای به نام «ای بدبختها بسا که می‌جنگید؟» که به افشاء چهره کریه منافقین آمریکائی ولیبرالها پرداخته است.

۱۲ مهر- مصاحبه اختصاصی با وزیر پست و تلگراف و تلفن
 ۱۵ مهر- سر مقاله‌ای به نام «سادات مُرد»
 ۱۶ مهر- سر مقاله‌ای تحت عنوان «دراربعین رجائی و باهنر» همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس بجای رسیده است.

۱۸ مهر- سر مقاله‌ای بمناسبت تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقا‌خانمهای

۱۹ مهر- سر مقاله‌ای بنام «روز قیام ملت مصر» همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با فرمانده سپاه پاسداران درج گردید است.

۲۰ مهر- سر مقاله‌ای تحت عنوان «سادات، بگین و بنی صدر» آ در چند شماره بجای رسیده و به ویژگی‌های این سه مهره آمریکائی جنایتکار پرداخته است.

۲۱ مهر- مصاحبه اختصاصی با آیت ا... صدوقی
 ۲۳ مهر- سر مقاله‌ای بنام «جوانه سرزده است» در رابطه با گسترش انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی و جهان سوم.

۲۹ مهر- سر مقاله‌ای در رابطه با ویژگی‌های نخست وزیر- همچنین در این شماره ویژه نامهای بمناسبت سالروز شهادت آیت ا... حاج آقا مصطفی خمینی بچشم میخورد.

۳۰ مهر- سر مقاله‌ای بمناسبت سالروز شهادت آیت ا... حاج آقا مصطفی خمینی
 ۳ آبان- سلسله مقالاتی بنام حج و انقلاب در چندین شماره
 ۶ آبان- سر مقاله‌ای بنام محرم ماه پیروزی

۷ آبان- مصاحبه اختصاصی با حجت‌الاسلام هادی غفاری در رابطه با حج
 ۹ آبان- مصاحبه اختصاصی با مهندس موسوی نخست‌وزیر در مورد برنامه‌های آینده‌اش.
 ۱۰ آبان- مصاحبه اختصاصی با وزیر دادگستری
 ۱۳ آبان- ویژه نامه بمناسبت سالروز اشغال لانه جاسوسی آمریکا

۱۴ آبان- سر مقاله‌ای بنام «پسوسته با عاشورا» و همچنین ویژه‌نامه‌ای بمناسبت عاشورا.
 ۱۷ آبان- ویژه نامهای بمناسبت اربعین شهادت سرداران رشید اسلام و حجت‌الاسلام هاشمی نژاد.

۱۸ آبان- مصاحبه اختصاصی با مدیرعامل صدا و سیما و سر مقاله‌ای در رابطه با انتظاراتی که از کابینه میشود داشت.

۱۹ آبان- سر مقاله‌ای در رابطه با پیامدهای سازش با اسرائیل در چندین شماره بجای رسیده است.
 ۲۰ آبان- مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس در رابطه با توطئه ارتجاع منطقه علیه آرمان فلسطین

۲۵ آبان- سر مقاله‌ای بمناسبت رحلت علامه طباطبائی همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با آیتا... جوادی آملی در رابطه با رحلت علامه طباطبائی درج شده.

۲۸ آبان- نظرخواهی جمهوری اسلامی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی پیرامون طرح فهد.
 ۲ آذر- سر مقاله‌ای در رابطه با ضرورت روشن نمودن سیاستهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کشور.

۳ آذر- ویژه نامهای بمناسبت اربعین رحلت علامه طباطبائی
 ۵ آذر- سر مقاله‌ای در تجلیل از ایثارگن‌های بسیجیان و دو صفحه ویژه نامه در همین رابطه. بقیه در صفحه ۲۲

طالب سیاسی روز نامه از آغاز تا کنون

۱۷ شهریور - سرمقاله ویژه نامه مناسبت ۱۷ شهریور
 ۱۸ شهریور - یادواره شهید محراب آیتا مدنی
 ۲۱ شهریور - سرمقاله‌ای در رابطه با مصوبات کنفرانس فاس
 ۲۳ شهریور - سرمقاله‌ای تحت عنوان «آرمان فلسطین فریانی توافق استراتژیک شرق و غرب»
 ۲۴ شهریور - مصاحبه اختصاصی با آیتا... مومن در مورد مسائل قضائی کشور.
 ۲۷ شهریور - سرمقاله‌ای در رابطه با اعدام قطب زاده حائن. از این شماره ویژه نامه‌هایی بمناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی منتشر شده است.
 ۲۸ شهریور - سرمقاله «بلوغ انقلاب» در بیان برکات انقلاب و جنگ تحمیلی که در چندین شماره چاپ شده است.
 ۳۱ شهریور - مصاحبه اختصاصی با نخست‌وزیر پیرامون رسیدگی به نقاط محروم کشور.
 ۱ مهر - مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس در مورد فلسطین - دانشگاهها و جنگ. سرمقاله جنگ تحمیلی و امدادهای عیبی.
 ۲ مهر - سلسله مقالاتی پیرامون سالگرد جنگ تحمیلی در چند شماره.
 ۵ مهر - مصاحبه اختصاصی با حجت‌الاسلام خامنه‌ای در مورد سالگرد ریاست جمهوری ایشان
 ۷ مهر - سرمقاله ویژه نامه بمناسبت سالگرد شهادت حجت‌الاسلام هاشمی نژاد.
 ۱۰ مهر - سرمقاله‌ای در رابطه با صب‌گذاری مزدوران آمریکا در حیابان ناصر خسرو و تذکر به مسئولین انتظامی و امنیتی در مقابله جدی با تروریستهای جاپنگار.
 ۱۱ مهر - سرمقاله‌ای تحت عنوان «تجربه تاکی؟» که به لزوم قاطعیت دادگاههای انقلاب در مبارزه با مزدوران آمریکا اشاره کرده است.
 ۱۵ مهر - سرمقاله‌ای در رابطه با سالگرد اعدام انقلابی سادات حائن.
 ۱۷ مهر - سرمقاله‌ای بنام «اقتصادی زمان!» که به افشاء حیانت‌های بهت آزادی پرداخته است.
 ۲۰ مهر - نقد اجمالی نهضت مجاهدین خلق در چند شماره همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با آیتا... جوادی آملی پیرامون مسائل حج بی‌چاپ رسیده است.
 ۲۴ مهر - سرمقاله‌ای بنام محراب تا کی باید خوبین شود؟ در رابطه با شهادت آیتا... اشرفی اصفهانی و تذکر به نمایندگان مجلس در مورد تصویب فوری لایحه تشکیل سازمان اطلاعاتی کشور.
 ۲۵ مهر - سرمقاله‌ای در افشاء عملکرد خائنانه نهضت آزادی - همچنین در این شماره مصاحبه اختصاصی با آیتا... صاعی در مورد مراسم حج امسال درج گردید.
 ۲۷ مهر - از این شماره سرمقاله‌هایی پیرامون محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر.
 ۲۹ مهر - مصاحبه اختصاصی با وزیر خارجه در مورد سفر هیاتهای کره شمالی و ترکیه به کشورمان.
 اول آبان - یادواره پسخمیر سالگرد شهادت حجت‌الاسلام حاج آقا مصطفی حمیدی
 ۲ آبان - مصاحبه با آیتا حینی در مورد رهنمود امام مبنی بر پذیرش دانشجو در حوزه‌ها، مراسم حج و مجلس خبرگان

۱ تیر - سرمقاله‌ای تحت عنوان «راه قدس از عراق میگردد» همچنین از این شماره به بعد ویژه نامه‌های رنگی بمناسبت سالگرد شهادت ۷۲ تن از یاران صدیق امام و امت به همراه روزنامه منتشر شده است.
 ۵ تیر - سلسله مقالات «راست فامنان جانودانه» در چندین شماره
 ۱۲ تیر - سرمقاله‌ای بمناسبت شهادت سومین شهید محراب آیتا... صدوقی و تذکری به نیروهای امنیتی و تذکری به مجلس شورای اسلامی در جهت تصویب فوری لایحه سازمان اطلاعاتی کشور
 ۲۰ تیر - مصاحبه اختصاصی با نخست‌وزیر پیرامون جنگ - غیرمتعهدها و صدور انقلاب
 ۲۱ تیر - سؤال جمهوری اسلامی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی در مورد کمک به حبه‌ها. همچنین در این شماره سرمقاله‌ای بنام «شورای امنیت به صدام مدال میدهد» درج گردیده است.
 ۲۳ تیر - سلسله مقالات «قدس، ملت‌ها و دولت‌ها»
 ۳۰ تیر - سرمقاله‌ای تحت عنوان «آرامش منطقه»
 ۶ مرداد - سرمقاله‌ای بنام «آرمان فلسطین در مسلح سازش» در این شماره گزارش روز پیرامون «اصول سیاست خارجی» و «نظریات مردم» بچاپ رسیده است.
 ۱۰ مرداد - مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس در مورد ترمیم کابینه، تحولات جنگ - اخذ غرامت، اخراج فلسطینیان از بیروت و...
 ۱۱ مرداد - سرمقاله‌ای بنام «شیخ فصل... شهید اسلام فقامتی» و یادنامه شیخ فضل... بوری و شهید دکتر حس آیت.
 ۱۳ مرداد - سرمقاله‌ای تحت عنوان «بعداد و کفرانس غیر متعهدها»
 ۱۸ مرداد - سرمقاله‌ای در رابطه با محل برگزاری کنفرانس غیر متعهدها
 ۲۷ مرداد - سرمقاله‌ای بنام «مناقضات مایوس» که در رابطه با بمب گذاریها و جنایات منافقین آمریکائی نوشته شده است. همچنین از این شماره گزارش‌هایی پیرامون کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی درج شده است.
 ۲۸ مرداد - سرمقاله‌ای در رابطه با جنایات منافقین آمریکائی.
 ۳۱ مرداد - سرمقاله‌ای بنام «آغازی برای صهیونیسم ردائی»
 ۲ شهریور - سرمقاله‌ای در افشاء حزب حائن توده.
 ۴ شهریور - مصاحبه اختصاصی با نخست‌وزیر در مورد مسائل روز.
 ۶ شهریور - سلسله مقالاتی بمناسبت سالگرد شهادت برادر رجائی و باهتر به همراه دو ویژه نامه در همین رابطه.
 ۱۳ شهریور - سرمقاله‌ای در رابطه با کنفرانس فاس
 ۱۴ شهریور - مصاحبه اختصاصی با وزیر خارجه در رابطه با سیاست خارجی کشور در این شماره ویژه نامه‌ای بمناسبت سالگرد شهادت آیتا... قدوسی بچاپ رسیده است.

پیرامون غیر متعهدها
 ۱۴ اردیبهشت - مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس در ورد جنگ و مصاحبه اختصاصی با دادستان کل کشور در ورد مسائل قوه قضائیه
 ۱۵ اردیبهشت - سرمقاله‌ای در رابطه با شهادت وزیر خارجه الجزایر بدست رژیم صدام.
 ۲۰ اردیبهشت - سرمقاله‌ای بنام «استکبار تبلیغاتی در راشیپ سقوط»
 ۲۱ اردیبهشت - مصاحبه اختصاصی با نخست‌وزیر پیرامون جنگ
 ۲۸ اردیبهشت - مصاحبه اختصاصی با آیتا... گیلانی پیرامون آزادی بی‌رویه گـر و هکها
 ۲۹ اردیبهشت - مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس پیرامون مسئله جنگ همچنین سلسله گزارش‌های روز در ورد مردم، مسئولین و دادگاههای انقلاب در چندین شماره درج گردیده است.
 ۴ خرداد - مقالاتی راجع به آزادی خرمشهر
 ۵ خرداد - مقاله‌ای بمناسبت روز پاسدار
 ۶ خرداد - مصاحبه اختصاصی با رئیس مجلس و سرمقاله‌ای در رابطه با سومین سالگرد تأسیس مجلس شورای اسلامی
 ۹ خرداد - سرمقاله‌ای بمناسبت آغاز چهارمین سالگرد تأسیس روزنامه جمهوری اسلامی. همچنین در این شماره از نخصیتهای مذهبی و سیاسی کشور در رابطه با سالگرد روزنامه جمهوری اسلامی نظر خواهی شده است.
 ۱۰ خرداد - سرمقاله‌ای در افشاء توطئه امپریالیسم و صهیونیسم جنایتکار مبنی بر خرید اسلحه از اسرائیل توسط جمهوری اسلامی ایران.
 ۱۳ خرداد - سرمقاله‌ای بمناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد و سرمقاله دیگری تحت عنوان «غیر متعهدها در بوته آزمایش»
 ۱۹ خرداد - سرمقاله‌ای بنام «وای بر این سکوت» که در رابطه با سکوت مرگبار دولتهای منطقه نسبت به جنایات رژیم غاصب اسرائیل در لبنان نوشته شده است.
 ۳۰ خرداد - سرمقاله‌ای تحت عنوان «ارتجاع منطقه نتحار می‌کند»
 ۲۳ خرداد - سرمقاله‌ای در بیان پیامدهای تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان. همچنین در این شماره گزارش‌ها از نظرات مردم راجع به مجلس چاپ شده است.
 ۳۱ خرداد - سرمقاله‌ای بنام «لبنان، گورستان صهیونیستها».



کثیف جلوی، سیگاری گوشه لب، اسکاچی بدست، دارد ظرف مابقی را می‌شوید احساس افتخار هم می‌کند.

در چیزهای دیگر هم همینطور. یکبار جلسه گذاشتند. تعداد بچه‌ها زیاد شده بود. کار روزنامه راه افتاده بود و همه سخت مشغول، مهندس گفت فساد یک نویسنده از آنجا شروع می‌شود که وقتی می‌نویسد ببیند انسانی که چه بسا از او والاتر هم باشد دارد زیر پای او را با زحمت (زحمتی که ویژه کسان وقتی بناست افکار دیگری را مغشوش نکنند است) جارو می‌زند، می‌زش را دستمال می‌کشد تر و خشکش می‌کند اگر او بی تفاوت نشست و رشته قلمش پاره نشد اگر او نگاهش تحقیرآمیز کرد و خود را برتر دید اگر او کار خود را مهم‌تر دانست، بعد از مرور زمان بخود حق اهانت به آن مستخدم را هم چه بسا که بدهد، و فساد او از همینجا شروع می‌شود. پس بهمین دلیل بچه‌ها چنانی خود را خود بریزند. نظافت هم پای خودشان، اتلاف وقت مانعی ندارد. البته این حرف تنها در آن آغاز که بچه‌ها زیاد بودند عملی بود. بعداً که کار گسترده‌تر شد و وقت بچه‌ها تنگ‌تر خود مدیریت تصمیم گرفت روزنامه مستخدم داشته باشد. لیکن مهم آنکه آن حرف در ذهن بچه‌ها رسوب کرد، بچه‌ها بعداً اعتراض کردند که اگر نمی‌خواهید ما وقتمان را صرف نظافت کنیم حداقل بگوئید جلوی چشم ما زمین را جارو نکنند، بگذارند صبح زود که هیچ کس نیست. آخر در یک مسجد یک کفشار خود را همانقدر مهم و با شخصیت می‌داند که امام جماعت و هردو کار خود را به آن اندازه باارزش می‌دانند که برای خداست، اینچنین همچنین چرا کسی در برابر کسی تحقیر شود. روزنامه اینطور شروع بکار کرد و اینطور رشد نمود و هنوز به لطف خدا اینطور هست.

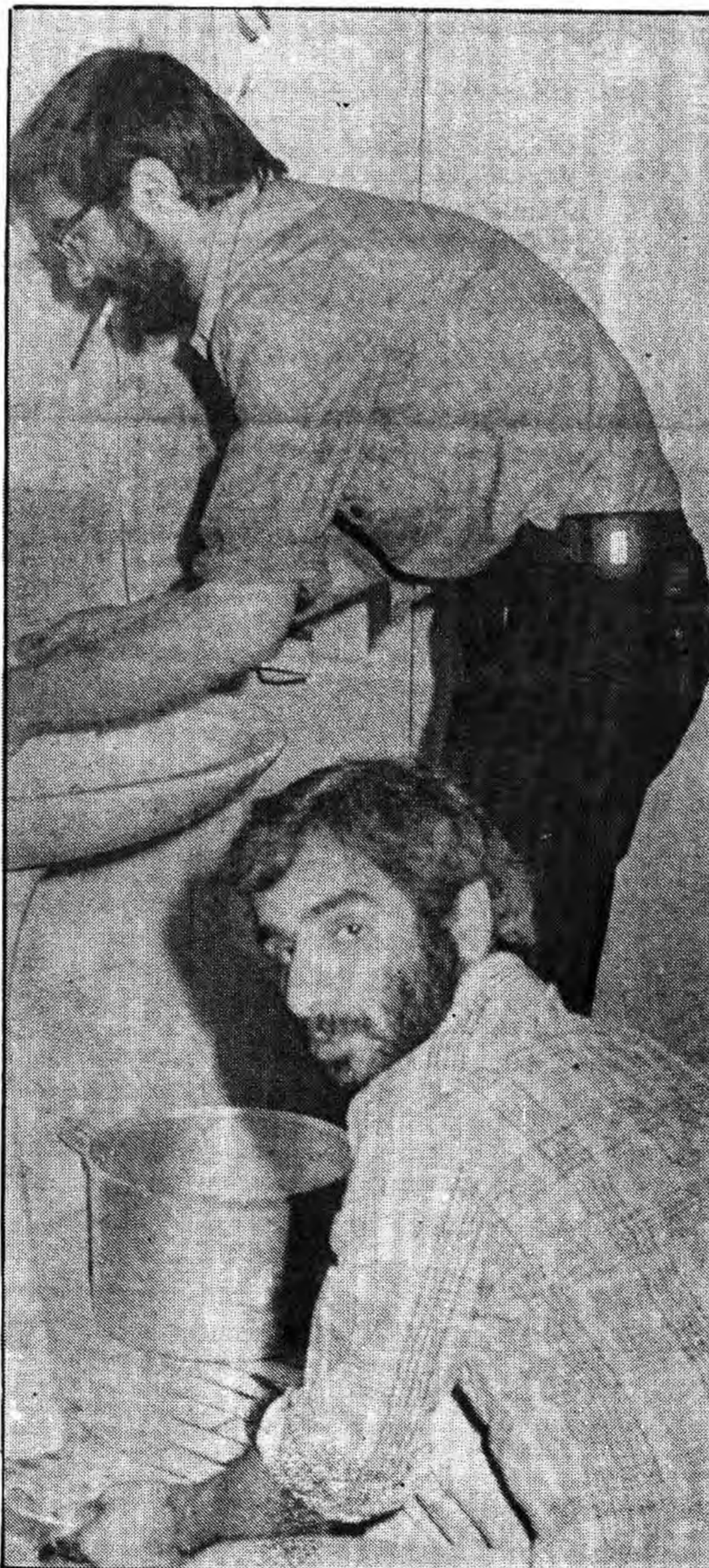
ماه‌های اول همکاران خجالت می‌کشیدند که حرف از حقوق بزنند. انگاری که کار برای خدا از این حرف‌ها بر نمی‌دارد. ولیکن خروج زن و بچه هم از این حرف‌ها بر نمی‌دارد. تا اینکه بالاخره آقای آقازاده بداد رسید. منظورم گزارش وضع بدامالی روزنامه نیست. صحبت از طرز تلقی حاکم است.

در میان دیگر نکته‌هایی که از این هزار روز بیادمانده بگذارید از حرکت موج انسانیت در افکار حاکم بر روزنامه هم حرفی زده باشیم. مقصودم جز یک حادثه کوچک نیست. ولی حقیر معنی آنرا بزرگ می‌پندارم. شبی بنده خبری در چاپخانه نوشتم و به حرف‌های کیهان دادم. صبح که آنرا خواندم بعضی کلمات غیر از نوشته دیشب بودند. اوایل روزنامه حساسیت خیلی زیاد بود. ما هم تازه کار- هیچ نشده بوی توطئه می‌شنیدیم. بهر حال رفته پیش مهندس. گفتم: توطئه کرده‌اند، این خلاف چیز است که من نوشته بودم. حالا جواب مردم را چه بدهیم. مهندس نگاهی به خبر کرد. گویا گناه کبیره‌ای رخ نداده بود. بروی خودش نیاورد. در عوض گفت: از مسئله دسیسه که بگذریم این یک نشانه خوب هم هست. گفتم مثلاً؟ گفت حداقل نشان می‌دهد که آن حرف‌های دیگر خود را ماشین تصور نمی‌کنند که هرچه دستش دادند بچینند. بلکه خود را انسان می‌داند و برای انسانیت خود اهمیت قائل است. و خاطره‌های دیگر، چقدر زیادند. روزهایی که هر جا می‌رفتی وقتی می‌گفتی خبرنگار فلان روزنامه راحت نمی‌دادند. یک مشت سبیلو جلویت را می‌گرفتند که خبرنگار ارتجاع. آنروزهایی که جو جامه بر علیه حزب آنقدر غلیظ بود که بچه‌ها خودهم باور نمی‌کردند که چطور دارند تحمل می‌کنند.

آنروز که لانه اشغال شد، آنروز که بنی صدر آمد، آنروز که قطب زاده دست بند خورد. آنروز که ۱۴ اسفند بود. و آنروز که فتنه بزرگ تمام شد و آتش از یاد نرفت، آن صحنه جگر سوز، آن لحظه که در او ۷۲ سرواژه افتادند. شب شهادت بهشتی، و بعد از آن ۸ شهرویر و بعد از آن خاطره‌ها بسیارند. لیکن همین‌ها که گفتیم بس. دیگر حوصله کسی را سر نبریم. برسیم سر وقت خاطره هزارمین که با انتشار این چند برگ شکل می‌گیرد. این چند ورق، این ضمیمه برای چیست؟ برای فخر فروشی که نیست. زیرا اسم کسی را در او نبرده‌اند. چه کسی می‌داند، من کیستم. من هم یک بنده خدا مثل تو که داری این برگ را می‌خوانی. اسم دیگری هم برای این کار سراغ ندارم جز اینکه مسجدی را بر پایه تقوا ساختند. این مسجد بگردن ما حق دارد. ما باید حق او را ادا کنیم. جز اینکه این روزنامه منفک از من و او و آنها برای خود حیاتی مستقل دارد. موجودی منفرد است که هزار روز او را خواندند بگذار یکروز هم که شده حقیقت او را بشناسند.

روزنامه رشد کرد. تنها به یک خاطر، به علت آنکه این مسجد بنیانش بر تقوا گذاشته شده بود. از اول بنا را بر این گذاشتند که منزلت‌های پوچ باید کنار گذاشته شود. تو خبرنگاری یا نام‌ه رسان تو ماشین‌نویسی یا سردبیر. باید هر چند مدت یکبار ظرف همه را بشوئی. هنوز بچه‌ها عکس مهندس را نگاهداشتند. شاید به عنوان سند، یک مشت کاسه

هزار خاطره



هزار خاطره
بسم الله الرحمن الرحيم
صحبت در باره انتشار هزارمین شماره روزنامه جمهوری اسلامی را با یک خاطره شروع کنیم و بعد چند خاطره دیگر:

یادش بخیر آنروزهای قدیم، تحریریه آنوقت‌ها خیلی شلوغ بود. آنقدر شلوغ که بسیاری می‌گفتند اینجا نمی‌شود کار کرد. اما بعد از آنکه مهندس به وزارت خارجه رفت و بعد نخست وزیری بچه‌ها کم‌کم دنبال او از روزنامه متواری شدند. هر کدام از آنها اکنون جایی هستند. بعضی هنوز یکی دوساعتی روزنامه می‌آیند. اما چه آمدنی؟ آدم رویش نمی‌شود با آنها حرف بزند. فلانی مدیرکل فلان وزارتخانه است. هر روز کسی دیرسر کار حاضر می‌شود. وقتی هم که می‌آید فکرش در مدار کار اداره می‌چرخد. چکارش بکنیم؟ من که رویم نمی‌شود به او بگویم این که نشد کار. آخر حقوقی هم نمی‌گیرد. تنها برای تیمم و تبرک، یکی دوساعتی می‌آید، قلمی می‌زند، و می‌رود، همین و همین. مهندس به روزنامه ظلم کرد. همه بچه‌هایی که جالفتاده بودند را برد. هر کدام را در نهادی دستشان را توی حنا گذاشت. شاید هم که این تقدیر بود. در هر حال یکبار هم بنا بود حقیر شکاری از این نهاد های رسمی شوم. خیلی روزه خواندند که کار مردم است و اهمیت دارد و حالا روزنامه را یک کاری خواهیم کرد و... به آنها چیزی نگفتم ولی در آمد و شد این تردید که واقعاً این کار پراهمیت تر است یا روزنامه یا آیا صلاح هست که صبحها اینجا مشغول شوم، کار روزنامه در هر حال بعد از ظهر است، بود، که بنا بر استغاره گذاشته شد. آیه جالبی آمد. خیلی صریح بود. این خاطره را آن آیه را نقل می‌کنم تا بدانید که چرا باید انتشار هزارمین شماره از روزنامه را جشن گرفت.

آیه ۱۰۸ سوره توبه: «ولاتقم فیہ ابدال مسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیہ، فیہ رجال یحبون ان یتطهروا وواله یحب المطهرین.»
امر شد که هدف شکار آن نهاد رسمی فرار نگیرم و در روزنامه بمانم. لیکن به این مقدار کاری نیست. حرفم برسد مسجدیست که از روز اول بنیانش بر تقوی گذاشته شد. یادبهبشتی مظلوم بخیر. این تکیه کلام او بود که حزب واز جمله روزنامه مسجد است.
اگر بگویم که روزنامه مسجدیست که از روز اول اساسش را بر تقوی گذاشتند و ارائه دلیل کنم، افتخاری نصیب شخص بنده نمی‌شود. زیرا مراد این میدان سهمی نیست. لیکن اگر بگویم واقعیتی را که اکتان کرده‌ام. واقعیتی که خوب است مردم آنرا بدانند. نمی‌خواهم از مردانی که دوست دارند خود را پاکیزه کنند حرفی بزنم. آنها راضی نیستند.

می‌خواهم در عوض خاطرات هزار گانه این سه سال و نیم را بگویم فقط افسوس که کاغذ تنگی می‌کند. باشد تنها چند خاطره:

از اردیبهشت سال ۵۸ شروع کنم. آنروزها وقتی که مسئولان می‌گفتند می‌خواهیم روزنامه منتشر کنیم، بعضی پوزخند می‌زدند: شوخی می‌کنید! با همین ده بیست نفر، بودجه چقدر؟ ۲-۳ میلیون تومان- و بعد پوزخندی دیگر: آقا ۲۸۷ میلیون تومان بودجه می‌خواهد، مگر گ... دو باز است؟

بعداً قرار شد که بعلت نحسی ۲۸ مرداد، حروف ۲ و ۸ را از دست چپ این رقم حذف کنند و بماند ۷ میلیون تومان. لیکن آن مقدار هم بدست نرسید. حتی همان ۲ و ۲ میلیون تومان نیز با والذاریات بدست آمد.

بعد نوبت رسید به کادر روزنامه، یک مهندس معمار، یک لیسانس کشاورزی، ۱۰-۱۵ دیپلمه، همین و همین، دوستان با لحنی خیر خواهانه گفتند خود را مهمل نکنید. حداقل باید ۴۰ لیسانس ادبیات را بفرستید سوئیس ۲ سال روزنامه‌نگاری بخوانند، انشالله بعد از ظهور حضرت جریدهای وزین منتشر خواهد کرد.

اینها را گفتند و بعضی در تکاپوی دست انداختن، بعضی در بحبوحه ناباوری بودند که روزنامه منتشر شد. روزنامه بامداد هم همان ایام شروع بکار کرده بود. هر وقت می‌رفتی دنبال کار، خبرنگار ۴۰-۵۰ ساله آنها را هم می‌دید. آنها همیشه سعی می‌کردند ادای بابا بزرگ را در بیاورند. دو سه نصیحت روزنامه نگارانه و بعد پندی که بهتر است شما و انقلاب اسلامی در یکدیگر ادغام شوید. ما هم اصلاً بروی مبارک نمی‌آوردیم و از موضع قدرت برخورد می‌کردیم: فلان تیتتر شما از لحاظ سیاسی انحرافی بود... یا اصلاً سکوت می‌کردیم.

بگذریم. روزنامه رشد کرد و رشد کرد و بعد رقیب آنها شد- یکسال بعد حتی بهتر از ته مانده‌های رستاخیز، (بامداد را می‌گویم)